

مدیریت عرضه و همچنین سیاست‌های مالی؛ ضمن آشنایی با اهداف، ابزار سیاست‌های پولی، برخی از دیدگاه‌های مربوط به این سیاست‌های اقتصادی و نیز کاربرد و چگونه اثرگذاری آنها بر متغیرهای کلان اقتصادی را مورد بحث قرار می‌دهیم.

۸-۲- لزوم سیاست‌گذاری پولی

سیاست‌گذاری پولی، از نظر تاریخی، ملازم و همزمان با شناخت نقش و اهمیت پول در اقتصاد بوده است. مادام که پول عمدتاً در نقش وسیله مبادله ظاهر می‌شد و پول فلزی رایج، فلزگران قیمت (طلا و نقره) بود، سیاست‌گذاری پولی به حدّ و حصر قابل کنترل و برنامه‌ریزی استخراج‌این فلزات (و یا به دست آوردنشان از طریق جنگ، غارت و غیره) منحصر می‌شد. لیکن بعد از ظهور فن بانکداری و قدرت عظیمی که بانک‌ها در ایجاد پول تحریری از خود نشان دادند، لزوم برنامه‌ریزی پولی یا سیاست‌گذاری در زمینه پول به طور روزافزونی احساس گردید. زیرا استخراج چند تن طلا برای افزودن بر نقدینگی جامعه، مستلزم رنج و شکستباری فراوان بود؛ در حالی که چاپ اسکناس و اعطای اعتبارات بانکی بسیار سهل‌تر و آسان‌تر از آن بود.

بنابراین، لازم بود که از یکسو تقاضای پول و از سوی دیگر عرضه آن، تحت ضابطه و کنترل در آید. اگر به نظریه‌های مربوط به تقاضای پول رجوع کنیم، ملاحظه خواهیم کرد که مثلاً نظریه کلاسیک مقداری پول، اقتصاد را همواره در شرایط اشتغال کامل می‌بیند و هر گونه تغییر در عرضه پول را مستقیماً در سطح عمومی قیمت‌ها، مؤثر می‌داند. لذا، نقش سیاست پولی در نظریه مقداری پول منحصر به تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها می‌گردد؛ در حالی که، در نظریه «کینز» که شرایط اشتغال ناقص، حالت عمومی اقتصاد تلقی می‌شود؛ هر گونه تغییر در عرضه پول، در سطح تولید و اشتغال اثر می‌گذارد و بنابراین، سیاست پولی در تثبیت سطح فعالیت‌های اقتصادی و تنظیم جریان درآمد، نقش فعالی پیدا می‌کند.

پس بر این اساس، باید گفت که سیاست‌های پولی طبق تعریف، عبارت است از مجموعه اقداماتی که مقامات پولی (بانک مرکزی) به منظور کنترل فعالیت‌های اقتصادی جامعه به کار می‌گیرند. به بیان ساده‌تر، سیاست پولی به معنای تصمیم‌گیری در مورد مقدار مطلوب پول و یا نرخ مطلوب رشد پول برای تحت تأثیر قرار دادن فعالیت‌های اقتصادی (تولید، اشتغال و...) تعریف می‌شود.

پس به طور خلاصه، باید گفت: سیاست پولی، استفاده از ابزارهای پولی جهت نیل به

فصل هشتم

سیاست‌های پولی

۸-۱- مقدمه

هر کشوری با هر نظام اقتصادی دارای هدف‌های معین اقتصادی است که برای رسیدن به آنها تلاش می‌کند. به عنوان مثال، نظام‌های اقتصادی کشورهای رو به توسعه و از جمله کشور ما درصدد دستیابی به هدف‌های رشد و توسعه اقتصادی و افزایش اشتغال و رفاه جامعه می‌باشند. در کشورهای صنعتی پیشرفته نیز هدف اغلب دولت‌ها در تأمین اشتغال کامل و مبارزه با تورم است، تا همواره با حفظ ثبات قیمت‌ها و اعتبار پول ملی در کشور خود با اعتراض بیکاران و گروه‌های کم درآمد مواجه نشوند. لذا بدین منظور، دولت‌ها همواره با استفاده از ابزارها و سیاست‌های اقتصادی، سعی در تأمین این هدف‌ها دارند. بنابراین، به طور کلی باید گفت زمانی که دولت‌ها وضعیت موجود اقتصاد را مطلوب ندانسته و برای رسیدن به وضعیت مطلوب، بهبود وضعیت موجود و یا هدف تعیین شده، راه معینی را پیش می‌گیرند، این راه را سیاست کلان اقتصادی می‌گویند.

سیاست‌های اقتصادی کلان، به دو گروه مختلف تقسیم می‌شوند: سیاست‌های غیرمستقیم (سیاست‌های مدیریت تقاضا) که به طور عمده، شامل سیاست‌های مالی و پولی و سیاست‌های مستقیم (سیاست‌های مدیریت عرضه) که به طور عمده، شامل سیاست‌های بازرگانی و درآمدی است.

با توجه به اینکه در این کتاب، هدف ما بررسی نحوه عملکرد پول در اقتصاد و تأثیرگذاری این متغیر بر سطح متغیرهای کلان اقتصادی می‌باشد. لذا با کنار گذاشتن سیاست‌های

به همین ترتیب، هماهنگی میان سیاست پولی و سایر سیاست‌های اقتصادی برای دستیابی به اهداف گوناگون اقتصادی ضرورت اساسی دارد. برای مثال، چنانچه ضرورت اقتصادی ایجاد نماید که مقامات بانکی به منظور مقابله با فشارهای تورمی به اجرای سیاست انقباضی پولی دست بزنند، بدیهی است که آثار مثبت چنین سیاستی در مهار کردن تورم، ممکن است به واسطه آثار منفی سیاست مالی انبساطی خنثی شود. به همین ترتیب نیز، اقدامات مالی در جهت اعطای بخشودگی‌های مالیاتی به سرمایه‌گذاری جهت تشویق سرمایه‌داران در اقتصاد، ممکن است در مقابل سیاست انقباضی مقامات پولی و افزایش نرخ‌های بهره، کاملاً بی اثر گردد. بدین ترتیب؛ ضرورت ایجاد هماهنگی لازم میان سیاست‌های پولی، مالی و ارزی برای تحقق بخشیدن به اهداف گوناگون اقتصادی، روشن می‌گردد.

الف - تسریع رشد اقتصادی

چون تسریع رشد اقتصادی غالباً مستلزم افزایش سهم سرمایه‌گذاری در هزینه‌های ملی است، لذا نقش سیاست پولی را در این زمینه می‌توان در تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خلاصه کرد. بدین منظور، مقامات بانکی می‌توانند از طریق ایجاد تسهیلات لازم در زمینه افزایش حجم پول و کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری، اقداماتی در جهت افزایش سرمایه‌گذاری در اقتصاد به عمل آورند. از سوی دیگر سیاست مالی دولت می‌تواند از طریق افزایش مالیات بر مصرف و اعطای بخشودگی‌های مالیاتی به سرمایه‌گذاری، سبب تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری شود و موجبات حمایت از سیاست پولی در جهت دستیابی به رشد سریع‌تر اقتصادی را فراهم آورد.

ب - ایجاد اشتغال کامل

به منظور ایجاد اشتغال کامل در اقتصاد، همواره می‌توان از سیاست‌های انبساطی پولی و مالی بهره گرفت. اما نحوه استفاده از این گونه سیاست‌ها می‌تواند در تعیین سهم مصرف و سرمایه‌گذاری در ترکیب نهایی هزینه ملی و در نتیجه در آهنگ رشد مؤثر واقع شود. بدین ترتیب که ترکیبی از سیاست پولی انبساطی و سیاست مالی انقباضی، می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال کامل در اقتصاد سبب افزایش سهم سرمایه‌گذاری در هزینه ملی و در نتیجه تسریع رشد اقتصادی شود. به همین ترتیب نیز، ترکیبی از سیاست پولی انقباضی و سیاست مالی انبساطی می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال کامل، سبب کاهش سهم سرمایه‌گذاری و در نتیجه

اهداف اقتصادی از طریق تحت تأثیر قرار دادن جریان مخارج جامعه به وسیله ابزارهای پولی است. بر این اساس، مقامات پولی قادر می‌باشند که کلیه متغیرهای اقتصادی از قبیل تولید، اشتغال، تورم، رشد اقتصادی، مخارج دولت و... را از طریق تغییر در عرضه پول، و یا تغییر در انتظارات عامه درباره نرخ بهره، یا هر دو، تحت تأثیر قرار دهند.

۳-۸- اهداف سیاست اقتصادی

نیاز به تأکید نیست که سیاست پولی، جزئی از سیاست اقتصادی کشور است. به عبارت دیگر؛ سیاست پولی جزئی است از یک سیاست‌گذاری کلی‌تر که در آن سیاست مالی، درآمدی، فرهنگی، آموزشی و غیره هر کدام جای ویژه خودش را دارد. همچنین بدیهی است که اهداف سیاست پولی کشور باید چنان تعیین و تبیین شود که هماهنگ و همساز با سیاست‌های دیگر، مجموعه سیاست اقتصادی، را در نیل به اهداف خود یاری دهد. در غیر این صورت، یعنی هر گاه مغایرت‌ها و تضادهایی میان سیاست‌گذاری‌های مختلف، مثلاً میان سیاست پولی و سیاست مالی، وجود داشته باشد، دستیابی به آرمان‌های اقتصادی جامعه دشوار می‌شود. سیاست پولی بایستی مکمل سیاست مالی باشد و سیاست مالی نیز باید همسو و هم‌جهت با سیاست پولی، به تأمین هدف‌های «سیاست اقتصادی» کمک نماید.

(عمده‌ترین اهداف سیاست پولی در اقتصاد را می‌توان: ۱) تسریع رشد اقتصادی، ۲) ایجاد اشتغال کامل، ۳) تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها و ۴) ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌های خارجی، به شمار آورد.) با توجه به مغایرتی که میان برخی از اهداف فوق وجود دارد (مثلاً تسریع رشد اقتصاد، دارای آثار منفی برای روند تورم و موازنه پرداخت‌هاست)، بدیهی است که سیاست پولی به تنهایی توانایی تحقق بخشیدن به همه آن هدف‌ها را ندارد. لذا، لازم است که سایر سیاست‌های اقتصادی نیز در انجام این مقصود بکار گرفته شوند. مثلاً اتخاذ هر گونه سیاست پولی انقباضی برای ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌های خارجی ممکن است از طریق افزایش نرخ‌های بهره و کاهش سرمایه‌گذاری به طور همزمان سیاست ایجاد اشتغال کامل دولت را به خطر افکند و عکس قضیه هم مصداق دارد. تجربه نشان داده‌است که در چنین شرایطی ترکیبی از سیاست پولی انقباضی و سیاست مالی انبساطی می‌تواند نیل به اهداف دوگانه فوق را امکان‌پذیر سازد. مطلب اخیر را در واقع می‌توان کاربردی خاص از این اصل کلی دانست که برای تحقق بخشیدن به تعداد مشخصی از اهداف اقتصادی، لازم است که ترکیبی از سیاست‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

افزایش سهم مصرف و رفاه عمومی جامعه شود. بدیهی است که در حالت اخیر آهنگ رشد اقتصادی کندتر خواهد بود.

ج - تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها

ایجاد ثبات اقتصادی یا مبارزه با افزایش بی‌رویه قیمت‌ها مهمترین هدف سیاست‌های پولی هر کشور محسوب می‌شوند.

در شرایطی که افزایش بی‌رویه تقاضای کل در اقتصاد موجب تشدید فشارهای تورمی و روند فزاینده سطح عمومی قیمت‌ها گردد؛ استفاده از سیاست انقباضی پولی، موجب تقلیل شکاف تورمی میان عرضه و تقاضای کل و در نهایت تخفیف فشارهای تورمی در اقتصاد می‌شود. از سوی دیگر، در صورتی که روند فزاینده قیمت‌ها ناشی از هزینه‌های تولید و شرایط عرضه باشد، استفاده از سیاست انقباضی پولی ممکن است موجب تشدید رکود اقتصادی شود و تأثیر نهایی آن در روند تورم بسیار ناچیز باشد. در این صورت، لازم است که از طریق افزایش رقابت در فعالیت‌های اقتصادی و حذف تنگناهای تولیدی برای مهار کردن تورم اقدام نمود.

د - ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌های خارجی

از آنجایی که موازنه پرداخت‌های خارجی معمولاً به صورت حاصل جمع تراز حساب جاری و حساب سرمایه (خالص نقل و انتقالات ارزی و سرمایه‌ای) بیان می‌گردد، روشن است که تأثیر سیاست پولی در وضعیت ارزی هر اقتصادی را می‌توان در چهارچوب این حساب مورد بررسی قرار داد. به طور کلی، هر گونه سیاست پولی انبساطی موجب می‌گردد که: (۱) تقاضای کل و در نتیجه تقاضا برای واردات افزایش یابد و لذا حساب جاری با یا کسری روبرو گردد و با از مازاد آن کاسته شود، (۲) خروج سرمایه برای استفاده از نرخ‌های بهره بالاتر در خارج افزایش یابد و لذا حساب سرمایه با یا کسری مواجه شود و یا از مازاد آن کاسته گردد. در این صورت، روشن است که در شرایط تحت فشار قرار گرفتن ذخایر ارزی، سیاست پولی باید برای ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌های خارجی، در جهت انقباضی، اعمال شود.

ه - توزیع عادلانه‌تر درآمدها

امروزه بیشتر کشورهای دنیا مسئله توزیع عادلانه درآمدها - که از مهمترین موانع افزایش فاصله طبقاتی می‌باشد - را به عنوان یکی از اهداف اصلی اقتصادی خود در نظر می‌گیرند. لذا از این رو، در بیشتر کشورهای جهان سعی می‌گردد که از طریق اجرای

سیاست‌های مناسب پولی در جهت توزیع عادلانه‌تر درآمد، کمک‌های قابل توجهی به گروه‌های کم‌درآمد جامعه و محرومین انجام گیرد.

در اینجا، به طور کلی مهمترین اهداف اقتصادی اجرای سیاست‌های اقتصادی - بالخصوص سیاست‌های پولی - مرور گردید. مع‌هذا در این راستا، می‌توان از اهداف دیگری نام برد؛ که عمدتاً در غالب اهداف اصلی ذکر شده نیز قرار می‌گیرند. برای مثال، از دسترسی به تکنولوژی‌های پیشرفته‌تر، استقلال اقتصادی و عدم وابستگی اقتصادی می‌توان از مجموعه اهداف اجرای سیاست‌های اقتصادی (پولی) نام برد که می‌توان در قالب تحقق رشد و توسعه اقتصادی و یا ایجاد موازنه در تراز پرداخت‌ها، به این اهداف نیز نائل گردید.

مسئله مهم و قابل توجهی که در اینجا باید به آن اشاره نمود؛ مسئله اولویت اهداف نامبرده شده در رابطه با اجرای سیاست‌های پولی می‌باشد. چرا که دستیابی به کلیه اهداف فوق‌الذکر، به طور یکجا، بسیار مشکل است و فقط در بعضی از موارد استثنایی امکان دسترسی به کلیه اهداف در یک زمان امکان‌پذیر است. بنابراین، اکثر کشورهای ناگزیرند با تعیین اولویت‌ها در بین اهداف سعی نمایند که به یک یا چند هدف دسترسی یابند. برای مثال، اگر هدف مبارزه با تورم باشد، یعنی اولویت به مسئله ثبات قیمت‌ها داده شود، این امر به این مفهوم است که ممکن است؛ در دستیابی به این هدف، سایر هدف‌ها را برای مدتی مد نظر قرار نداده باشیم. چرا که استفاده از سیاست‌های انقباضی به منظور مبارزه با تورم ممکن است منجر به افزایش بیکاری گردد. بنابراین، بین دو هدف، اولویت به ثبات قیمت‌ها داده شده است. به عبارت ساده‌تر، باید در اینجا گفت که به خاطر تضاد موجود میان اهداف دسترسی به یک هدف مانع از تحقق و دستیابی به سایر اهداف گردیده است. مثال دیگری که در اینجا می‌توان به آن اشاره نمود، تضاد موجود میان دسترسی به رشد اقتصادی از یک طرف و ایجاد موازنه تراز پرداخت‌ها از طرف دیگر می‌باشد. در کشورهای در حال توسعه در بیشتر اوقات رسیدن به رشد اقتصادی مترادف با افزایش قابل توجه واردات و در نتیجه ایجاد کسری تراز پرداخت‌ها می‌باشد. مع‌هذا باید عنوان نمود که همیشه این تضاد موجود میان اهداف موردنظر و سیاست‌های پولی موجود نمی‌باشد. برای مثال، کاهش تورم (ثبات قیمت‌ها) و توزیع عادلانه درآمدها می‌تواند به عنوان دو هدف هماهنگ و قابل دسترس ناشی از اجرای یک سیاست پولی انقباضی باشند، چرا که در شرایط تورمی، درآمد واقعی طبقات حقوق‌بگیر که عمدتاً گروه‌های کم درآمد جامعه را تشکیل می‌دهند، کاهش می‌یابد و از قدرت خرید پایین‌تری برخوردار می‌گردند. لذا کاهش تورم و ثبات قیمت‌ها، به عنوان عاملی برای کنترل این شکاف طبقاتی، می‌تواند منجر به توزیع عادلانه‌تر درآمدها در جامعه گردد.

ریال به صورت ذخیره نزد بانک مرکزی باقی مانده و سیستم بانکی با اعطای باقی مانده آن در جامعه، حجم پول را به ۳۰۰ میلیارد ریال افزایش خواهد داد ($\frac{300}{100} = 300$). افزایش نسبت ذخیره قانونی به ۰/۱۵، عرضه پول را در سیستم بانکی به ۲۰۰ میلیارد ریال کاهش خواهد داد ($\frac{300}{200} = 1.5$). بنابراین، نسبت ذخیره قانونی، میزانی را که به تغییرات «ذخیره مؤثر» نامیده می‌شود را افزایش داد که خود عرضه پولی را که با همان میزان معین ذخیره ایجاد می‌شود، تغییر می‌دهد. این فرآیند خود از طریق ساز و کار توسعه پولی عمل می‌نماید (به بحث عرضه پول توجه شود).

ب - نرخ تنزیل مجدد

بانک‌ها می‌توانند ذخایر اضافی را از طریق استقراض از بانک مرکزی، با نرخ تنزیل معین ۲۰٪، کسب کنند. این نرخ تنزیل معمولاً پایین‌تر از نرخ‌های کوتاه مدت بازار (مثل نرخ‌های بهره خزانه سه ماهه) می‌باشد. اگر بانکی از (باجه تنزیل) بانک مرکزی (به نرخ تنزیل) قرض می‌گیرد، سپرده‌ای به همین میزان ذخایر قرض گرفته شده در بانک مرکزی و به نام بانک قرض‌گیرنده ایجاد می‌شود که این اساساً همان روشی است که بانک در دادن وام به اشخاص نیز از آن استفاده کرده و حساب جاری مشخص را به میزان وام بستانکار می‌کند. برای مثال، اگر یک بانک تجاری مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال با نرخ تنزیل ۳ درصد از بانک مرکزی وام بگیرد، بانک مرکزی همان موقع ۳۰۰ ریال از اصل وام کسر می‌کند و مبلغ ۹۷۰۰ ریال به بانک تجاری می‌دهد. این بانک موظف است بعد از انقضای مدت وام، ۱۰۰۰۰ ریال اعاده دهد. معمولاً بانک‌های تجاری اوراق بهاداری را که بار توسط آن‌ها تنزیل شده است، برای تنزیل مجدد به بانک مرکزی ارائه می‌نمایند.

در زمان تورم، هیئت مدیره بانک مرکزی تصمیم می‌گیرد که نرخ تنزیل را افزایش دهد. با افزایش نرخ تنزیل بانک‌های تجاری، حجم اعتبارات خود را از بانک مرکزی کاهش می‌دهند و در این شرایط از قدرت بانک‌های تجاری برای دادن اعتبار به مردم کاسته می‌شود و در نتیجه با کاهش حجم پول و اعتبارات نرخ بهره افزایش می‌یابد.

ج - عملیات بازار آزاد (باز)

در نظام سرمایه‌داری، سیستم بانکی از طریق عملیات در بازار آزاد می‌تواند قدرت خرید مردم را در بخش خصوصی تنظیم کند. اگر اقتصاد تحت شرایط تورمی باشد، برای جلوگیری

۸-۴ - ابزارهای سیاست پولی

معمولاً در تمامی کشورهای جهان مسئولیت اجرای سیاست‌های پولی، بر عهده بانک‌های مرکزی می‌باشد. بنابراین، بانک‌های مرکزی برای دستیابی به اهداف اقتصادی، نیاز به داشتن ابزارها و مکانیسم‌های لازم می‌باشند که این مجموعه تحت عنوان ابزارهای سیاست پولی تعریف می‌گردند. بانک‌های مرکزی با استفاده از مجموعه ابزارهای موجود که در قالب دو گروه ابزارهای کمی و کیفی از آن یاد می‌شود، با استفاده از ایجاد تغییرات در پایه پولی و یا تغییر در ضریب فزاینده پولی، حجم پول و به تبع آن متغیرهای اقتصادی را برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۸-۴-۱ - ابزارهای کمی سیاست پولی

ابزارهای کمی، به ابزارهایی گفته می‌شود که می‌توانند حجم پول را در اقتصاد تغییر دهند. این ابزارها عمدتاً جنبه عمومی داشته و در اکثر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرند. از مهمترین این ابزارها، می‌توان به ابزارهای ذیل اشاره نمود.

الف - نسبت سپرده‌های قانونی

استفاده از نسبت سپرده‌های قانونی در گذشته، بیشتر به منظور تأمین امنیت بخشی از سپرده‌های مردم صورت می‌گرفت. در بانکداری جدید، نسبت سپرده‌های قانونی یکی از ابزارهای مهم برای اجرای سیاست پولی به شمار می‌آید و تغییرات آن موجب می‌شود که ضریب فزاینده پولی تحت تأثیر قرار بگیرد و در نتیجه عرضه پول تغییر کند. ذخایر قانونی، یعنی اینکه بانک‌های تجاری و سایر مؤسسات سپرده‌پذیر، مثل: مؤسسات پس‌انداز و وام، مجبور به نگهداری بخشی بر (۳) مثلاً ۱۰ درصد از کل تعهدات سپرده‌های جاری که مانده کل حساب‌های جاری مشتریان آنها می‌باشد، هستند. این ذخایر در شکل سپرده‌هایی در حساب بانک مرکزی نگهداری می‌شود.

بنابراین، اگر نسبت ذخیره قانونی (۳) معادل ده درصد باشد و بانک‌های تجاری در کل ۳۰ میلیارد ریال سپرده نزد بانک مرکزی، داشته باشند. سپرده بانک‌ها نمی‌تواند بیش از ۳۰۰ میلیارد ریال باشد.

بانک مرکزی برای تأثیرگذاری بر عرضه پول، می‌تواند از طریق تغییر در نسبت ذخایر قانونی عمل نماید. در این حالت، از کل سپرده‌های بانک‌های تجاری بده مبلغ ۳۰ میلیارد

مقایسه با سایر ابزارهای سیاست پولی از مزیت‌های زیادی برخوردار است. مثلاً اثر استفاده از تغییرات نسبت سپرده‌های قانونی، بلافاصله در مورد تمام بانک‌های کشور ظاهر می‌شود. زیرا همین که نسبت سپرده‌های قانونی افزایش یابد، تمام بانک‌های کشور به انجام آن مجبور می‌شوند و در نتیجه عرضه پول و اعتبارات اعطایی بانک‌ها کاهش می‌یابد، حال آنکه اگر کاهش عرضه پول و اعتبارات اعطایی بانک‌ها از طریق افزایش نرخ تنزیل مجدد صورت پذیرد، اثر نهایی آن به تمایل و خواست بانک‌ها به استفاده کمتر از منابع گران قیمت بانک مرکزی بستگی خواهد داشت. اما علی‌رغم این مزایا، نسبت به سایر ابزارها استفاده از نسبت ذخیره قانونی دارای معایب نیز می‌باشد. چرا که استفاده از این ابزار برای ایجاد تغییرات کوتاه‌مدت پول موجب پیچیده نمودن سیستم مدیریت مالی بانک‌ها خواهد گردید.

علاوه بر این، به دلیل نیاز به تدوین قانونی برای تغییر نرخ سپرده‌های قانونی در کوتاه‌مدت، استفاده از این ابزار غیرممکن است. همچنین افزایش نسبت سپرده‌های قانونی ممکن است، مشکلات و فشارهایی را برای بانک‌ها به وجود آورد که با کمبود منابع مواجه می‌باشد. بنابراین، تغییرات مداوم در نسبت سپرده‌ها، قانونی، ممکن است موجب پدید آوردن نگرانی در نظام بانکی گردد. در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد که استفاده از سایر ابزارهای سیاست پولی - خصوصاً عملیات بازار باز، به دلیل ماهیت داوطلبانه بودن آنها - نتایج بهتری را به بار می‌آورد.

لیکن چنان که قبلاً اشاره کردیم، به علت فقدان بازار مناسب مالی برای اوراق قرضه دولتی، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، استفاده مؤثر از عملیات بازار باز نمی‌شود. با این حال، در سالیان اخیر برخی از کشورهای در حال توسعه با استفاده از ذخایر ارز و طلای خود اقداماتی در جهت انجام عملیات بازار باز کرده‌اند.

۲-۴-۸ - ابزارهای کیفی

ابزارهای پولی کیفی، مجموعه‌ای از ابزارهای در اختیار بانک مرکزی را تشکیل می‌دهند که مقامات پولی با استفاده از آنها بر نحوه و چگونگی مصرف پول در اقتصاد تأثیر می‌گذارند. یعنی اینکه مقامات پولی با استفاده از این ابزارها به تخصیص اعتبارات بانکی در میان بخش‌های اقتصادی و تعیین سهم مصرف هر یک از بخش‌های اقتصادی از کل اعتبارات می‌پردازند. امتیاز این گروه از ابزارهای پولی بر ابزارهای کمی، در این است که ابزارهای کمی به طور کلی قادر به ایجاد تفاوت میان بخش‌های اقتصادی در رابطه با اعطای اعتبارات

ارزان و ایجاد تعادل اشتغال کامل بدون تورم، سیاست پولی انقباضی لازم است تا با محدود کردن اعتبارات، سطح مخارج کل کاهش یابد و از افزایش قیمت‌ها جلوگیری می‌شود. این هدف از طریق عملیات در بازار آزاد، زمانی حاصل می‌شود که بانک‌های مرکزی در بازار آزاد اوراق قرضه‌ای را که در دسترس دارند با قیمت کمتری به مردم بفروشد. بدین ترتیب، قدرت خرید مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران کاهش می‌یابد و سطح تقاضای کل کاهش می‌یابد و بالعکس اگر اقتصاد در رکود باشد و برای از بین بردن آن سیاست پولی انبساطی اعمال شود که هدف آن افزایش حجم پول در دست مردم می‌باشد. این هدف، از طریق عملیات بازار آزاد، زمانی به دست می‌آید که بانک‌های مرکزی در این بازار، اوراق قرضه‌ای را که مردم در دست دارند، با نرخ بهره بیشتری بخرند. در نتیجه این عمل، قدرت خرید مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران افزایش یافته و در نتیجه افزایش تقاضای کل حجم اشتغال و تولید افزایش می‌یابد.

۵ - تغییر در نسبت‌های مالی بانک‌ها (نسبت‌های نقدینگی و سرمایه)

یکی دیگر از ابزارهایی که بانک مرکزی برای محدود نگه داشتن و کنترل وام‌ها و اعتبارات اعطایی، از طرف بانک‌های تجاری استفاده قرار می‌دهد؛ نسبت‌های نقدینگی (نسبت دارایی‌های آتی به بدهی‌های آتی، بانک‌ها) می‌باشد. بانک مرکزی با کاهش نسبت بانک‌گور، از قدرت اعتباردهی بانک‌های تجاری کاسته و در شرایط رکودی با افزایش این نسبت، قدرت سیستم بانکی را جهت اعطای وام و ایجاد پول اعتباری افزایش می‌دهد.

نسبت سرمایه به بدهی از دیگر نسبت‌های مالی می‌باشد که بانک مرکزی از طریق کاهش یا افزایش آن می‌تواند قدرت خلق پول شبکه بانکی را محدود یا گسترش دهد.

۶ - مقایسه ابزارهای اعمال سیاست پولی با یکدیگر

علی‌رغم اینکه ابزارهای نامبرده همگی به عنوان ابزارهای سیاست پولی و در دو جهت انقباضی و انبساطی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما از نظر کارایی در مقایسه با یکدیگر از لحاظ قوت و ضعفی برخوردار می‌باشند. استفاده از تغییرات نسبت سپرده‌های قانونی در

۱- دارایی‌های آتی؛ شامل: موجودی صندوق، چک‌های در حال وصول و یا اسناد در حال وصول و سپرده‌های قانونی نزد بانک مرکزی و بدهی‌های آتی؛ شامل: موجودی حساب سپرده‌های دیداری و چک‌های در حال پرداخت و اسناد با سررسید کمتر از یک ماه می‌باشد.

صورتی که شرایط بحران اقتصادی ادامه یابد - در آینده را می‌دهد.

ج - تعیین شرایط وام‌های اقساطی و رهنی

در کشورهای صنعتی، بیشتر خرید کالاها یا وام‌ها، از جمله: اتومبیل، مبل، یخچال، تلویزیون و خانه، ارتباط زیادی به میزان تأمین مالی خرید این کالاها توسط بانک‌ها دارد. بدون کمک بانک‌ها و مؤسسات مالی، دیگر تقاضا برای این کالاها مسلماً کمتر خواهد بود. بنابراین، بانک مرکزی از طریق تعیین شرایط پرداخت وام‌های اقساطی می‌تواند به مقدار زیادی در تقاضا برای خرید این نوع کالاها مؤثر باشد، و در نتیجه، رونق یا کساد اقتصادی تحت تأثیر شرایط وام‌های اقساطی و رهنی قرار می‌گیرد و با تعیین مبلغ پرداخت نقدی و هم چنین مدت بازپرداخت وام تقاضا برای کالاها یا وام‌ها می‌تواند افزایش یا کاهش یابد. یعنی چنانچه مبلغ پرداخت نقدی از ده درصد قیمت کالا به بیست درصد افزایش یابد و یا مدت بازپرداخت از دو سال به یک سال تقلیل یابد، این مسئله منجر به کاهش تقاضا برای بسیاری از کالاها یا بادوام خواهد شد. به این ترتیب، خانواده‌های کمتری دارای پس‌انداز کافی هستند تا بتوانند اقدام به پرداخت مبلغ اولیه نمایند و یا اینکه با کوتاه شدن مدت بازپرداخت وام، مبلغ بیشتری هر ماهه باید جهت بازپرداخت وام مورد استفاده قرار گیرد (دهند). معمولاً بخش مسکن، به شدت تحت تأثیر تغییرات شرایط وام‌های اقساطی و نرخ بهره قرار می‌گیرد و از آنجایی که بخش مسکن دارای تأثیر زیادی در اقتصادی می‌باشد؛ میزان تأثیر سیاست‌های وام اقساطی بسیار گسترده و وسیع است و این امر بخصوص در کشورهای اروپایی و آمریکایی که خرید اکثر کالاها و اثاثه منزل به وام‌های اقساطی میان مدت و بلندمدت متکی هستند، تأثیر فراوانی دارد.

د - وجود نرخ‌های ترجیحی (تبعیضی)

وجود نرخ‌های ترجیحی در مورد پرداخت وام، شرایط مربوط به ضمانت‌نامه‌ها، و شرایط دیگری که در رابطه با اعطای وام یا نحوه وام بخش‌های اقتصادی وجود دارد؛ باعث می‌گردد که حجم وام‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی تحت تأثیر قرار گیرد و به این ترتیب، بانک مرکزی بخش‌های مختلف اقتصادی را درجه‌بندی نموده و اقدام به پرداخت وام از طرف بانک‌ها را تسهیل یا محدود نماید.

ه - جیره‌بندی وام‌ها و تعیین سقف اعتباری

علاوه بر تعیین اولویت‌ها و ارجحیت‌هایی که در مورد بخش‌های اقتصادی وجود دارد،

معنی‌باشند. در حالی که، در شرایط خاص اقتصادی که نیاز به اجرای سیاست‌های متفاوت پولی به منظور اعطا و یا کنترل اعتبارات در بخش‌های مختلف اقتصادی است، ابزارهای پولی کمی می‌توانند دارای بیشترین آثار اقتصادی باشند. این ابزارها عبارتند از:

الف - تعیین اولویت‌ها، ارجحیت‌ها و سقف اعتباری در هر یک از بخش‌های اقتصادی

بانک مرکزی با توجه به بررسی‌هایی که در مورد بخش‌های اقتصادی به عمل می‌آورد، شرایط اقتصادی هر بخش را می‌تواند تعیین نماید. از این رو، با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی، اولویت‌ها و ارجحیت‌هایی در مورد نحوه وام‌های پرداختی، تعیین و به بانک‌ها ابلاغ می‌نماید. به این ترتیب، برای مثال: چنانچه در بخش مسکن شرایط تورمی وجود دارد؛ در حالی که، در سایر بخش‌های اقتصادی نیاز به اعتبارات، بیشتر احساس می‌گردد، از طریق تعیین اولویت برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های دیگر اقتصادی و ایجاد محدودیت در بخش مسکن، بانک مرکزی می‌تواند در آن واحد دو سیاست پولی مختلف در بخش‌های اقتصادی اجرا نماید. از طرف دیگر، بانک مرکزی با تعیین سقف اعتباری یا میزان حداکثر مبلغ وام‌های پرداختی و یا تعیین نرخ رشد وام‌ها در بخش‌های مختلف، بانک‌ها را در زمینه پرداخت وام - به طور مشخص - محدود نماید. به این ترتیب، سیاست‌های کیفی می‌تواند به طور مستقیم در نقاط بحرانی تأثیر گذاشته و به طور مؤثر عمل نماید. در حالی که، در ابزارهای کمی با کاهش حجم اعتبارات، این امکان وجود دارد که بانک‌ها با توجه به سودآوری بخش اقتصادی خاصی از حجم اعتبارات در سایر بخش‌ها بکاهند و آن را به بخش مورد علاقه خود تخصیص دهند. در چنین حالتی، این امر منجر به تشدید بحران در هر دو بخش می‌گردد.

ب - تذکارت‌های اخلاقی

بانک مرکزی با استفاده از بخشنامه‌ها و اطلاعیه‌ها، شرایط و اوضاع اقتصادی کشور را از دیدگاه پولی و بانکی به اطلاع بانک‌ها می‌رساند، بانک مرکزی در این اطلاعیه‌ها وضعیت بخش‌های مختلف اقتصادی را تحلیل نموده و به بانک‌ها هشدار می‌دهد که رعایت احتیاط‌های لازم را در مورد پرداخت اعتبارات بنمایند. این بخشنامه‌ها و اطلاعیه‌ها که جنبه الزام‌آور برای بانک‌ها ندارد، به عنوان تذکارت‌های اخلاقی نامیده می‌شوند. یعنی بانک‌ها خود را موظف به تبعیت از سیاست‌های بانک مرکزی در این مرحله نمی‌دانند. اما در عین حال، تذکارت‌های اخلاقی نشان‌دهنده قصد بانک مرکزی در مورد اعمال سیاست‌های پولی - در

صفر گردد، تغییرات حجم پولی اثری بر روی اقتصاد نداشته باشد. علت این امر را می‌توان در سه نکته خلاصه کرد، یعنی: شرایط اقتصادی در زمانی می‌تواند در رابطه با رکود اقتصادی، اثرات سیاست پولی را به صورت مثبت در بیاورد که سه شرط وجود داشته باشد:

- **تمایل بانک‌ها به پرداخت وام و اعتبار:** با توجه به شرایط رکود اقتصادی، به علت حالت بدبینی که بین بانکداران در مورد شرایط اقتصادی وجود دارد، آنان تمایلی به پرداخت وام و اعتبار ندارد. زیرا انتظار دارند که شرایط اقتصادی وضع را از حالت موجود نیز بدتر نماید و احتمال بازپرداخت اصل وام از طرف مشتریان وجود نداشته باشد.

- **وجود ذخایر قانونی کافی:** حتی در صورت تمایل بانکداران به پرداخت وام و اعتبار، شرط لازم برای اعطای اعتبارات، وجود ذخایر قانونی نزد بانک مرکزی می‌باشد. در صورت نداشتن ذخایر قانونی - حتی در صورت تمایل - بانکداران قادر به پرداخت وام نمی‌باشند.

- **علاوه بر دو شرط بالا که شرایط لازم برای پرداخت وام و اعتبار و انبساط پولی می‌باشد؛ شرط سوم نیز لازم است و آن تمایل مردم به دریافت وام و اعتبار است. این امکان وجود دارد که به علت بدبینی، با وجود تمایل بانک‌ها به پرداخت وام و حتی پایین بودن نرخ بهره، سرمایه‌گذاران که نسبت به آینده خوش‌بین نیستند، تمایلی به گرفتن وام نشان ندهند و از این رو، در کودهای شدید یا بسیار سخت، با وجود پایین بودن نرخ بهره و وجود نقدینگی در بانک‌ها برای پرداخت وام، سیاست پولی به علت عدم تمایل مردم به گرفتن وام مؤثر نبوده است.**

اما دلایل دیگری نیز برای کم اثر بودن سیاست پولی ذکر می‌گردد: این دلایل یکی مربوط می‌شود به تأخیر زمانی، و دیگری در رابطه با سایر سیاست‌های اقتصادی است. **تأخیر زمانی؛** عده‌ای از اقتصاددانان معتقدند که سیاست پولی در مقابله با بحران‌های اقتصادی مؤثر است. اما سیاست پولی همراه با یک وقفه زمانی می‌باشد که این امر اثرات سیاست پولی را به تعویق می‌اندازد. وقفه زمانی در رابطه با سیاست پولی ناشی از سه مسئله می‌باشد:

الف) **تأخیر زمانی ناشی از زمان لازم برای جمع‌آوری اطلاعات و آمار:** از زمانی که یک بحران اقتصادی به وقوع می‌پیوندد تا زمانی که مسئولین به این نتیجه برسند که شرایط یک

بانک مرکزی از طریق تعیین حد در مورد وام‌های پرداختی در بخش‌های مختلف اقتصادی و با سقف اعتبارات، وام‌ها را جبربندی می‌نماید.

سیاست جبربندی و تبعیض در مورد پرداخت وام‌های تجارتمی و صنعتی و تولیدی، دارای اثرات بسیار زیادی در مورد وام‌های پرداختی می‌باشد. به طور کلی، می‌توان گفت که: ابرارهای کیفی از نقطه‌نظر تأثیر و اهمیت سیاست‌های پولی بیشتر مورد توجه بانک مرکزی است. اما در عین حال، بانک‌ها چندان علاقه‌ای به سیاست‌های کیفی ندارند. زیرا سیاست‌های کیفی دارای محدودیت بیشتری برای آنها می‌باشد. در حالی که، سیاست‌های کمی گرچه در مجموع می‌تواند اثرات محدودکننده‌ای داشته باشد، اما قدرت مابور بانک‌ها را در زمینه پرداخت وام کم نمی‌نماید.

۵-۸- انواع سیاست پولی

به طور کلی، بانک‌های مرکزی و مقامات پولی با استفاده از ابزارهای پولی و برای دسترسی به اهداف اصلی اقتصادی، از دو گروه: سیاست‌های پولی انقباضی و انبساطی استفاده می‌کنند. در سیاست‌های انقباضی، مقامات پولی (بانک مرکزی) با کاهش حجم پول از طریق محدود نمودن پایه پولی و یا کاهش ضریب فراینده پولی، سعی در کاهش میزان، ناشای کل اقتصاد دارند. در سیاست‌های انبساطی، هدف بانک مرکزی افزایش حجم پول و کاهش نرخ بهره و در نهایت افزایش حجم تقاضای کل در اقتصاد می‌باشد.

۶-۸- عوامل مؤثر در موفقیت اجرای سیاست پولی

در مورد اثرات سیاست پولی، بین اقتصاددانان تفاوت عقیده زیادی وجود دارد. بخشی از اقتصاددانان معتقد هستند که سیاست پولی دارای چندانی بر روی اقتصاد نیست و بخش دیگر معتقدند که سیاست پولی دارای اثرات مثبتی بر روی اقتصاد می‌باشد و در عین حال عده‌ای از اقتصاددانان تفاوتی بین تأثیر سیاست پولی در رابطه با تورم و رکود قائل گردیده‌اند، این اقتصاددانان معتقدند که سیاست پولی بر روی تورم تأثیر می‌گذارد و دلیل آن این است که بانک‌ها مجبوراند در حالت تورمی از سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی تبعیت نمایند، اما در رابطه با رکود اقتصادی این مسئله وجود ندارد، با توجه به فرمول مقداری پول $(MV = P \cdot T)$ این امکان وجود دارد که اگر سرعت گردش پول برابر با صفر یا نزدیک به

نمی‌باشد و در عین حال، این امر ممکن است وجود داشته باشد که اثرات سیاست پولی بر اثر اتخاذ سایر سیاست‌های اقتصادی خنثی گردد. به عبارت دیگر؛ بدون وجود هماهنگی بین سیاست‌های پولی، مالی و اعمال حاکمیت دولت، اثر سیاست پولی ممکن است قابل ملاحظه نباشد. بنابراین، بیشتر اقتصاددانان همزمان با اتخاذ سیاست‌های پولی، تدابیر دیگری در زمینه سیاست‌های مالی و مقررات اقتصادی را نیز برای موفقیت سیاست پولی لازم می‌دانند. برای مثال: در شرایط اجرای یک سیاست انقباضی پولی که هدف آن کاهش نرخ تورم می‌باشد، سیاست کسر بودجه دولت، می‌تواند اثر سیاست انقباضی پولی را خنثی نماید و به این ترتیب، زمانی سیاست انقباضی پولی می‌تواند مؤثر واقع شود که سیاست مالی نیز هماهنگی با آن داشته باشد.

به طور کلی، از بحث بالا نتیجه‌گیری می‌شود که عملکرد سیاست پولی به بسیاری از عوامل بستگی دارد و با در نظر گرفتن سایر عوامل و بخصوص تأخیر زمانی و هماهنگی سیاست پولی با سایر سیاست‌های اقتصادی، می‌توان سیاست پولی را در زمینه مقابله با بحران‌های اقتصادی - به طور نسبی - موفقیت‌آمیز دانست و تحولات اقتصادی چند سال اخیر از نظر عملی نیز ثابت کرده است، که سیاست‌های پولی دارای اثرات مثبتی در مقابل بحران‌های اقتصادی بوده است.

۸-۷- عملکرد سیاست پولی

همان طور که گفته شد، سیاست‌های پولی مجموعه‌ای از تصمیمات و اقداماتی است که به وسیله مقامات پولی (یعنی بانک مرکزی) و به منظور تحت تأثیر قرار دادن مجموعه فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته می‌شود. این سیاست‌ها معمولاً در جهت تنظیم و کنترل تقاضای کل تولید مطرح می‌شوند. مقامات پولی می‌توانند سطح کل فعالیت‌های اقتصادی را به وسیله تغییر در عرضه پول و یا تغییر در انتظارات عامه، درباره نرخ بهره آینده و یا هر دو تحت تأثیر قرار دهند.

اثر مستقیم هر گونه سیاستی که به وسیله مقامات پولی در پیش گرفته شود، انتقال منحنی LM خواهد بود. برای مثال، سیاست پولی انبساطی سیاستی است که منحنی LM را به طرف راست انتقال می‌دهد. هر سیاست پولی که عرضه پول را افزایش دهد و یا امکان خرید اوراق قرضه را در بازار آزاد توسط بانک مرکزی به وجود آورد؛ سیاست پولی آسان‌نامیده می‌شود. اثر این نوع سیاست، به طور کلی کاهش در نرخ بهره خواهد بود. که

بحران اقتصادی وجود دارد. یک فاصله زمانی وجود دارد. معمولاً از طریق شاخص‌های آماری، مثل: شاخص قیمت‌ها، شاخص سفارشات کالاها، شاخص درآمد ملی، شاخص روزگاری، شاخص تراز پرداخت‌ها و شاخص‌های دیگر، می‌توان به بحران اقتصادی پی برد. اما جمع‌آوری این اطلاعات و آمار معمولاً با یک وقفه زمانی همراه است که چندین ماه به طول می‌انجامد. ثانیاً، با یکی دو ماه اطلاعات نمی‌توان به درستی و به دقت وقوع یک بحران را پیش‌بینی نمود. زیرا احتمالات نوسانات فصلی و کوتاه مدت و وقوع حوادث غیرمترقبه در بعضی از بخش‌های اقتصادی وجود دارد که باید بین این نوسانات کوتاه‌مدت و وقوع یک بحران واقعی تفاوت گذاشت و این حداقل بین ۴ تا ۶ ماه اطلاعات و آمار لازم است تا بتوان آن را از یک بحران اقتصادی متمایز نمود.

ب) تأخیر زمانی ناشی از تصمیم‌گیری مقامات مسئول: زمانی که یک بحران اقتصادی تسکین گردد، تعیین نسخه مناسب برای درمان بحران که بتوان هم جهت و هم شدت بحران را جویاگو باشد، نیاز به یک بررسی دقیق و یک تجزیه و تحلیل حساس دارد. زیرا این امکان وجود دارد که هر بحرانی برای خود از خصوصیات خاصی برخوردار باشد و همچنین مسئله شدت آن و سیاست متناسب برای مقابله با آن، نسبت به بحران‌های دیگر، تفاوت‌هایی داشته باشد. و دیگر سیاست متناسب با شدت و جهت بحران اتخاذ نگردد. این امکان وجود دارد که بحران شدت یابد و یا اینکه سیاست پولی اثری بر روی بحران نداشته باشد.

از این رو، یک فاصله زمانی بین ۲ تا ۴ ماه برای ارزیابی بحران و تعیین سیاست متناسب با بحران وقت لازم است.

ج) تأخیر زمانی ناشی از طول مدت تأثیر سیاست پولی: این بدین معنا است که بعد از اتخاذ سیاست پولی از طرف مسئولین، یک دوره زمانی لازم است تا اینکه اثرات سیاست پولی بر روی اقتصاد ظاهر شود. معمولاً بانک‌ها سعی در خنثی نمودن اثرات سیاست پولی می‌نمایند، یعنی با استفاده از ذخایر قانونی اضافی و تغییر در ترکیب دارایی‌های خود، سعی می‌نمایند که اثرات سیاست پولی را به نحوی به تأخیر اندازند. از این رو یک تأخیر زمانی بین ۸ تا ۱۲ ماهه در رابطه با تأثیر سیاست‌های پولی وجود دارد. به این ترتیب، در مجموع بین ۱۸ تا ۲۴ ماه وقفه زمانی وجود دارد تا اینکه اثرات سیاست پولی در اقتصاد ظاهر نشود و کسانی که به این امر توجه ننمایند، ممکن است سیاست‌های پولی را بدون تأثیر بدانند. در حالی که با در نظر گرفتن وقفه زمانی، سیاست پولی می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

اما نکته دیگر، در رابطه با سایر سیاست‌های اقتصادی و اثرات متقابل آنها بر روی سیاست پولی می‌باشد. گاهی اوقات سیاست پولی به تنهایی دارای اثرات کافی بر روی اقتصاد

۵-۱- مقدمه

بانکداری در جهان تقریباً از زمانی شروع شد که داد و ستد و مبادله کالا بین مردم آغاز گردید. در حقیقت بانکداری و تجارت قبل از اینکه حتی پول به مفهوم امروزی مورد استفاده قرار گیرد، عملاً وجود داشته است. بدین معنی از زمانی که بشر به تولید کالا به منظور تجارت مبادرت ورزید، احتیاج به یک وسیله پرداخت و مقیاس ارزش پیدا نمود و با پیشرفت تجارت، احتیاج به خدمات اختصاصی مؤسسات مالی پیدا شد. وصول مطالبات خریداران دور و نزدیک و خطرات ناشی از نقل و انتقال فلزات قیمتی، نخستین علل ایجاد بانک و بانکداری در جهان به شمار می آیند. لذا انجام وظایف و عملیات نظیر نگهداری و حفاظت از اشیاء قیمتی، مسکوکات فلزی، اسناد و بالاخره ایجاد اعتبار و قرض دادن میان افراد، بعدها به وسیله سازمان مخصوصی، به نام بانک، توسعه و اشاعه پیدا نمود.

واژه «بانک» از زمانی که کشور ایتالیایی کنونی (رم) در شهرهای فلورانس، ونیز و لمباردی مراکز مهم بانکداری را ایجاد کرد، رواج یافت. زیرا بانکداران لمباردی و ونیزی روزهای ویژه‌ای در میدان‌های عمومی روی نیمکت‌های کوچکی می‌نشستند و خدمات بانکی به مردم عرضه می‌کردند و چون در زبان ایتالیایی نیمکت «بانکو» نامیده می‌شود و مردم همیشه این افراد را نشسته بر روی این نیمکت‌ها یا پیشخوانها می‌دیدند به تدریج آنها را نیز بانکو و بانگیری نام نهادند و به این ترتیب در سایر زبانها واژه بانک برای این صنعت به کار برده شد.

۵-۲- تاریخچه بانکداری در جهان

بنا بر معابد بابلی در حدود دو هزار سال قبل از میلاد مسیح به عملیات بانکی محدودی مشغول بوده‌اند. سازمانهای برادران موراثوز نیپ پور و بانک «اجی بی» از نخستین بانکهای هستند که در

سیر تحول بانکداری

امپراطوری هخامنشی تأسیس شده بودند. براساس متون تاریخی مربوط به این دوران روشن است که در بابل، در زمان داریوش اول هخامنشی، «اجی-بی» بانک معتبری بوده است. در قانون مشهور حمورابی نیز که به ۱۹۳۰ سال قبل از میلاد برمی گردد، مواردی درباره سپرده‌ها و چگونگی وامهای مختلف وجود دارد و در آن مقرراتی درباره حق‌العمل کاری^۱ پیش‌بینی شده است.

متصدیان معابد مزبور طلا و نقره و سایر اشیاء گرانبهای را که به امانت به منظور حفاظت و نگهداری به آنها سپرده می‌شد، در مقابل وثیقه اموال غیرمنقول، قرض می‌دادند. نرخ بهره این قرضه‌ها طبق مقررات زمان ۲۰ درصد بود که به صورت طلا و نقره پرداخت می‌شد. در آمد معابد از محل این سپرده‌های منحصراً به بهره‌دراستی^۲ نبوده، زیرا معادل $\frac{1}{6}$ ارزش این سپرده‌ها نیز بعنوان کارمزد حفاظت و نگهداری به معابد پرداخت می‌گردید.^۲

یونان: فنقی‌ها نیز که به کار تجارت و دریانوردی مشغول بودند به خاطر داشتن روابط تجاری با امپراطوری ایران، به تدریج اصول بانکداری را فرا گرفتند و آن را به یونانی‌ها آموختند و بدین سان بانکداری در یونان هم رواج گرفت. قوانین سولون^۳ که در قرن هفتم قبل از میلاد در یونان تنظیم گردید، اخذ بهره را مجاز اعلام کرد و این باعث رونق بانکداری در این سرزمین شد.

در ابتدا صرافها با دایر کردن میزی به نام «تراپزا» (تاپزا) در مرکز اصلی و عمومی شهر آتن و در بازارها قناعت کردند و بدین سبب به آنها تراپزیت (تراپزیون) گفته شد.^۴ تراپزیت‌ها قادر بودند خدمات گوناگونی از قبیل جمع‌آوری سپرده‌ها، نگه‌داری اشیاء گرانبها، اعطای اعتبار و ضمانت، پرداخت صورت حسابها، تبدیل و انتقال پول، بیمه‌های دریایی، انعقاد قراردادهای اسمی و فروش

1 - Commission

۲- عباس صفقی، بانکداری، چاپ ششم، دانشکده اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، ۱۳۵۵، صص ۲-۳

3 - Solon

۴- پروتو، موئشر و آندر، پلانیول، فعالیت‌های بانکی بین‌المللی، ترجمه شیرین هشترویدی، ۱۳۶۸، ص ۲

عمومی به مشتریان خود ارائه دهند. بازرگانان و شهرنشینان مشتریان تراپزیت‌ها و روستائیان و مقامات دولتی مشتریان کاهنان بودند. معابد یونانی تا حدود قرن سوم و چهارم قبل از میلاد به طور گسترده به عملیات بانکی اشتغال داشتند.

دلیل گسترش و رونق این عملیات در یونان وجود نامنی بر اثر جنگ‌های داخلی و دول خارجی بود که معابد را به عنوان مطمئن‌ترین محل نگهداری اشیاء قیمتی نمود. دیری نپایید اموال محافظت‌او نگهداری شده، همراه با اموال معبد توأم به منظور قرض دادن و دریافت بهره مورد استفاده واقع شد. سود بالای معابد از این کار، کم‌کم انگیزه رقابت افراد را فراهم نمود و با زحمت فراوان سعی در جلب اعتماد مردم به خود نمودند و بعد از اعلان موجودیت کم‌کم دامنه فعالیت آنها از حفظ و حراست اشیاء گران‌قیمت تا گشایش حساب پس انداز برای نقل و انتقال وجوه و سایر عملیات صرافی^۱ توسعه یافت.

رم: با وضع قوانین بازرگانی و حمایت‌های خاص از سیستم بانکی، عملیات بانکی در رم توسعه بیشتری یافت. با تصرف تدریجی کشورهای اطراف دریای مدیترانه در حدود قرن سوم و دوم قبل از میلاد مسیح توسط حکومت رم و برقراری رژیم قانون در سراسر امپراطوری شرایط پیشرفت تجارت و مؤسسات مالی به تعداد قابل ملاحظه‌ای تسهیل گردید و عملیات بانکی توسعه بیشتری پیدا کرد. بطوریکه عملیات بانکداری رم قدیم از بیشتر جهات شبیه عملیات بانکی کنونی است و عملیات همچون افتتاح حساب جاری، مدت‌دار و پرداخت بهره به سپرده‌های مدت‌دار، صدور پروانه تجاری، عملیات بین بانکی، رهن و حتی صدور اعتبارنامه تجاری رونق گرفت.

دو گروه بانکدار عمده در این امپراطوری وجود داشتند، یکی بانکداران نومیلاری^۱ بودند که صرفاً

کندی و اختلال در امر تجارت بود. در جهت رفع این مشکل دولت هلند در سال ۱۶۰۹ بانک آمستردام را تأسیس نمود و وظیفه اصلی این بانک تعیین ارزش واقعی مسکوکات خارجی و تبدیل آن به پول استاندارد محلی (فلورن هلندی) بود. براساس اساسنامه، بانک مجبور به نگهداری صد درصد ذخیره مسکوک و فلزات گرانبها در برابر سپرده‌های مشتریان بود و از این بابت از آنان کارمزد دریافت می‌نمود.

بانک سوئد: اولین بانکی که به صورت شرکت سهامی تشکیل شد، بانک سوئد بود که در سال ۱۶۵۹ تأسیس شد و در سال ۱۶۶۱ به عنوان اولین بانک در اروپا اقدام به نشر اسکناس نمود.

تا قبل از ایجاد این بانک، بانک‌هایی که در اروپا به وجود آمدند، غالباً به صورت خصوصی و شرکتهای تضامنی کلاً متعلق به دولت بودند. بانک سوئد از همان ابتدای تأسیس فعالیت خود را براساس استفاده از سپرده‌ها و ذخایر بانکی به منظور ایجاد قرضه و اعتبار قرار دارد. پس از مدت کوتاهی بر اثر توسعه زیاد از حد وامها و اعتبارات اعطائی به افراد و عدم توانایی باز پرداخت سپرده‌های اشخاص این بانک نتوانست به فعالیت خود بعنوان یک بانک خصوصی ادامه دهد و در سال ۱۶۶۸ مجبور به انحلال گردید.

بانک سوئد بلافاصله پس از انحلال، با تجدید سازمان به صورت یک بانک دولتی درآمد و به فعالیت مشغول شد. بانک فعلی سوئد ادامه مستقیم و توسعه همان بانک سوئد است که بتدریج وظایف بانک مرکزی را به عهده گرفت و از سال ۱۸۹۷ انتشار انحصاری اسکناس در سراسر کشور سوئد نیز به آن واگذار گردید.

بانک انگلیس: بعد از بانک سوئد، بانک انگلیس دومین بانک اروپایی بود که در سال ۱۶۹۴ به صورت سهامی خصوصی به وجود آمد. طرح اولیه این بانک از شخصی به نام ویلیام پاترسون از اهالی

کارهای تبدیل پول و صرافی را انجام می‌دادند و گروه دوم آرزانتاری^۱ که تقریباً کلیه خدمات بانکی را عرضه می‌داشتند.^۲

چین: از حدود قرن ششم قبل از میلاد مسیح جریان عملیات بانک در چین نیز رونق داشته و با ایجاد وسایل اعتباری نقل و انتقال وجوه و همدور گواهی سپرده به نفع افراد، سهم به سزایی در تکامل بانکداری داشته‌اند. اختراع کاغذ در سده دوم میلادی در این سرزمین از نقطه نظر بانکداری دارای ارزش فراوان است. این اختراع نه تنها تهیه اسناد بانکی، تنظیم محاسبات، نگهداری و نقل و انتقال اسناد را به صورتی ارزان، آسان و ساده امکان‌پذیر کرد، بلکه استفاده از پول کاغذی را نیز رواج داد.

بانک ونیز: بین سالهای ۱۵۸۴ تا ۱۵۸۷ در ونیز، بانک دولتی به نام بانکودی ریالتو^۳ زیر نظر و به ضمانت سنا تأسیس شد که در سال ۱۶۳۷ بانک دل جیرو^۴ که در سال ۱۶۱۹ توسط جمهوری ونیز برای انتقال پول تأسیس شده بود، با هم ادغام شدند و تشکیل بانک ونیز را دادند. این بانک به عملیاتی از قبیل دریافت سپرده‌های اشخاص اعم از مسکوک داخلی و خارجی، شمش طلا و نقره، انتقال این سپرده‌ها از یک حساب به حساب دیگر و پرداخت بروات تجارتمی مشتریان اشغال می‌ورزید. براساس اساسنامه، این بانک، از دادن هر نوع قرضه و دریافت بهره منع شده بود و هزینه‌های آن توسط دولت پرداخت می‌گردید. بانک ونیز در سال ۱۷۹۷ هنگام از بین رفتن جمهوری ونیز از بین رفت.

بانک آمستردام: در سال ۱۶۰۲ کمپانی هلندی «هند شرقی» تشکیل شد، فعالیت و گسترش دامنه فعالیت این کمپانی، کشور هلند و شهر آمستردام را به یک مرکز بین‌المللی دادوستد مبدل ساخت و انواع مسکوکات خارجی در این شهر مبادله می‌شد. یکسان نبودن وزن عیار و ارزش مسکوکات موجب

1 - Argentari

3 - Banco di Rialto

4 - Banco del Giro

۲- پول‌الله محمدی، بانک و عملیات بانکی، چاپ سوم، ۱۳۷۷، ص ۱۵.

موقع اجرا کند. جان لاو در سال ۱۷۱۷ شرکت غرب را تأسیس نمود. اما در خصوص فروش سهام این شرکت توفیق زیادی حاصل نکرد. لذا جان لاو برای جلب سهامداران جدید با استفاده از روش سفته‌بازی قیمت سهام را بالا برد. برای انجام این مقصود بانک عمومی اسکانس بیشتر و بیشتر منتشر کرد و با افزایش منابع مالی بانک، اعطای قرضه‌های بیشتر به دولت تسهیل گردید.

در سال ۱۷۱۸ میلادی با کمک دولت، نام بانک عمومی به روبال بانک تغییر یافت و لاو به عنوان مدیر و سرپرست بانک به فعالیت خود ادامه داد. موفقیت وی به حدی رسید که در پاییز ۱۷۱۹،

اسکانس‌های بانک روبال بر طلا و نقره ترجیح داده شد. افزایش ارزش سهام و از یاد میزان انتشار

اسکانس و بعلاوه تردید مردم در درستی و استواری بانکی که قسمت عمده دارایی آن را قرضه‌های تشکیل می‌داد که در قبال وثیقه سهام شرکت هند داده شده بود، زمینه مراجعه مردم جهت تبدیل

اسکانس‌های خود به بانک روبال را فراهم ساخت. جان لاو در ابتدا موفق شد که با تبدیل اسکانس‌ها به مسکوک از سقوط بانک و سیستم جلوگیری نماید، ولی فشار مردم او را مجبور به توسل به دولت

نمود، اما فرامین و دستورهای دولت در پشتیبانی از وی کلاً بی‌اثر ماند و قیمت سهام و ارزش اسکانس‌های بانک به صورت سرسام‌آوری رو به کاهش نهاد و بالاخره در سپتامبر ۱۷۲۰ لاو از مقام

خود استعفا نمود و برای حفظ جان خویش به بروکسل گریخت.

۵-۳- بانکداری در ایران^۱

در سابق عملیات نقل و انتقال پول، ضرب سکه، تغییر و تبدیل انواع پول به وسیله صراف‌ها صورت می‌گرفت و در واقع نظام صرافی، نظام قدیم بانکداری ایران را تشکیل می‌داده است. عملیات پولی و

بانکی توسط صرافان ایرانی در سطح کشور و کشورهای خارج به ویژه کشورهای هم‌جوار انجام می‌شد. روش کار صرافان، صدور حواله، به جریان انداختن «بیچک» به عنوان وسیله پرداخت، تنزیل و

اسکاتلند است که با سرمایه‌ای به مبلغ یک میلیون و دویست هزار لیره تأسیس شد سرمایه مذکور کلاً

در قبال تأسیس بانک با بهره ۸ درصد به دولت انگلستان قرض داده شد و بانک امتیاز انتشار اسکانس را در حوزه لندن به مدت یازده سال کسب نمود. طبق قانون بانکی سال ۱۸۴۴ امتیاز انتشار اسکانس

توسط سایر بانکها محدود به میزان اسکانس در گردش آن بانکها شد و به تدریج امتیاز سایر بانکهای انگلستان در خصوص نشر اسکانس محدودتر می‌شد تا اینکه بالاخره در سال ۱۹۲۳ بانک انحصار نشر اسکانس را از آن خود کرد.

سهام بانک انگلیس در سال ۱۹۴۶ توسط دولت خریداری شد و این بانک به صورت یک بانک دولتی درآمد. در حال حاضر خزانه‌داری کل به نمایندگی از دولت سهام بانک را در اختیار دارد و

این بانک، بانک مرکزی انگلستان می‌باشد.

بانک عمومی فرانسه: بانک عمومی^۱ توسط جان لاو اسکاتلندی در سال ۱۷۱۶ با اخذ امتیاز بیست ساله برای نشر اسکانس‌ها در پاریس آغاز به کار کرد. این بانک بر اساس مدل بانک انگلستان به صورت شرکت سهامی خصوصی بود این بانک در سال ۱۷۱۸ بانک «رویال» نامیده شد.

جان لاو در طی مسافرت به نقاط مختلف جهان، اهمیت نظام پولی را متوجه شده بود و به این نتیجه رسید که کمبود پول در جریان، مانع اساسی رشد و توسعه تجارت و اقتصاد می‌باشد و اعتقاد داشت که انتشار اسکانس را باید از قید فلزات قیمتی رها کرد.

بانک فرانسه، علاوه بر انجام عملیات بانکی حق انحصاری انتشار اسکانس را نیز داشت. این بانک با توجه به مدیریت خوب جان لاو، پس از مدت کوتاهی، توانست نرخ بهره را از ۳۰ درصد به ۴ درصد کاهش و به وضع آشفته قرضه‌های دولتی سامان دهد و به عنوان یک مشاور مالی، به دولت فرانسه کمک فزونی نمود. جان لاو در ادامه درصدد اصلاح بانک بر آمد تا بتواند نظریات خود را به

۱- در ضمیمه این فصل، سوم، قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ که مربوط به بانکداری است آورده شده است.

این بانک برای اولین مرتبه به افتتاح حساب جاری به نام اشخاص اقدام و با قبول سپرده و نقل آن به وسیله چک و استفاده از چک در معاملات مشتریان خود، عملیات بانکی انجام می داد. به علاوه، پرداخت بهره را به انواع سپرده‌ها متداول کرد. به این معنی که به سپرده‌های دیداری از قرار ۲/۵ درصد، سپرده‌های ثابت ۶ ماهه، ۴ درصد و یکساله، ۶ درصد بهره پرداخت نمود و اقدام مهم دیگر این بانک انتشار نوعی اسکناس به وسیله شعبه مرکزی در تهران به شکل حواله‌های ۵ قرانی عهده خزانهدار بانک بود. این حواله‌ها تا حدودی بین مردم رواج پیدا کرد و در معاملات کوچک مورد استفاده قرار گرفت. حواله‌های مزبور به محض ارائه به بانک قابلیت تبدیل به مسکوک نقره داشت.

در حالی که هنوز بیش از دو سال از تأسیس بانک جدید شرق نگذشته بود و فعالیت‌های آن با موفقیت رو به توسعه بود، بانک شاهنشاهی با امتیاز مخصوص از دولت ایران تأسیس و کلیه تسهیلات بانک جدید شرق را در سال ۱۲۶۹ شمسی به مبلغ بیست هزار لیره خریداری و به عملیات آن در ایران خاتمه داد.

۲-۵۳-۵ بانک شاهنشاهی ایران:

در سال ۱۲۵۲ هجری شمسی (۱۸۷۲ میلادی) یک نفر انگلیسی به نام بارون جولوس دو روتیر (*Baron glulius Reuter*) مؤسس خبرگزاری روتیر، موفق گردید، امتیازات وسیعی از ناصرالدین شاه کسب نماید. این امتیازات شامل انحصار کامل تجارت ایران، کشیدن راه آهن، حق انحصار استخراج معادن به استثنای معادن طلا و نقره، حفر قنوات و هرگونه وسایل آبیاری، تأسیس بانک به مدت ۷۰ سال و بالاخره مقاطعه درآمد گمرک‌های کشور برای مدت بیست و پنج سال بود.

چند سال بعد در سال ۱۲۶۷ (۱۸۸۹ میلادی)، در اثر اقدامات زیاد بارون دو روتیر و نیز دخالت دولت انگلیس، مجدداً امتیاز دیگری به روتیر برای مدت ۶۰ سال داده شد که اساس آن تشکیل بانک شاهنشاهی ایران بود. به موجب این امتیاز بانک می‌توانست علاوه بر فعالیت‌های بانکی و تجاری

خرید و فروش برات‌های داخلی و خارجی و اعطای اعتبارات بود.

صلح و امنیت راهها و ثبات اقتصادی موجب رونق صرافی می‌شد و بحرانهای سیاسی و اقتصادی و نوسانات تجاری، صرافی را تحت تأثیر قرار می‌داد. از ویژگی‌های این دوران می‌توان نرخ بهره گزاف را نام برد. ویژگی صرافی در این دوران، پراکندگی و عدم تمرکز مالی است. یعنی صرافان در شهرهای مختلف بودند و بدون آنکه ارتباط دائم و محکمی بین آنها برقرار باشد تا بتوانند در صورت نیاز از قدرت مالی یکدیگر استفاده کنند، هر کدام به اتکای سرمایه خود فعالیت می‌کرد. از دیگر ویژگی‌های صرافی در ایران این بود که، قانون و مقرراتی برای تنظیم امور صرافی وجود نداشت و مداخله دولت به چشم نمی‌خورد و فقط عرف و عادت به امور صرافی حاکم بود و صرافان در قبول بروات و صدور آنها آزاد بودند.

از جمله مؤسسات صرافی پررونق مهم که در دوران ۱۲۶۶-۱۳۰۰ فعالیت داشتند، می‌توان تجارخانه سرداران تومانیاس (۱۳۰۱-۱۲۷۰) در تبریز، تجارخانه جهانیان (۱۲۹۱-۱۲۷۴) در یزد، تجارخانه جمشیدیان (۱۲۶۵-۱۲۹۴) و شرکت اتحادیه (۱۲۷۶-۱۲۹۱) در تبریز و کمپانی فارس در شیراز (۱۲۸۳-۱۲۷۵) اشاره نمود.^۱

۱-۵۳-۵ بانک جدید شرق

از اواخر قرن نوزدهم هجری به بعد به تدریج از تعداد صرافان کاسته شد و فکر ایجاد بانک به روش جدید مطرح گردید. در آن موقع بانک جدید شرق که یک مؤسسه انگلیسی بود و مرکز فعالیت آن در لندن و هندوستان قرار داشت، بدون اخذ مجوز از دولت وقت ایران در سال ۱۲۶۶ هجری شمسی اقدام به تأسیس چند شعبه در چندین شهر ایران یعنی تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز، بوشهر و رشت نمود.

انحصاراً به نشر اسکناس پرداخت و در عین حال صندوقداری دولت ایران در داخل و خارج از کشور در مقابل کارمزد، به این بانک واگذار گردیده بود. به علاوه کلیه فعالیت‌های بانک از پرداخت مالیات معاف بود.

در مقابل این امتیازات تعهدات رویترب عبارت بودند از:

- ۱- پرداخت سالیانه ۶ درصد از سود خالص بانک که در هر حال از ۴۰۰۰ لیره (تقریباً ۱۳۰۰۰ تومان) در سال کمتر نباشد و ۱۶ درصد از درآمد سایر امتیازات.
- ۲- پرداخت وامی به مبلغ ۴۰۰۰۰ لیره به مدت ده سال، با بهره ۶ درصد در سال به دولت ایران
- ۳- قبول پایه طلا برای پول ایران و همکاری در تأمین این مقصود
- ۴- نظارت مأمور دولت ایران بر امور بانک در اجرای مقررات امتیازنامه و نشر اسکناس و مراقبت در روابط بانک با خزانه دولت.^۱

بانک شاهنشاهی با سرمایه یک میلیون لیره تأسیس و با خرید تأسیسات بانک جدید شرق در ایران شروع به کار نمود. سرمایه بانک در امتیازنامه به مبلغ چهار میلیون لیره تعیین شده بود و دولت ایران نیز حق اشتراک $\frac{1}{8}$ این مبلغ را داشت. ولی بانک با یک میلیون لیره شروع بکار کرد. مرکز بانک ابتدا تهران تعیین شده بود، ولی به موجب مقررات اصلاحی امتیازنامه مورخه ۱۲۶۸ (۱۸۸۹ میلادی) اجازه داده شد بانک مطابق قانون کشور طرف قرارداد که بیشترین سهام را داشت، عمل کند و در نتیجه بانک تابع قوانین انگلستان و مقرر اصلی آن لندن شناخته شد.

بانک، از آنجا که حق انحصاری انتشار اسکناس را در اختیار داشت و انجام دریافت‌های و پرداخت‌های خزانه دولت نیز بر عهده او بود و تنها منبع پرداخت وام به دولت ایران به شمار می‌رفت، قدرت فراوانی برای اعمال نفوذ در امور دولتی ایران را در اختیار داشت. بانک مزبور از این امکانات به

۱- محمد علییان، اقتصاد کلان، ۱۳۶۹، ص ۳۲۲

منظور بسط تسلط انگلیس در ایران استفاده فراوان کرد. این بانک با توجه به کنترل‌هایی که بر منابع یاد شده داشتند و به وسیله وام‌هایی که به دولت می‌داد، توانست کنترل گمرکات جنوب، شیلات شمال، تلگرافخانه و گذرنامه را به وثیقه و امها به اختیار خود درآورد.

در سال ۱۳۰۹ امتیاز انحصاری نشر اسکناس به مبلغ دو بیست هزار لیره از بانک شاهنشاهی ایران باز خرید شد و به بانک ملی ایران واگذار گردید. بانک تا پایان دوره امتیاز ۶۰ سال به عملیات خود ادامه داد. با پایان یافتن مدت امتیاز در بهمن ماه ۱۳۲۷، تا مرداد ۱۳۳۱ بدون مجوز، مانند یک بانک عادی به نام «بانک انگلیس در ایران و خاورمیانه» فعالیت می‌کرد.

۳-۵-۵- بانک استقراضی ایران

پس از تأسیس بانک شاهنشاهی، در سال ۱۲۶۹، امتیاز تأسیس بانک جدیدی به نام بانک استقراضی ایران به یکی از اتباع روسیه تزاری به نام ژاک پولیاکوف داده شد. مدت امتیاز بانک ۷۵ سال بود و به غیر از عملیات بانکی و رهنی، حق انحصار حراجی عمومی را نیز داشت و از معافیت مالیاتی برخوردار بود. این بانک با سی میلیون منات سرمایه به شکل سهامی تأسیس شد و از سال ۱۲۷۰ با افتتاح اداره مرکزی خود در تهران و چندین شعبه در شهرستانهای شمالی رسماً شروع به کار نمود. در سال ۱۲۷۷ دولت تزاری کلیه سهام بانک مزبور را خریداری و ضمیمه بانک دولتی بطرزبورگ نمود و از این تاریخ به بعد بانک و سرمایه آن وسیله اجرای مقاصد سیاسی دولت روس در ایران گردید. بانک برای تأمین مالی چندین پروژه اقدام کرد. بدین ترتیب بانک استقراضی ایران امتیاز احداث جاده اتزلی - قزوین یا قزوین - تهران یا قزوین - همدان را داشت. به علاوه امتیاز لارویی کانال کشتی‌رانی اتزلی و استخراج معادن نفت و ذغال را در ناحیه مشخص در تصاحب داشت.

با توجه به اینکه فعالیتهای مهم بانک استقراضی ایران عملیات اعتبار و رهن بود، بدین نحو که دریافتی به رهن گرفتن اموال غیر منقول وام می‌داد و چون اغلب بدهکاران نمی‌توانستند اداء دین کنند، بانک

(انجام امور مالی) بوده است. ولی شعبات این بانک در شهرهای مختلف کشور مبادرت به بعضی از عملیات بانکی نظیر گشایش حساب‌جاری، صدور حواله، نقل و انتقال وجوه، تزیل بروات تجاری، اعطای وام‌های بانکی و سایر عملیات تجاری نموده است. سرمایه این بانک تدریجاً افزایش پیدا کرد و در اسفندماه ۱۳۳۲ که بانک با اساسنامه جدید به شکل شرکت سهامی به فعالیت پرداخت، به مبلغ ۳۷۰ میلیون ریال و در سال ۱۳۴۰ به ۷۸۵ میلیون ریال بالغ شد. این بانک در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های کشور می‌باشد و در حالی که تمام امور ارتش را انجام می‌دهد، به کلیه عملیات بانکی حتی عملیات ارزی نیز مبادرت می‌ورزد.

۵-۳-۶- بانک ملی ایران

پس از تشکیل بانک شاهنشاهی ایران نیز دولت ایران پیوسته درصدد بود تا در موقع مناسب با سرمایه ملت ایران، بانک ملی را تشکیل دهد. حتی در دوران اول مجلس شورای ملی، عده‌ای از نمایندگان با قید فوریت، درخواست تشکیل یک بانک ملی را از دولت نمودند. به این منظور که بانک ملی معاملات مربوط به خزانه را انجام داده و رونق بیشتری به کارهای بازرگانی، کشاورزی و صنعتی بدهد و گذشته از اینها، از نفوذ بانک شاهنشاهی ایران نیز بکاهد. اگر چه این فکر از طرف مردم با استقبال زیادی روبرو گردید و بازرگانان حاضر شدند که سرمایه آن را بپردازند، اما به لحاظ اوضاع نابسامان اقتصادی و خالی بودن خزانه دولت این پیشنهاد عملی نگردید، تا اینکه در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ قانون تشکیل بانک ملی ایران به تصویب نهایی مجلس شورای ملی رسید و دولت مکلف گردید که بانک موسوم به بانک ملی ایران تأسیس نماید. سرمایه اصلی این بانک ۱۵ میلیون تومان تعیین گردید و قرار شد برای سرمایه اولیه بانک، دولت، مبلغی را که از ۵ میلیون تومان بیشتر نباشد، از محل دیه‌های خود به بانک بپردازد. ولی با توجه به اشکالاتی که در فراهم کردن سرمایه نقدی در آن زمان وجود داشت و طبق اساسنامه‌ای که در خرداد ۱۳۰۷ به تصویب هیئت دولت و کمیسیون قوانین

نسبت به تصرف املاک و مستغلاتی که از طرف معاملات رهتی در دست داشت، اقدام نمود. در سال ۱۳۰۱ به موجب مقررات عهدنامه ۱۲۹۹ بین ایران و روسیه، این مؤسسه به دولت ایران تحویل داده شد. بانک استقراضی پس از واگذاری به دولت ایران به بانک ایران موسوم گردید و به علت فقدان سرمایه نقدی و اشکالات زیاد در اخذ طلبهای خود نتوانست موفق شود و بالاخره در سال ۱۳۱۲ ضمیمه بانک کشاورزی ایران گردید و منحل شد.

۵-۳-۷- بانک روس و ایران

بانک روس و ایران در سال ۱۳۰۵ از طرف جماهیر شوروی و به منظور تسهیل مبادلات بازرگانی بین دو کشور در ایران تأسیس گردید. اداره مرکزی این بانک در تهران بود و شعبی نیز در شهرستانهای شمالی کشور افتتاح نمود. فعالیت‌های بانک روس و ایران از همان ابتدا محدود به انجام امور مالی مؤسسات بازرگانی وابسته به دولت شوروی در ایران و مبادلات بازرگانی بین دو کشور بوده است.

بانک روس و ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تنها بانک خارجی بود که در ایران به عملیات بانکی اشتغال داشت و صددردصد سهام آن متعلق به خارجیان بود و سرمایه آن معادل سیصد میلیون ریال کلاً از طرف دولت شوروی پرداخت گردیده بود. مرکز قانونی بانک روس و ایران تهران بود و فعالیت‌های آن تحت قوانین بانکی ایران صورت می‌گرفت. این بانک در ۲۵ بهمن ۱۳۵۹ به دولت ایران واگذار گردید و در بانک تجارت ادغام شد.

۵-۳-۸- بانک سپه

این بانک در سال ۱۳۰۴ با سرمایه ۳۸۴۹۵۰ ریال که از محل صندوق بازنشستگی درجه‌داران ارتش تأمین شده بود، تأسیس گردید. نام اولیه بانک، بانک پهلوی قشون بود و در سال ۱۳۰۷ به نام بانک سپه تغییر نام داد. این اولین بانک ایرانی است که صددردصد سرمایه آن از منابع محدود داخلی فراهم شد. گرچه منظور اولیه تأسیس این بانک، تمرکز وجوه ارتش و پرداخت حقوق و هزینه‌ها

کشور بر عهده بانک ملی ایران واگذار گردید. در خصوص نشر اسکناس، بانک ملی ایران طبق قانون اسفند ۱۳۱۰ بر اساس سیستم حد انتشار (پلافون) و درصد (پورسانت) عمل می کرد. بدین ترتیب که بانک ملزم بود اولاً صد درصد معادل اسکناس منتشره، طلا و نقره و ارز به صورت پشتوانه نگهداری نماید، ثانیاً حد انتشار را به ۳۴۴ میلیون ریال محدود نماید. البته رعایت دقیق قانون ۱۳۱۰ با نیاز اقتصادی جامعه که در حال توسعه و پیشرفت بود و در نتیجه به اسکناس بیشتری نیاز داشت، هماهنگ نبود. از این رو طبق قانون ۱۳۱۳ پشتوانه به ۶۰ درصد تقلیل یافت و حد انتشار نیز به ۱/۱۰۰ میلیون ریال افزایش یافت. قانون ۱۳۱۸ حد انتشار را به ۱/۵۰۰ میلیون ریال افزایش داد و ضمناً به بانک اجازه داده شد که پشتوانه را از محل اعتبارات جواهرات سلطنتی که طبق قانون ۱۳۱۶ به بانک ملی ایران منتقل و جزو سرمایه بانک شده بود، تأمین سازد. به موجب قانون آبان ۱۳۲۱، اختیار انتشار اسکناس، به هیئت نظارت اندوخته اسکناس واگذار گردید تا نیاز متفقین در جنگ جهانی دوم به ریال را تأمین نماید. قانون ۱۳۲۶ این قانون را لغو نمود و دولت مکلف شد تا ظرف سه ماه میزان سقف انتشار اسکناس مورد نیاز بانک ملی ایران را، ضمن تعیین پشتوانه، اعلام دارد. ولی مفاد این قانون در عمل رعایت نشد و تا سال ۱۳۲۹ یعنی تأسیس بانک مرکزی حد انتشار به ۱۹ میلیارد ریال بالغ شد.^۱

۵-۳-۷- سایر بانکهای دولتی^۲

پیش از آنکه به بیان دیگر بانکهای دولتی بپردازیم بهتر است متذکر شویم که بانکهای دولتی با سرمایه دولت به صورت شرکت سهامی تشکیل شده است. سهام این بانکها به دولت تعلق دارد و نمایندگان دولت به عنوان صاحبان سهام در مجامع عمومی عادی و فوق العاده شرکت می نمایند. اداره امور این بانکها هم به وسیله دولت صورت گرفته و هیئت مدیره و دیگر ارکان آن از طرف دولت عزل

۱- سنجهر زندی حقیقی، پول و بانک، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵، صص ۸۸، ۸۹

۲- اسامی بانکهای قبل از انقلاب اسلامی ایران در ضمیمه آورده شده است.

مالیه مجلس شورای ملی رسید، سرمایه اولیه بانک دو میلیون تومان تعیین گردید و با بهره داخلی ۴۰ درصد مبلغ مذکور (۸۰/۰۰۰ تومان) از طرف دولت، بانک ملی در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۰۷ به کمک یک مستشار خارجی به نام «کورت لیندن بلات» رسماً افتتاح و فعالیت خود را آغاز کرد.

عملیات بانک ملی در ابتدای کار، عبارت بود از: قبول سپرده های دیداری و مدت دار، تنزیل بروات و اسناد تجاری داخلی و خارجی، دادن قرضه به اشخاص در مقابل وثیقه منقول و یا تضمین اشخاص معتبر و عملیات عادی بانکداری. بانک ملی می توانست قانوناً به افراد عادی وام بدهد، اما از دادن قرضه و یا مساعده به دولت، سازمانهای دولتی و شهرداریها بدون اجازه مجلس شورای ملی ممنوع بود. با توجه به حدود این عملیات، بانک ملی ایران در آغاز کار، صورت یک بانک تجاری عادی داشت و به انجام هیچ یک از عملیات مهم بانکداری مرکزی از قبیل نشر اسکناس، صندوق داری دولت نمی پرداخت. وظیفه صندوق داری دولت بطور محدودی به بانک ملی واگذار شده و مقرر شده بود که نگهداری سپرده های دولتی هر وقت که عملیات بانک توسعه پیدا کرد و وسایل لازم برای بکار انداختن و استفاده از وجوه ودایع دولتی فراهم شد، به این بانک واگذار شود.

حدود فعالیت و ماهیت عملیات بانک ملی با باز خرید حق انتشار اسکناس از بانک شاهنشاهی در خرداد ماه ۱۳۰۹ از طرف دولت ایران و واگذاری آن به بانک ملی از اول فروردین ماه سال ۱۳۱۱ به جریان گذارده شد و بانک ملی از این تاریخ با حفظ وضع موجود خودش به عنوان یک بانک تجاری عملاً به بانک مرکزی ایران مبدل شد و طبق توافقنامه بین دولت ایران و بانک شاهنشاهی، بانک شاهنشاهی ایران متعهد بود تا آخر خرداد ۱۳۱۱ کلیه اسکناس های خود را از جریان خارج سازد.

به موجب اساسنامه قانونی مرداد ۱۳۱۷ و قوانین تصویب نامه های بعدی، وظایف و مسئولیت های بیشتری از قبیل حفظ ارزش پول، حفظ موازنه ارزی، تنظیم اعتبارات کشور، نظارت بر فعالیت سایر بانکها و به طور خلاصه انجام کلیه وظایف یک بانک مرکزی و همچنین رهبری و هدایت اقتصاد

و تأمین مسکن را بر عهده گرفت.

- بانک توسعه صادرات در سال ۱۳۳۱ با سرمایه ۵۵۰ میلیون ریال، با هدف تشویق صادرات و آشنا ساختن صادرکنندگان با وضع بازارهای فروش در خارج تشکیل شد.

- به موجب قانونی که در ۲۸ اسفند ۱۳۳۷ به تصویب مجلس رسید، بانک تجارت خارجی ایران با سرمایه ۲۷۵ میلیون ریال بصورت بانک دولتی مختلط تشکیل شد. این قانون به بانک ملی ایران اجازه داد که، سهام سازمان برنامه و شرکت سهامی بیمه ایران موجود در بانک توسعه صادرات را خریداری کند و پس از انتقال سهام مذکور بانکی به نام بانک تجارت خارجی ایران طبق قوانین و مقررات، به جای بانک توسعه صادرات تشکیل دهد.

- در خردادماه ۱۳۳۷ بانک بیمه ایران با سرمایه ۳۵۰ میلیون ریال به صورت شرکت سهامی تشکیل گردید. کار بانک انجام دادن امور بانکی شرکت بیمه ایران و سایر عملیات عادی بانکی می باشد.

- آخرین بانک دولتی در تاریخ ۶ فروردین ۱۳۴۰ شروع به کار نمود. نام این بانک، بانک رفاه کارگران و ایجاد آن در قانون بودجه سال ۱۳۳۸ پیش‌بینی شده بود و اساسنامه آن نیز در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۳۹ به تصویب هیأت وزیران رسید. بانک رفاه کارگران با استفاده از ذخایر سازمان بیمه‌های اجتماع کارگران با سرمایه ۴۰۰ میلیون ریال شروع بکار نمود. این بانک علاوه بر انجام عملیات مجاز بانکی به اعطاء وام به شرکت‌های تعاونی کارگران و صاحبان صنایع کوچک نیز می‌پردازد.

۵-۲-۸- بانکهای خصوصی در ایران

تأسیس بانکهای خصوصی در ایران با تصویب اولین طرح برنامه عمرانی هفت ساله کشور در سال ۱۳۲۷ و براساس ضرورت ایجاد و توسعه مؤسسات اعتباری در سراسر کشور همراه می‌باشد. اولین بانک خصوصی ایرانی با استفاده از مقررات قانون تجارت و به صورت شرکت سهامی با نام «بانک بازرگانی ایران» در سال ۱۳۲۸ تأسیس گردید. بر چیده شدن تدریجی شعب بانک شاهی، احتیاجات

و نصب می‌شوند. خطمشی عمومی بانکها هم از سوی دولت تعیین شده و بانکها دستورات و نظرات دولت را اجرا می‌کنند.

- پس از تشکیل بانک ملی، اقدامات دیگری برای تقویت بانکداری در ایران به عمل آمد بدین معنی ابتدا در تیرماه ۱۳۱۲ بانکی به نام بانک کشاورزی و پیشه و هنر با سرمایه ۲۰ میلیون ریال به صورت شرکت سهامی تشکیل گردید. تا قبل از تشکیل بانکهای کشاورزی و پیشه و هنر و رهنی کلیه عملیات مربوط به پرداخت وامهای کشاورزی و صنعتی و رهنی در بانک ملی ایران به عمل می‌آید ولی چون بانک ملی به عنوان بانک ناشر اسکناس نمی‌توانست، برای مدت طولانی به انجام دادن این گونه امور نیز پردازد، تصمیم به تأسیس دو بانک فوق‌الذکر گرفته شد.

در اولین اساسنامه بانک کشاورزی و پیشه و هنر، منظور بانک پرداخت وامهای فلاحتی و صنعتی تعیین گردیده بود. وامهای کشاورزی به مالکان و شرکتهای، بنگاههای کشاورزی، کشاورزان و اجاره داران املاک داده می‌شد و حداکثر مدت آن ۵ سال تعیین گردیده و سود آن ۶ درصد بود. وامهای صنعتی به صاحبان صنایع کوچک برای مدت حداکثر ۳ سال بانرخ بهره ۹ درصد مقرر گردیده بود.

در سال ۱۳۳۲ در اساسنامه بانک کشاورزی و پیشه و هنر تجدید نظر به عمل آمد و امور مربوط به صنعت از آن جدا شد و سرمایه آن نیز افزایش یافت و از این تاریخ با نام بانک کشاورزی به فعالیت خود ادامه داد. در تیرماه ۱۳۳۴ نام بانک به بانک اعتبارات کشاورزی و عمران روستائی ایران تغییر یافت. از اسفند ۱۳۴۵ این بانک با نام بانک کشاورزی ایران فعالیت خود را ادامه داد.

- در سال ۱۳۳۱ دو بانک دولتی دیگر به نامهای بانک ساختمان و بانک توسعه صادرات تشکیل گردید. بانک ساختمان با سرمایه ۱۵۰ میلیون ریال تشکیل شد. هدف این بانک ساختن منزل و تأمین مسکن بود. بانک پس از قطع عملیات بانکی خود در اسفند ۱۳۴۲، تحت عنوان سازمان مسکن به صورت یکی از مؤسسات تابعه وزارت آبادانی و مسکن درآمد و مسئولیت اجرای طرحهای ساختمانی

شورای انقلاب اسلامی در تاریخ ۵۸/۳/۱۷ تحت ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از انتقال

سپرده‌ها به خارج توسط سرمایه‌گذاران وابسته، سلب اعتماد مردم به بانکها و هجوم آنان برای استرداد

سپرده‌های خود و لاوصول ماندن مطالبات بانکها و جلوگیری از ورشکستگی و توقف عملیات بانکها،

بانکهای خصوصی را ملی اعلام نمود. جهت تحقق کامل لایحه ملی شدن بانکها و مؤسسات اعتباری

ملی شده، شورای انقلاب اسلامی با تصویب لایحه قانونی اجازه تأمین سرمایه در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۴،

مقرر نمود که پرداخت سهام سهامداران قبلی بانکها و مؤسسات اعتباری ملی شده، منوط به تخمین

مبلغ سرمایه و اندوخته‌های مندرج در گزارشهای حسابرسی بانکها و مؤسسات مذکور در تاریخ ۳/۱۷/

۱۳۵۸ پس از وضع زیان‌های سنواتی گردد. در رابطه با لایحه مذکور تمام اندوخته‌های سنواتی بانکها و

مؤسسات اعتباری ملی شده به حساب زیان سنواتی آنها منظور گردید و چنانچه این تعدیل جبران تمام

زیان را نمی‌کرد مابه‌التفاوت تا میزان سرمایه ثبت و پرداخت شده به عنوان جبران زیان و تأمین سرمایه

دولت در این بانکها، از بانک مرکزی اعتبار دریافت گردید. ضمناً دولت مکلف گردید مطالبات ناشی

از اجرای این قانون را ظرف مدت پنج سال به بانک مرکزی بازپرداخت نماید.

برطبق برآورد مذکور، تعهدات دولت ناشی از ملی شدن بانکها و مؤسسات اعتباری حدود ۲۴۲

میلیارد ریال گردید که از کل مبلغ مذکور حدود ۱۰۰ میلیارد ریال جهت جبران زیان بانکها و

مؤسسات اعتباری ملی شده، ۸۰ میلیارد ریال جهت تأمین سرمایه آنها و ۶۲ میلیارد ریال نیز به باز خرید

سهام سهامداران تخصیص یافت.

بررسی وضع مالی بانکهای ملی شده طبق ارقام پایان بهمن ماه ۱۳۵۷ نشان می‌دهد که مجموع

سرمایه پرداخت شده بانکهای مذکور حدود ۱۱۱/۷ میلیارد ریال بوده است. سهم خارجیان در سرمایه

بانکهای تجاری مختلط بین ۳۰ تا ۴۰ درصد و در سرمایه بانکهای تخصصی مختلط بین ۱۵ تا ۱۸

درصد و در مجموع کل سرمایه پرداخت شده بانکهای ملی شده حدود ۱۳ درصد (معادل ۱۴ میلیارد

برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور و نیاز روزافزون به خدمات بانکی، از عوامل اساسی در توسعه و

ازدیاد بانکها خصوصی ایران بود.

بانکهای خصوصی کشور از نظر نوع عملیات بانکی، شامل ۲۵ بانک تجاری و ۳ بانک تخصصی

به نامهای، توسعه و سرمایه‌گذاری ایران، توسعه صنعتی و معدنی ایران و بانک ساختمان بوده است و

در آخر خردادماه سال ۱۳۵۵ تنها ۲۰ بانک شامل ۱۵ بانک تجاری و ۵ بانک تخصصی با مجموع

۳۶۱۲۶ سهامدار عضویت بورس را دارا بوده‌اند.

جدول (۵-۱) - وضعیت بانکهای خصوصی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران - پایان خرداد ماه سال ۱۳۵۵.

نام بانک	تعداد کل سهام	تعداد سهام قابل معامله توسط افراد حقیقی		مبلغ پرداخت از قیمت اسمی سهم (ریال)
		درصد	سهام	
اعتبارات ایران	۱۵۰۰۰۰۰	۶۱	۹۱۵۰۰۰	۱۰۰۰
ایران و انگلیس	۱۰۰۰۰۰	۵۳	۵۳۰۰۰	۱۰۰۰۰
ایران و خاورمیانه	۱۰۰۰۰۰	۵۵	۵۰۰۰	۱۰۰۰۰
ایران و عرب	۲۰۰۰۰۰	۴۶	۹۲۰۰۰	۵۰۰
ایرانیان	۱۰۰۰۰۰	۵۱	۵۱۰۰۰	۱۰۰۰۰
بین‌المللی ایران	۲۰۰۰۰۰	۴۰	۸۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بین‌المللی ایران و ژاپن	۲۰۰۰۰۰	۵۱	۱۰۲۰۰۰	۱۰۰۰۰
پارس	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
تجاری ایران و هلند	۱۵۰۰۰۰	۶۲	۹۲۰۰۰	۱۰۰۰
تهران	۳۰۰۰۰۰	۶۵	۱۹۵۰۰۰	۱۰۰۰
داریوش	۲۰۰۰۰۰	۵۲	۱۰۴۰۰۰	۵۰۰۰
شهریار	۵۰۰۰۰۰	۹۸	۴۹۰۰۰۰	۷۵۰۰
صادرات ایران	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
صنایع ایران	۵۰۰۰۰۰	۹۷	۴۸۵۰۰۰	۱۰۰۰۰
کار	۳۰۹۰۰۰	۹۱	۲۸۱۰۰۰	۱۰۰۰۰
ساختمان	۶۰۰۰۰۰	۶۲	۳۷۲۰۰۰	۵۰۰۰
توسعه صنعتی و معدنی ایران	۷۰۰۰۰۰۰	۵۷	۳۹۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
توسعه و سرمایه‌گذاری ایران	۲۱۰۰۰۰۰	۶۰	۱۳۶۰۰۰۰	۱۰۰۰
گسترش آذربایجان	۱۰۰۰۰۰۰	۳	۳۰۰۰۰	۵۰۰
گسترش خزر	۱۰۰۰۰۰۰	۶	۶۰۰۰۰	۵۰۰
جمع	۲۳۹۰۹۰۰۰	۴۹	۱۱۳۷۰۰۰	

مأخذ: فصلنامه بانک، شماره ۱۱، ص ۳۲

تجربه سال‌های پس از ملی شدن بانک‌های کشور نشان می‌دهد که نظام بانکی با انجام دادن خدمات دولتی از یک طرف و درگیر شدن در حجم کلان تأمین منابع مالی دستگاههای دولتی از طرف دیگر و مهم‌تر از همه در فضایی که همواره سیاستهای پولی تابع سیاستهای مالی دولت بوده است، در عمل بانکها به بانک کارگزار دولت تبدیل شده است. منتقدان افراطی با ارا این فراتر گذاشته و معتقدند نظام بانکی نه تنها از اهداف بانکداری بدون ربا بلکه حتی از چارچوب فعالیت‌های بانکداری سنتی نیز فاصله گرفته و در عمل به یک نوع بانکداری دولتی بدون انگیزه رقابتی تبدیل شده است.

عمده‌ترین علل این مسائل دولتی بودن سیستم بانکی کشور و انحصار مطلق آن در بازار نوپا و جوان پولی و سرمایه کشور بوده است. به عبارتی دیگر بانکها به عنوان ابزاری تحت اختیار کامل دولت قرار داشته و این عامل به همراه فراهم نبودن زمینه‌های رقابتی در ارائه مجموعه خدمات پولی و مالی، نظام بانکی را از انجام وظایف اصلی خود باز داشته است. لذا محور تمامی سیاست‌های اتخاذ شده برای ارتقای کارایی نظام بانکی، ایجاد رقابت برای نظام بانکی در بازار پول و سرمایه کشور بوده است.

نخستین شوک در این راستا در شهریور ماه سال ۱۳۷۴ و با تصویب لایحه قانونی تأسیس شرکت دولتی پست بانک به سیستم بانکی، وارد آمد. اما پست بانک نیز به دلیل ماهیت ساختار دولتی خود راه به جایی نبرد و نتوانست وارد عرضه رقابت با سیستم بانکی گردد. همچنین در ۱۳۷۶/۶/۱۵ نخستین مؤسسه با عنوان «مؤسسه اعتباری توسعه صنعت ساختمان» که یک مؤسسه اعتباری تخصصی در بخش صنعت ساختمان بود، آغاز به کار نموده است.

در نهمصد و چهل و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۰ شورای پول و اعتبار ضوابط تأسیس بانک غیر دولتی به تصویب رسید. براساس این ضوابط، بانک غیر دولتی بانکی است که به موجب قانون

ریال) به خارجیان تعلق داشته است. جدول زیر سرمایه پرداخت شده و میزان مشارکت سهامداران خارجی در بانکهای ملی شده را نشان می‌دهد.

جدول (۵-۲) - وضعیت سرمایه پرداخت شده و میزان مشارکت سهامداران خارجی در بانکهای ملی شده

شماره	بانکهای تجاری	سرمایه پرداخت شده (میلیون ریال)	سهام سهامداران خارجی (درصد)
۱	اعتبارات ایران	۹۰۱۳۰	۱۲/۸۲
۲	اعتبارات تعاونی توزیع ایران	۲۰۰۰	۳۵/۰۰
۳	ایرانشهر (اصناف)	۲۰۰۰	۰
۴	ایران و انگلیس	۱۰۰	۰
۵	ایران و خاورمیانه	۲۰۰۰	۳۵/۰۰
۶	ایران و عرب	۱۵۰۰	۳۵/۰۰
۷	ایرانیان	۲۰۰۰	۳۳/۰۰
۸	بازرگانی ایران	۳۵۰۰	۳۵/۰۰
۹	بین‌المللی ایران	۲۲۰۰	۰
۱۰	بین‌المللی ایران و ژاپن	۳۰۰۰	۳۱/۵۰
۱۱	پارس	۱۱۰۰	۰
۱۲	تجارت خارجی ایران	۴۲۰۰	۴۰/۰۰
۱۳	تجارتی ایران و هلند	۳۰۰۰	۳۵/۰۰
۱۴	تهران	۷۰۰۰	۳۰/۰۰
۱۵	دارپوش	۲۰۰۰	۳۵/۰۰
۱۶	شهریار	۵۰۰۰	۰
۱۷	صادرات ایران	۱۸۰۰۰	۰
۱۸	صنایع ایران	۷۲۰۰	۰
۱۹	عمران	۴۰۰۰	۰
۲۰	کار	۱۱۲۰	۰
۲۱	روس و ایران	۱۲۰	۱۰۰/۰۰
۲۲	فرهنگیان	۱۳۶۴	۰
۲۳	گسترش آذربایجان	۷۴۶	۰
۲۴	گسترش خزر	۵۰۰	۰
۲۵	گسترش خوزستان	۵۰۰	۰
	بانکهای تخصصی	۱۱۲۴۴	۱۲/۵۱
۲۶	توسعه و سرمایه‌گذاری ایران	۳۴۴	۱۸/۱۸
۲۷	توسعه صنعتی و معدنی ایران	۱۴۰۰	۱۵/۲۰
۲۸	ساختمان	۴۵۰۰	۰
	کل بانکهای تجاری و تخصصی	۱۱۱۳۳۴	۱۲/۸۴

مآخذ: فصلنامه بانک، شماره ۱۱، ص ۳۳

اجازه تأسیس بانکهای غیردولتی مصوب فروردین ماه ۱۳۷۹ و ماده ۹۸ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، با مالکیت و مدیریت اشخاص غیردولتی داخلی براساس این ضوابط و با مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تأسیس می گردد و می تواند در چارچوب قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱، قانون عملیات بانکی بدون ربا و اساسنامه خود به کلیه عملیات مجاز بانکی مبادرت نماید.

طبق این ضوابط تشخیص حقیقی داخلی (شخص حقیقی تابع جمهوری اسلامی ایران) و شخص حقوقی داخلی، (شخص حقوقی که بیش از ۷۵ درصد از سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی ایرانی است) که دارای شرایط مقرر در این ضوابط باشند، می توانند تقاضای خود را برای دریافت مجوز تشکیل غیردولتی به بانک مرکزی تسلیم نمایند. از جمله موارد مندرج در ضوابط تأسیس بانک غیردولتی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- تشکیل بانک صرفاً به صورت شرکت سهامی عام و با سهام با نام امکان پذیر است.
- اساسنامه بانک و هر نوع تغییرات بعدی آن باید به تصویب بانک مرکزی برسد. موارد لازم الرعایه در اساسنامه بانک به پیشنهاد بانک مرکزی و تصویب شورای پول و اعتبار تعیین خواهد شد.
- بانک مرکزی با توجه به نیاز کشور و با در نظر گرفتن شرایط متقاضیان نسبت به قبول تقاضا یا صدور مجوز اتخاذ تصمیم خواهد نمود.
- اشخاص حقوقی که بخشی از سرمایه آنها متعلق به دولت و شرکتهای دولتی و یا نهادهای عمومی بوده یا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت مدیریت بخش دولتی و یا نهادهای عمومی قرار دارند، نمی توانند در بانکهای غیردولتی سهامدار باشند.

- متقاضیان تأسیس بانک باید از حسن شهرت مالی و حرفه ای برخوردار بوده و فاقد سابقه محکومیت کیفری باشند و توانایی لازم برای تأمین و تکمیل سرمایه بانک در صورت عدم کفایت

سرمایه و یا زیانکرد احتمالی را داشته باشد. همچنین هیچ یک از اعضای هیأت مدیره، مدیر عامل و قائم مقام وی و همچنین اعضای هیأت عامل بانک نمی تواند در بانک دیگر یا مؤسسات اعتباری سهم یا سمتی داشته باشد مگر با اجازه بانک مرکزی.

- حداقل سرمایه اولیه برای تأسیس بانک ۲۰۰ میلیارد ریال است که باید تماماً تمهید شده و اقل ۵۰ درصد آن قبل از صدور مجوز اولیه نزد بانک مرکزی ایران سپرده شود و این سرمایه نباید از محل تسهیلات هیچ یک از بانکها اعم از دولتی و غیردولتی و مؤسسات اعتباری تأمین شده باشد.

- هیچ یک از بانکها اعم از دولتی و غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی نمی تواند در هیچ زمان بیش از یک درصد سهام بانک را دارا باشد مگر با مجوز بانک مرکزی.

- بانک مرکزی در مواردی که تشخیص دهد متقاضیان تأسیس بانک تمهیدات لازم را انجام نداده اند و یا قادر به انجام تمهیدات لازم و یا تأسیس و راه اندازی بانک نیستند و با اطلاعات کذب و گمراه کننده یا ناقص ارائه نموده اند و یا مصالح بانکی کشور ایجاب می نماید می تواند مجوزهای صادره را در هر مرحله متوقف یا لغو نماید.

- بانک پس از دریافت مجوز فعالیت می تواند به انجام کلیه عملیات مجاز بانکی به ریال در چارچوب قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱، قانون عملیات بانکی بدون ربا و سایر قوانین و مقررات مربوطه و مصوبات شورای پول و اعتبار و مقررات بانک مرکزی مبادرت نماید لیکن انجام عملیات ارزی منوط به دریافت مجوز جداگانه از بانک مرکزی است.

- سهام بانک قابل معامله در بورس اوراق بهادار می باشد.

بانکهای خصوصی بعد از انقلاب عبارتند از: بانک کارآفرین، بانک سامان، بانک پارسیان، بانک اقتصاد نوین که در زیر خلاصه ای از وضعیت آنها آورده شده است.

- بانک کارآفرین: ابتدا به نام مؤسسه اعتباری غیربانکی کارآفرینان با مشارکت مجموعه وسیعی از

بخش خصوصی کشور شامل صاحبان صنایع و شرکتهای ساختمانی و تأسیساتی و تجهیزات و مهندسان مشاور که تمامی آنان سابقه ممتاز و طولانی در سازندگی، تولید، ایجاد اشتغال و کارآفرینی در کشور داشتند در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۱۰ با سرمایه ۳۰ میلیارد ریال از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجوز تأسیس گرفت. ۸۵ درصد از سرمایه از طرف مؤسسان تأمین و ۱۵ درصد باقیمانده برای فروش به عموم عرضه شد.

متقابلاً براساس موافقت اصولی اداره کل نظارت بر بانکها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۰/۶/۳۱ و به موجب تصمیم متخذ در مجمع عمومی فوق العاده ۱۳۷۹/۱۱/۲۶ شرکت اعتباری غیربانکی کارآفرینان در جهت تبدیل مؤسسه به بانک کارآفرین، سرمایه شرکت از مبلغ ۳۰ میلیارد ریال به دوپست میلیارد ریال با حق تقدم پذیره نویسی برای سهامداران، به تصویب رسید و اختیار انجام آن به هیأت مدیره تفویض گردید.

- **بانک ساهاان:** در آغاز فعالیت خود (به عنوان مؤسسه اعتباری سامان اقتصاد) با سرمایه ۱۱ میلیارد با بیش از ۳۰۰ سهامدار به عنوان شرکت سهامی عام شروع به کار نمود و در جهت تبدیل شدن به بانک، سرمایه خود را به ۲۰۰ میلیارد ریال، با توجه به دستورالعمل بانک مرکزی جهت اخذ مجوز بانک خصوصی از طریق فروش حق تقدم سهام سهامداران اولیه رسانیده است، که این مبلغ به طور کامل پرداخت شده است. ضمناً کلیه سهم بانک عادی بوده و سهام ممتاز ندارد.

- **بانک پارسایان:** با استناد قانون اجازه تأسیس بانکها غیردولتی، مصوب فروردین ۱۳۷۹ و ماده ۹۸ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، مصوب نهم و چهارم هشتمین جلسه شورای پول و اعتبار به تاریخ ۷۹/۹/۲۰، در مرداد ۱۳۸۰ نسبت به انجام پذیره نویسی سهام و تشکیل مجمع مؤسس اقدام نمود.

در مورخه ۲۶ شهریور ۱۳۸۰، مجوز آغاز فعالیت را از بانک مرکزی دریافت نمود و بدین ترتیب

فعالیت بانک پارسایان از اسفند ۱۳۸۰ با افتتاح چهار شعبه آغاز گردید.

- **بانک نوین اقتصاد:** به عنوان اولین بانک خصوصی در نیمه اول ۱۳۸۰ با اخذ مجوز از بانک مرکزی با سرمایه اولیه بانک ۲۵۰ میلیارد ریال ایجاد شد. سهامداران عمده بانک دو گروه شرکت های فعال در بخش صنعت و ساختمان می باشد.

۴-۵- بانکداری الکترونیک

توسعه شگفت انگیز فن آوری اطلاعات و گسترش آن به بازارهای پول و بانکی جهان، علاوه بر تسهیل امور مشتریان بانکها، روشهای جاری بانکداری را متحول و دگرگون ساخته است. با رشد روزافزون معاملات تجارت الکترونیک در سطح جهان و نیاز تجارت به حضور بانک جهت نقل و انتقال منابع مالی، بانکداری الکترونیک به عنوان بخشی تفکیک ناپذیر از تجارت الکترونیک دارای نقش اساسی در اجرای آن دارد. به جرأت می توان گفت که، بدون بانکداری الکترونیک، تجارت الکترونیک نیز محقق نخواهد شد. سرعت توسعه صنعت انفورماتیک، باعث ایجاد تغییرات عمده ای در شکل پول و سیستم های انتقال منابع در عرصه بانکداری گردیده و مفاهیم جدیدی را به عنوان پول الکترونیک و انتقال الکترونیک آن ارائه نموده است. این مفهوم ایجاد کننده نوع جدیدی از بانکداری، تحت عنوان «بانکداری الکترونیک» می باشد. با گسترش شبکه اینترنت و قابل دسترسی بودن آن برای همگان، شیوه عرصه خدمات در بانکها متحول شده و این تحولات زمینه پدیده های مانند *Internet Banking* و... گردیده است.

بانکداری الکترونیک، به ایجاد محصولات و خدمات با بهای کم از طریق کانال های الکترونیک، اطلاق می شود. این محصولات و خدمات می توانند شامل صورت حساب، وام، مدیریت سپرده ها، پرداخت های الکترونیک و ایجاد محصولات و خدمات پرداخت های الکترونیک همان پول الکترونیک

۱-۷- مقدمه

بانک‌های مرکزی بنا به ضرورت و برای جلوگیری از پراکندگی پولی و یکسان کردن معیار سنجش، مبادله و ذخیره ارزش به وجود آمدند و در مسیر تکامل اقتصاد و بانکداری به تدریج جایگاه ویژه و متفاوتی با سایر بانکها پیدا کردند، به گونه‌ای که از اوایل قرن بیستم همه کشورها با عنایت به تفاوت بین بانک تجاری و بانک مرکزی دست به تأسیس یک بانک مرکزی مستقل زدند و با یکی از بانکهای تجاری خود را عهده دار بانکداری مرکزی کشور کردند.

وظایف بانک مرکزی با تحولات اقتصادی و پیچیده شدن مسائل پولی (داخلی و بین‌المللی) دگرگون شد و به تدریج تکامل یافت، به گونه‌ای که نشر انحصاری اسکناس، کارگزاری مالی دولت و حفظ ذخایر بانکهای کشور، به صورت وظایف فرعی درآمد و جای خود را به وظایفی نظیر کنترل رشد عرضه پول و حفظ تعادل داخلی و خارجی پول یا به عبارت دیگر کنترل تورم و حفظ ثبات قیمتها در جهت رشد اقتصادی با ثبات و بلندمدت کشور داد. به این ترتیب بانک مرکزی نقش تعیین کننده‌ای در اقتصاد کشورها به عهده گرفت.

بر اساس برخی نظریه‌ها، قدمت بانکداری مرکزی به نیمه دوم سده هفدهم بازمی‌گردد، اما معنی و مفهوم و همچنین نقش آن در طول قرن‌های گذشته و به ویژه در قرن بیستم تحول و تکامل پیدا کرده است، پیش از قرن بیستم، مفهوم روشنی از بانک مرکزی وجود نداشت. در برخی از کشورها، یک بانک بدون آنکه بانک مرکزی به آن اطلاق شود، وظیفه بانکداری مرکزی را انجام می‌داد. برخی از کارشناسان نخستین بانک مرکزی را، ریکس بانک سوئد (Riks Bank Sweden) می‌دانند. این بانک در سال ۱۶۵۶ میلادی با سرمایه خصوصی به وجود آمد و در سال ۱۶۶۸ به عنوان بانک دولتی و ملی سوئد شناخته شد و رفته رفته به صورت یک بانکداری مرکزی درآمد. بانک انگلیس (Bank of England) نیز که در سال ۱۶۹۴ به صورت یک شرکت سهامی نامحدود تأسیس شده

بانک مرکزی

مرکزی از اوایل قرن بیستم برای تمامی کشورها احساس شد و بسیاری از کشورها در نیمه نخست همین قرن مبادرت به تأسیس بانک مرکزی کردند. همچنین در کشورهایی که قبلاً بانک مرکزی ایجاد شده بود تجدیدنظری صورت گرفت که منجر به تکامل بانکداری مرکزی شد. البته بعضی از کشورها، مشترکاً دارای یک بانک مرکزی هستند مانند کشورهای آفریقایی نیجر، سنگال، توگو، بوركینافاسو، بنین و آبوری کاست.^۱

تأسیس بانک مرکزی در بیشتر کشورها از اوایل قرن بیستم، به ویژه پس از کنفرانس مالی بین‌المللی بروکسل در سال ۱۹۲۰ و توصیه کنفرانس مبنی بر ایجاد بانک مرکزی در کلیه کشورهایی که چنین سازمانی وجود ندارد، شروع شد. توصیه این کنفرانس بیشتر به منظور برقراری ثبات پولی کشورها و استقرار مجدد نظم در همکاریهای بین‌المللی به ویژه از جنبه مالی و پولی بود.^۲

نیروی محرکه و دلیل اصلی ایجاد و گسترش بانکداری مرکزی از دو هدف نشأت گرفته است:

۱- در رویارویی با فشارهای ناشی از تأمین نیازهای مالی مرتب بر جنگ‌ها، دولت‌ها دریافته‌اند که می‌توانند در برابر حمایت از یک بانک ویژه، منافع و کمکهای مالی چشمگیری را از آن بانک در مواقع ضروری کسب کنند.

۲- هدف دیگر از تشکیل بانکهای مرکزی اولیه، همسان‌سازی نشر اسکناس، اداره و نگهداری ذخایر فلزی کشور و بهبود نظام پرداختها بود که این موارد بیشتر در ایتالیا، سوئیس و آلمان عملی بود. زیرا در این کشورها نشر اسکناس به صورت منطقی صورت می‌گرفت.

این دو عامل در نیمه اول قرن نوزدهم، نقش اصلی و اساسی را در فرایند تشکیل و تکامل بانکهای

مرکزی ایفا می‌کرد و تا اوایل قرن بیستم نیز، محور بیشتر تجزیه و تحلیل‌های مربوط به نظام بانکداری

بود در زمره قدیمی‌ترین بانکهای مرکزی به شمار می‌رود. در ابتدا بسیاری از بانکهای دیگر نیز در انگلستان به نشر اسکناس می‌پرداختند، اما به تدریج که پول‌های منتشره بانک انگلیس از اعتبار بیشتری برخوردار شد، بانکهای دیگر شروع به توزیع ذخایر طلائی خود در این بانک کردند. در سال ۱۸۴۴ امتیاز انحصار واقعی صدور اسکناس به این بانک اعطا گردید. بانک انگلیسی در برابر کسب اجازه انتشار اسکناس، استقراض دولت را تأمین می‌کرده، به تدریج ذخایر انگلستان به این بانک سپرده شد و در نیمه دوم قرن ۱۹ به صورت بانک تنظیم‌کننده اعتبارات و آخرین وام‌دهنده درآمد. بانک انگلستان در سال ۱۹۴۶ ملی شد و سرمایه آن را دولت خریداری کرد.^۱

بانک فرانسه یا بانک فرانس (Bank of France) در سال ۱۸۰۰ میلادی تأسیس شد و به تدریج به صورت بانک عامل دولت و ناشر اسکناس و همچنین نگه‌دارنده ذخایر و آخرین اعطا‌کننده وام درآمد. این بانک که قدیمی‌ترین بانک مرکزی در اروپاست، در سال ۱۹۴۵ ملی شد.^۲

در ایالات متحده آمریکا نیز در سال ۱۹۱۳ مطابق قانون، نظام فدرال رزرو (Federal reserve system) ایجاد شد و مسئولیت اداره امور پولی را به عهده گرفت. وظایف این تشکیلات از طریق هیأت مدیره، کمیته فدرال بازار باز، شورای فدرال مشورتی و بانک فدرال رزرو به اجرا درمی‌آید. بانک فدرال رزرو ۱۲ شعبه دارد که در ایالات گوناگون آن سرزمین پراکنده است.^۳

در قرن نوزدهم بانک‌های زیادی تأسیس شدند که به تدریج انتشار اسکناس را در انحصار خود قرار دادند و وظایفی متفاوت از سایر بانکها را به اجرا درآوردند. با این وجود ضرورت ایجاد بانک

۱- منوچهر فرهنگ، فرهنگ علوم اقتصادی، چاپ پنجم، سال ۱۳۶۶ ص ۸۳
 ۲- منوچهر فرهنگ، فرهنگ علوم اقتصادی، چاپ پنجم، سال ۱۳۶۶ ص ۸۳ و سید محمد حسین علایی، درآمدی بر بحث استقلال بانک مرکزی، گزارش اولین سمینار سیاستهای پولی و ارزی اسفند ۱۳۶۹ ص ۲۰.
 ۳- حسن گلرئیز فرهنگ توسیعی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، چاپ اول، پاییز ۱۳۶۸، مصص ۱۹۶-۱۹۵.

۱- مجتبی زمانی فراهانی، پول، ارز و بانکداری، چاپ هفتم، نشر ترمه، ۱۳۶۹، ص ۲۰۹.

۲- عباس صفقی، اصول بانکداری، چاپ ششم، انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی - دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۵، ص ۲۰۸.

مرکزی، منافع انحصار نشر اسکناس توسط بانک مرکزی بود.^۱

۷-۲- بانک مرکزی در ایران

مؤسسه مستقل بانک مرکزی ایران طبق ماده ۲۸ قانون بانکی و پولی کشور مصوب خردادماه ۱۳۳۹، که به منظور حفظ ارزش پول و تنظیم اعتبارات تشکیل گردیده بوده، از مردادماه همان سال رسماً شروع به کار کرد و با شروع فعالیت آن، کلیه وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات ویژه بانکداری مرکزی از بانک ملی منتزع شد و به بانک مرکزی واگذار گردید.

با وجود اینکه بانک ملی ایران امتیاز نشر اسکناس را داشت، قادر نبود، نقش مؤثر یک سازمان پر مسئولیت پولی را در خشتی کردن آثار پرنسب و فزای اقتصادی ایفاء کند و از مقدوراتی که یک نظام صحیح پول و بانکی در اختیار مؤسسه‌ای مستقل مرکزی بگذارد، بهره‌برداری کند. تا سال ۱۳۳۹ اختیارات و وظایف مسئولیت پولی در اختیارات دو سازمان مجزا از هم، یعنی بانک ملی ایران و هیئت نظارت بانکها بود. به عقیده پیش‌قدمان فکر ایجاد بانک مرکزی، بانک ملی ایران نمی‌توانست هم حکم‌کننده قوانین و احکام پولی و بانکی باشد و هم رقیب دیگر بانک‌های کشور، یعنی هم به عملیات بانکی عادی بپردازد و هم راهنما و مراقب سایر بانکها باشد. لذا اعطای این اختیارات به مؤسسه مستقل کمال مطلوب بود.^۲

۷-۳- وظایف بانک مرکزی^۳

۱- بانک فاشر اسکناس:

بانک مرکزی در تمام کشورهای جهان انحصار انتشار اسکناس را در اختیار دارد و هیچ بانک دیگری به حکم قانون، اجازه چاپ اسکناس را ندارد. طبق ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور، بانک

مرکزی ایران نیز به عنوان تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری کشور، انحصار انتشار اسکناس و سکه‌های فلزی رایج کشور را در اختیار دارد.

عمده‌ترین دلایل برای انحصاری بودن انتشار اسکناس توسط بانک مرکزی عبارتند از:

الف- از آنجائی که خلق پول اعتباری به وسیله بانک‌های تجاری افزایش یافته و با توجه به نیاز به کنترل بانک مرکزی بر حجم اعتبارات، ملاحظه می‌شود که انحصار انتشار اسکناس، بانک مرکزی را در ایفاء نقش آن مبنی کنترل گسترش اعتبارات توسط بانکهای تجاری مؤثرتر می‌نماید.

ب- وقتی که اسکناس توسط بانک مرکزی چاپ و منتشر می‌شود، از خاصیت و شکلهای یکنواختی برخوردار است.

ج- اگر امتیاز نشر اسکناس منحصر به بانک مرکزی اعطا گردد، برای دولت کنترل و نظارت بر کارهای غیرقانونی و قانون‌شکنی در رابطه با انتشار اسکناس آسانتر می‌باشد.

۲- بانک مرکزی، بانکدار، نماینده و مشاور مالی دولت:

بانک مرکزی به عنوان بانک دولت حسابهای بانکی دولت را نگهداری می‌نماید، البته در برخی از کشورها بانک مرکزی نه تنها حسابهای بانکی دولت، بلکه شهردارها، شرکتهای و مؤسسه وابسته به دولت را هم نگهداری می‌کند. بانک مرکزی به صورت بانکدار دولت همان وظایف و عملیات بانکی را برای دولت و شهردارها و مؤسسه‌های وابسته به دولت انجام می‌دهد که یک بانک تجاری برای مشتریان خویش انجام می‌دهد. در این خصوص بانک مرکزی برای سازمان‌های دولتی طبق مقررات حساب بانکی افتتاح می‌نماید. سپرده‌های نقدی سازمانهای دولتی را به بستانکار حسابهای آنها منظور می‌نماید، نسبت به پرداخت چک سازمانهای دولتی اقدام می‌نماید، نسبت به وصول مطالبات سازمانها از سایر بانکها اقدام می‌کند، حقوق و دستمزد مستخدمین سازمانهای دولتی را می‌پردازد، نسبت به انتقال وجوه سازمانهای دولتی از یک حساب به حساب دیگر یا از یک ناحیه به ناحیه دیگر اقدام

۱- سوتینبرین کاستکو برانکوو مارکو وراتاپیرامون استقلال بانک مرکزی، ترجمه مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ اول سال ۱۳۳۲، صص ۹۱ و ۹۲.
۲- باقر قدری اصلی، پول و بانک، چاپ اول انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۳۶، صص ۳۸۰-۳۸۱.
۳- به ضمیمه همین فصل مراجعه شود.

۳- کنترل اعتبارات و تنظیم حجم پول:

امروزه کنترل اعتبارات مهم ترین وظایف بانکهای مرکزی بوده و در برگیرنده مهمترین نظریات سیاست بانک مرکزی می باشد. در حقیقت از طریق چنین وظیفه‌ای است که دیگر وظایف بانک مرکزی عملی شده و هدف معینی تحقق می‌یابد. در رابطه با اهمیت این وظیفه بانک مرکزی، همین بس که در قانون همه بانکهای مرکزی می‌توان آن را یافت. به عنوان مثال در بند «ب» از ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور در رابطه با وظایف و اختیارات بانک مرکزی چنین آمده است: «نظارت بر بانکها و مؤسسات اعتباری طبق مقررات این قانون» و در بند ۱۳ از ماده ۱۴ در رابطه با حسن اجرای نظام پولی کشور توسط بانک مرکزی آمده است: «تعیین حداکثر مجموع وامها و اعتبارات بانکها به طور کلی و یا در هر یک از رشته‌های مختلف»، در هر حال نیاز به کنترل اعتبارات روشن است. زیرا نوسانات در حجم اعتبارات که باعث نوسانات وسیع در ارزش پول می‌گردد، نابسامانی‌های بزرگی را از نظر اجتماعی و اقتصادی در کشور در پی دارد. بانک مرکزی این وظیفه خود را به صورت زیر انجام می‌دهد:

الف - کنترل چاپ پول: میزان پول در گردش در بسیاری از کشورها توسط بانک مرکزی تعیین می‌گردد. بانک قدرت زیادی برای کنترل پول در زمان کاهش عرضه نسبت به تقاضا، از طریق افزایش عرضه آن دارد تا عرضه با تقاضای پول مطابقت یابد.

ب - تنظیم فعالیتهای بانکهای تجاری از طریق تغییر در نرخ ذخیره قانونی: بانک مرکزی براساس احتیاجات اقتصاد کشور بانک تجاری را ملزم می‌نماید تا ذخایر نقدی مناسب با تقاضای طبیعی نگهداری نماید. افزایش در ذخیره قانونی بانکهای تجاری را مجبور به کاهش اعتبارات می‌سازد.

ج - عملیات بازار باز: این سیاست نیز از مهم ترین ابزار کنترلی عرضه پول به ویژه در کشورهای توسعه یافته محسوب می‌گردد. بانک مرکزی قادر است از طریق خرید و فروش اوراق بهادار دولتی و

می‌نماید و بالاخره سایر عملیات بانکی مربوط به سازمانهای دولتی.

معمولاً کنترل حسابهای دولتی با خزانه‌داری می‌باشد از این رو بانک مرکزی پس از اخذ مجوز از خزانه‌داری نسبت به افتتاح یا بستن حسابهای بانکی سازمانهای دولتی و مؤسسه‌های وابسته به دولت اقدام می‌نماید.

بدیهی است انجام امور بانکی سازمانهای دولتی و مؤسسه‌های وابسته به دولت آنها با حجم عظیمی که دارد، هزینه گزافی را به بانک مرکزی تحمیل می‌نماید، اینکه آیا بانک مرکزی در ازای انجام خدمات بانکی برای دولت، کارمزدی به‌طور ثابت سالیانه با توجه به انجام عملیات، از دولت دریافت می‌دارد یا بانک مرکزی خدمات بانکی را به رایگان برای دولت انجام می‌دهد، بستگی به موافقتی دارد که بین مقامات پولی و مالی کشور برقرار است.

اقدام بانک مرکزی به عنوان بانکدار دولت نه تنها به واسطه آن است که از لحاظ اقتصادی این عمل بانک مرکزی به صرف دولت است، بلکه از آن لحاظ هم هست که بین امور مالی دولت و امور پولی رابطه نزدیکی وجود دارد. در اکثر کشورها دولت بزرگ‌ترین برداشت‌کننده درآمد ملی کشور و در ضمن بزرگ‌ترین قرض‌کننده نیز هست. بدین لحاظ مالیه دولت اثر اقتصادی مهمی در زندگی مردم دارا می‌باشد. از طرف دیگر بانک مرکزی مسئول کنترل اعتبارات و تنظیم حجم پول کشور به نحوی که منافع جامعه را تأمین نماید، می‌باشد. در بیشتر مواقع فعالیتهای مالی دولت اثر مخربی بر شرایط بازار پول، نرخ ارز و سیاست اعتباری بانک مرکزی می‌گذارد. لذا تمرکز عملیات بانکی دولت در بانک مرکزی حداقل این فرصت خوب را به بانک مرکزی می‌دهد که در خصوص موقعیت عمومی مالی دولت پیشنهادهای مناسبی به دولت بدهد. از دیگر خدمات بانکی که بانک مرکزی برای دولت انجام می‌دهد در خصوص ارز می‌باشد در این زمینه بانک مرکزی برای استقراض از بازارهای پولی خارج از کشور و انجام عملیات بانکی مربوط اقدام می‌نماید.

خدمات بانکی به سهولت به عموم مردم قابل ارائه می‌باشد. بنابراین دیگر نیازی به ارائه خدمات بانکی مشابه از طرف بانک مرکزی احساس نمی‌شود.

ب- بانک مرکزی مسئول رهبری و هدایت سیستم پولی و بانکی کشور می‌باشد. این مسئولیت ایجاب می‌کند که این بانک عملیاتی را که سایر بانکها می‌توانند برای مردم ارائه دهند، انجام ندهد. زیرا در غیر این صورت بین بانکها و بانک مرکزی برای جلب مشتری رقابت به وجود می‌آید و در نتیجه بانک مرکزی نمی‌تواند مسئولیت خویش را به درستی انجام دهد.

ج- چنانچه بانک مرکزی مثل یک بانک تجاری عمل نماید، دیگر بانک مرکزی قادر نخواهد بود به عنوان بانکدار بانکها، وام دهنده نهایی و بالاخره کنترل کننده اعتبارات بانک عمل نماید.

ح- لازم است بانک مرکزی برای انجام رسالت خویش، نه تنها روابط حسنه‌ای با بانکها بلکه با سایر مؤسسه‌های مالی هم بایستی داشته باشد و در واقع بانک مرکزی می‌باید، بانکها و موسسه‌های مالی را متقاعد سازد که منافع عمومی مردم باید بر منافع عده‌ای سهامدار ترجیح داده شود. به عبارتی منافع بانکها و مؤسسه‌های مالی ایجاب می‌کند که برای ایجاد و حفظ روابط حسنه با بانک مرکزی تلاش نمایند، زیرا این همکاری برای حفظ ثبات پولی کشور لازم است. بدهی است چنانچه بانکهای تجاری، بانک مرکزی را رقیب خود بدانند یا بانک مرکزی را مانع تحصیل منافع خویش تصور نمایند از همکاری امتناع خواهد ورزید.

۵- متولی و حافظ ذخایر بانکهای تجاری و تخصصی

نگهداری بخشی از موجودی نقدی بانکها توسط بانک مرکزی که در ابتدا داوطلبانه صورت می‌گرفت بعداً جنبه اجباری و قانونی پیدا کرد. به عبارت دیگر، طبق قانون، بانکهای مرکزی، بانکهای تجاری را مجبور کردند تا بخشی از سپرده مردم را تحت عنوان سپرده قانونی به بانک مرکزی تحویل دهند. بدهی است تمرکز بخشی از وجوه بانکها نزد بانک مرکزی به این بانک قدرت می‌دهد تا از این

حتی غیردولتی و نیز براتهای ارزی، میزان پول در گردش را تحت کنترل درآورده و آن را افزایش و یا کاهش دهد.

د- بانک مرکزی می‌تواند دستورات مستقیم به بانکهای تجاری و سایر نگاهماهای مالی داده و حجم پول و اعتبار جاری را کنترل نماید.

۴- وام‌دهنده نهایی:

وظیفه و عمل بانک مرکزی به عنوان وام‌دهنده نهایی از وظیفه مهم دیگر بانک یعنی از وظیفه انتشار اسکناس سرچشمه می‌گیرد. بدین ترتیب هر بانکی که از امتیاز نشر اسکناس برخوردار باشد می‌تواند وظیفه وام دهنده نهایی را انجام دهد. بدهی است در شرایطی که بانک ناشر اسکناس مجبور باشد صد در صد ارزش اسکناس منتشره، طلا یا ارزهای قابل تبدیل به طلا نگه دارد، اقدام این بانک به عنوان وام دهنده نهایی از محل نشر اسکناس با محدودیت همراه خواهد شد.

بانک مرکزی در خصوص اقدام به عنوان وام دهنده نهایی باید به صورتی عمل نماید که برای بانکهای تجاری این توهم پیدا نشود که بانک مرکزی تحت هر شرایطی موظف به تأمین نیاز اعتباری بانکهای تجاری است. زیرا هدف نهایی بانک مرکزی از کنترل سیستم پولی و بانکی کشور تأمین و حفظ منافع عموم مردم است و در مواقعی که جامعه در شرایط تورمی قرار دارد لاجرم اقدام بانک مرکزی به عنوان وام دهنده نهایی باید با جزم و احتیاط لازم همراه باشد.

به هر حال بانکهای مرکزی قدیمی تر بطور سنتی و بانکهای مرکزی جدید طبق قانون پولی و بانکی به عنوان بانکدار دولت و بانک بانکها عمل می‌نمایند و از معامله و داد و ستد با اشخاص خصوصی امتناع می‌نمایند. به دلایل ذیل امروزه بانک مرکزی عملیات بانکی خویش را به دولت و بانکها محدود و منحصراً نموده‌اند:

الف- امروزه در کلیه کشورها شبکه بانکی از توسعه و گسترش لازم برخوردار می‌باشد و از نیرو

اولاً: بانک مرکزی به جای آنکه برای منافع افراد خاص تأسیس گردد، برای منافع عموم تأسیس می‌شود و بر خلاف بانکهای تجاری، فعالیت آنها انگیزه‌های منفعت طلبانه ندارد.

ثانیاً: بانک مرکزی رابطه خاصی با دولت یک کشور دارد، زیرا بانک مرکزی به عنوان بانکدار دولت و به طور غیرمستقیم بر فعالیتهای دولت اثر می‌گذارد.

ثالثاً: بانک مرکزی به طور مستقیم با مردم سر و کار ندارد، بلکه به طور غیرمستقیم و آن‌هم از طریق بانکهای تجاری و بازار پول با مردم ارتباط برقرار می‌کند.

رابعاً: بانک مرکزی مثل بانکهای تجاری، سپرده‌های مردم را قبول نمی‌کند.

۷-۴- استقلال یا عدم استقلال بانک مرکزی

از مسایل بسیار بحث‌برانگیز بعد از جنگ جهانی دوم، رابطه بانک مرکزی با دولت است. گروهی با تأثیرپذیری از جریانات مارک آلمان بعد از جنگ جهانی اول و نظیر آن، بر این عقیده‌اند که چون دولت مصرف کننده پول است، نباید ایجادکننده آن نیز باشد و یک بانک مرکزی وابسته به دولت با ایفای خاصی شبیه بازوی فنی خزانه‌داری، در واقع به دولت اجازه می‌دهد که پول موردنیاز خود را تولید کند و این امر با تأثیر بر درآمدهای پولی معمولاً به تورم‌های شدید می‌انجامد.

همچنین این امر با برخوردار کردن دولت از دسترسی به یک منبع آسان (اعتبارات بانک مرکزی) مانع از ایجاد منابع مشکل‌تر ولی سالم‌تر از قبیل مالیات بر درآمد می‌گردد. اما هزینه واقعی این اقدام دولت از طریق قیمت‌های تورمی، به مصرف کنندگان به‌طور عام و بدون اینکه ارتباط شخصی با درآمد آنها داشته باشد تعلق می‌گیرد و بنابراین بر خلاف مالیات بر درآمد، سنگینی آن متوجه طبقات با درآمد ثابت خواهد شد. به عبارتی دیگر نشر بی‌رویه اسکناس و افزایش نقدینگی که نتیجه وابستگی بانک مرکزی به دولت است، مالیاتی است که طبقات درآمد ثابت‌می‌پردازند. در نتیجه دستگاه ایجادکننده و مصرف کننده پول را باید از یکدیگر جدا کرد و این امر بدون استقلال بانک مرکزی امکان‌پذیر نیست.

قدرت در جهت حفظ و حمایت منافع عموم مردم استفاده نمایند. زیرا در مواقعی که بانکها دچار ورشکستگی می‌شوند، وجوه سپرده قانونی موجب می‌گردد تا کل سپرده مردم از بین نرود. هر چند در ابتدا، بانک مرکزی از سپرده قانونی به عنوان وسیله کنترل اعتبارات بانکها استفاده می‌برد.

بانک مرکزی با تنزیل اسناد بانکهای تجاری، امکان پرداخت اعتباراتی که براساس این ذخایر می‌باشد را فراهم می‌سازند. قبول مسئولیت وام دهنده نهایی به تدریج و بر اثر تنزیل مجدد اسناد بانکهای تجاری جزء وظایف بانکهای مرکزی قرار گرفت، در ابتدا این امر بیشتر جنبه موقت داشت و معمولاً به ایجاد اعتبار برای بانکها از این طریق در شرایط غیرعادی و موارد اضطراری محدود می‌گردید. لیکن با آشکار شدن اهمیت آن، چه از نظر بانکها و چه از نظر سیستم اعتباری کشور، این امر نه تنها جزء وظایف دائمی بانکهای مرکزی گردید، بلکه به‌عنوان یکی از وسایل بسیار مهم کنترل اعتبار در دست بانکهای مرکزی درآمد.

۶- حفظ و مدیریت ذخایر ارزی:

این وظیفه بانک مرکزی، از وظیفه بانک به عنوان ناشر اسکناس و متولی ذخایر بانکها، ناشی می‌شود. هدف اصلی که در پشت واگذاری حفاظت از ذخایر خارجی ملی به بانک مرکزی وجود دارد، برخورد و مواجه شدن با عدم تعادل در تراز پرداختهای خارجی در هر لحظه از زمان و نگهداری و حفظ ثبات نرخ ارز است. برای این منظور لازم است که با توجه به قانون، در مقابل اسکناسها و تعهدات سپرده‌های که بانک مرکزی دارد، یک حداقل طلا و ارزهای خارجی نگهداری شود، که این مقدار ذخایر خارجی نمی‌تواند برای ایجاد تعادل در تراز پرداختهای بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد. به تعبیر دیگر، با این ذخایر نمی‌توان اقدام به پرداختهای خارجی نمود.

با توجه به موارد ذکر شده، وظایف بانک مرکزی با وظایفی که برعهده بانکهای تجاری است کاملاً متفاوت می‌باشد:

منافع بلندمدت اقتصادی کشور با منافع کوتاه مدت اقتصادی و پرستیژ سیاسی کوتاه مدت یک دولت به شمار آورد.

دی کک، یکی از متخصصین بانکداری مرکزی عقیده دارد که اهمیت بانک مرکزی به این است که وظایف و هدف‌هایش در جهت رفاه مادی کل جامعه باشد و اگر چه نظارت عالی دولت بر بانک مرکزی لازم است اما باید به گونه‌ای باشد که بانک را در برابر خواسته‌های دولت - که در بسیاری اوقات نسبت به مسائل پولی نظریات خاص سیاسی دارند و در بلندمدت یا حتی در کوتاه‌مدت برای اقتصاد کشور سخت زیانبار است - وادار به تسلیم نکند. او استدلال می‌کند که قطعاً به نفع دولت است اگر که بگذارند بانک مرکزی قضاوت و نظر خود را به طور مستقل و به دور از هر گونه رنگ سیاسی ارائه کند.^۱

در مورد وجود یک ضابطه کلی حاکم بر روابط دولت و بانک مرکزی عقاید و نظریه‌های مختلفی ابراز شده است که،

۱- عده‌ای بین نیروی مصرف کننده پول (دولت) و نیروی ایجاد کننده آن (بانک مرکزی) اعتقاد به جدایی آشتی ناپذیر هستند و می‌گویند دولت باید از دسترسی سریع و فوری به پول دور بماند و بانک مرکزی با اقتدار تمام از زیاده‌روی‌های اجتناب‌ناپذیر و تقریباً همیشگی دولت جلوگیری کند.

۲- گروهی بر این عقیده‌اند که بانک مرکزی جزئی از خزانه‌داری دولت است و مسئولیت نهایی اتخاذ سیاستهای اقتصادی را دولت و خزانه‌داری بر عهده دارند، زیرا افرادی که دولت را انتخاب کرده‌اند، او را نیز مسئول تمامی سیاستهای اقتصادی کشور می‌دانند که سیاستهای پولی جزئی از آن است.

۳- بین این دو نظریه، نظریه دیگری وجود دارد که بر اساس آن بانک مرکزی باید آن قدر استقلال داشته و آن چنان از آزادی عمل برخوردار باشد که از تأثیرات سیاست در امان بماند. به عبارت دیگر

استقلال بانک مرکزی از بعد اقتصادی و سیاسی بیشتر در چگونگی روابط دولت با بانک مرکزی تعریف شده است. تعهدات قانونی بانک مرکزی، در برابر دولت طبق مقررات، چگونگی انتصاب رئیس کل بانک مرکزی، تعداد نمایندگان دولت و شورای سیاست‌گذاری و شیوه تصمیم‌گیری، مالکیت بانک مرکزی، مقاومت بانک در برابر درخواست دولت برای تأمین کسر بودجه و شرایط آن، مسئولیت‌پذیری بانک مرکزی در برابر مردم یا مجلس، قانون‌گذاری و ارتباط بانک با مردم و آشکار ساختن اطلاعات بانک، همه از جمله وجوه مختلف استقلال شناخته می‌شوند.

به نظر دکتر سید محمدحسین عادل^۱ «اساس استقلال بانک مرکزی به شرایط سیاسی داخلی و همچنین درجه توسعه و رشد اقتصادی کشور بستگی دارد و هیچ الگوی مشخص و واحدی نمی‌تواند برای رابطه بین دولت و بانک مرکزی معین نمود. بانک مرکزی قدرت خلق پول دارد از جمله اهرمهای قدرت هر حکومت خلق پول و نشر اسکناس است»^۱

باید سوال کرد که آیا این اهرم باید در خدمت سیاست دولت‌ها قرار گیرد و یا در خدمت اهداف بلندمدت اقتصادی و رفاه اقتصادی کل کشور.

بانک مرکزی وقتی مستقل به‌شمار می‌آید، که بتواند وظایف خود را مستقل از هر گونه فشار سیاسی و یا روابط ویژه دولت، بر اساس ضوابط و قوانین اقتصادی و نه سیاسی، انجام دهد. وقتی دولتی به دلایل مختلف از جمله مدیریت اقتصادی نامناسب دچار بحرانهای متوالی مالی و کسر بودجه‌های فزاینده گردد نیاز به پول پیدا کرده و تمایل پیدا می‌کند که بانک مرکزی را تحت فشار قرار دهد که به خلق پول و انتشار اسکناس بیش از حد مجاز دست بزند و به این ترتیب مشکل خود را در کوتاه مدت و به صورت ظاهر التیام دهد، اما این کار بانک مرکزی به ضرر منافع بلندمدت اقتصادی کشور می‌انجامد، زیرا آثار آن در دوره بعدی یا دولت بعدی ظاهر خواهد شد. این کار را می‌توان معامله

۱- سیدمحمدحسین عادل، درآمدی بر استقلال بانک مرکزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۰ ص ۱۹

۱- محسن لاجی، بازیگری مسئولیت‌ها و اختیارات بانک مرکزی، مجله بانک و اقتصاد شماره ۲۰، ص ۱۴

می‌باشد. لذا مشاهده می‌شود که بانکهای مرکزی بریتانیا و فرانسه مستقل نیستند.

در میان دو محدوده‌ای که ذکر شد، بانک مرکزی آمریکا قرار می‌گیرد. بانک مذکور نه تنها در تعیین سیاستهای پولی بلکه در اجرای آن نیز از استقلال صریحی برخوردار است، لیکن موظف است دوبار در سال به پارلمان گزارشی از عملکرد خویش را ارائه دهد.

بجز کشور شیلی در برخی از کشورهای در حال توسعه نیز استقلال بانکهای مرکزی در سالهای اخیر (با تجدیدنظر در قوانین پولی و بانکی) افزایش یافته است. در کشور برزیل وظیفه اصلی تصمیم‌گیری و اجرای سیاست پول به عهده بانک مرکزی است. در کره جنوبی، به موجب ماده ۳ قانون جدید که از سال ۱۹۹۸ به مرحله اجرا گذارده شده است، استقلال بانک مرکزی در اتخاذ اجرای سیاستهای پولی و اعتباری (بدون تأثیر پذیرفتن از هیچ قدرتی) تضمین گردیده است و تأکید همراهی بانک مرکزی با مکانیزم بازار و همچنین شفاف بودن عملکرد بانک مرکزی مواد ۴ و ۵ این قانون را تشکیل می‌دهد.^۱

بررسی قانون پولی و بانکی کشورها نمایانگر آن است که بانکهای مرکزی مستقل، اهداف محدودتری را دنبال نموده و سیاست‌های پولی مستقل را جدا از سیاست‌های مالی و ارزی اتخاذ می‌نمایند. به عبارت دیگر یکی از معیارهای مستقل بودن بانک‌های مرکزی دامنه اهداف آن می‌باشد. بانکهای مرکزی که از استقلال اندکی در سیاستهای پولی برخوردارند، اهداف گسترده‌ای را دنبال می‌کنند. در مقابل بانکهایی که استقلال بالایی دارند آن گروه از اهداف قانونی را مدنظر قرار می‌دهند که محدوده کوچکتری را شامل گردیده و یک هدف، برای مثال تثبیت ارزش داخلی یا خارجی پول را در برمی‌گیرد.

در میان کشورهای در حال توسعه کشور برزیل که دارای بانک مرکزی مستقل می‌باشد، فقط

ساختار پولی کشور چنان طراحی شود که دولت گاه و بیگاه پای در حریم بانک مرکزی نگذارد و با رعایت این حریم انتظار اجرا و اعمال سیاستهای «یکپارچه شده» را از جانب بانک مرکزی نداشته باشد. به توجه به این که انتشار پول رایج کشور و کنترل اعتبارات به نفع جامعه به طور کلی به بانک مرکزی تفویض شده است، لذا به مصلحت کشور است که دولت تا حدودی بر امور بانکهای مرکزی نظارت داشته باشد و همچنین نظارتی از طریق مالکیت تمامی یا قسمتی از سرمایه این بانکها یا تعیین یک یا چند تن از مدیران آن صورت می‌گیرد.^۱

بانک مرکزی برای اداره اعتبارات کشور و به عنوان مشاور امور مالی دولت، باید علی‌القاعده از استقلال برخوردار باشد ولی به هر حال نمی‌تواند در صورت اصرار دولت متکی بر حمایت افکار عمومی، خود را با سیاست دولت تطبیق ندهد.

در برخی از کشورهای پیشرفته علی‌رغم اینکه این استقلال در سطح بالا می‌باشد، لیکن ایجاد هماهنگی با سیاست‌های مالی دولت نیز باید مدنظر مقامات پولی کشور قرار گیرد. در آلمان، بانک مرکزی از مسئولیت قانونی در اجرای سیاست پولی برخوردار است ولی این امر در کنار حمایت از سیاست اقتصادی دولت صورت می‌گیرد. بانک مرکزی سوئیس نیز در تعیین سیاست پولی، مستقل از مقامات سیاسی کشور عمل می‌نماید، لیکن بانک مرکزی و دولت موظفند قبل از اجرای سیاستها با یکدیگر مشورت نمایند.

در یک سری از کشورهای پیشرفته، بعد دیگری از ارتباط وجود دارد. در فرانسه، وزارت اقتصاد، در زمینه سیاستهای پولی تصمیم‌گیری می‌کند. در بریتانیا، خزانه‌داری دارای حد قانونی برای صدور دستورات رسمی به بانک مرکزی می‌باشد (هرچند ممکن است از این حق استفاده ننماید). در حقیقت این خزانه‌داری است که سیاست پول را در کنترل خود دارد و بانک مرکزی فقط مجری این سیاستها

۱- محسن لاجبی، بازیابی مسئولیتها و اختیارات بانک مرکزی، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۲۰، ص ۲۶

۱- سید علی اسفند هاشمی، نقش استقلال بانک مرکزی، گزارش اولین سمینار سیاستهای پولی و ارزی، سال ۱۳۶۹، صص ۵۱-۵۰

پولی تلقی شده و مسئولیت سیاستهای مهم پولی نیز برعهده دولت انگلستان است.^۱

هرچند که استقلال بانک مرکزی شرط لازم و با کفایت برای ثبات اقتصادی نیست، با این وجود مطالعات نظری و عملی نشان می‌دهد در صورت ثابت بودن سایر شرایط، استقلال بانکهای مرکزی، با نرخهای تورم پایین همراه بوده است. استقلال بانک مرکزی با وجود منافع بسیار، هزینه‌ای دربر ندارد. استقلال بانک مرکزی به این مفهوم نیست که این بانک نباید در مقابل دولت جوابگو باشد. اگر بانک مرکزی سیاستهایی را اعمال کند که مدتها فاقد پشتیبانی سیاسی دولت باشد فعالیت آن سرانجام متوقف خواهد شد.

درآمدهای ارزی دولت، باعث عدم تفکیک کامل حرکتهای پولی و مالی در عمل می‌شود، ورود دارایی خارجی برای فعالیت‌های دولت، ناگزیر منجر به افزایش حجم پول ملی می‌شود. بنابراین بانک مرکزی باید برای کنترل پایه پولی، تصمیم‌گیریهایی مربوط به مدیریت ارزی و مدیریت پول ملی را در هم ادغام کند. از این رو، بانک مرکزی نمی‌تواند با استقلال کامل عمل کند و تنها می‌تواند آثار نفوذ دولت در شبکه پولی را در پاره‌ای موارد کاهش دهد.

در کشورهایی که بازارهای مالی کامل و گسترده وجود ندارد، تنها وسیله‌ای که دولت می‌تواند از آن به شکل مؤثر برای تأمین منابع از داخل استفاده کند، دریافت وام مستقیم از شبکه بانکی و به ویژه از بانک مرکزی است که به عنوان بانکدار دولت عمل می‌کند. در مواردی که بانک مرکزی ناگزیر می‌شود بجای دولت برخی از عملیات مالی و بودجه و یا فعالیتهایی که تأثیر مشابه سیاست مالی دارند، انجام دهد، عملیات شبه بودجه‌ای (Quasi-Fiscal operations) صورت می‌گیرد در این حالت کسر بودجه به مراتب کمتر از رقم واقعی آن به نظر می‌رسد و دولت امکان می‌یابد از طریق تحمیل بار بدهی‌های خود بر دوش مقامهای پولی، وضع مالی را مقبول‌تر نشان دهد.

۱- فریده مؤیدی موفق، استقلال بانکهای مرکزی، تازه‌های اقتصاد، شماره ۲۷، ۱۳۸۱، ص ۳۳

هدف کنترل نقدینگی را به کمک ابزارهای سیاست پولی دنبال می‌نماید. در کشور چین، قانون بانک خلق چین (بانک مرکزی) که از سال ۱۹۹۵ اجرا شده، هدف اصلی سیاست پول را حفظ ثبات قیمت‌ها قلمداد می‌نماید. در کشور ترکیه، حفظ ثبات ارزش پول ملی توسط ابزارهای سیاست پول دنبال می‌گردد. بانک مرکزی آرژانتین با قانون جدید پولی و بانکی مورخ ۱۹۹۵ به استقلال پیشرفته دست یافته و وظیفه اصلی و اولیه آن حفظ ارزش پول ملی است.

بانک مرکزی کره جنوبی هدف تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها را دنبال می‌کند، قانون پولی و بانکی جدید این کشور مورخ آوریل ۱۹۹۸ استقلال کافی به بانک مرکزی بخشیده است و در زلاندنو، براساس قانون جدید پولی و بانکی (مورخ ۱۹۹۰) هدف اصلی سیاست پولی تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها می‌باشد.^۱

بانک مرکزی اروپا که مقرر آن در شهر فرانکفورت می‌باشد از استقلال بالایی برخوردار است و وظیفه اصلی این بانک این است که از اجرای صحیح سیاست‌های ابلاغ شده از سوی سیستم اروپایی بانک‌های مرکزی (European system of central banks) در کشورهای عضو اطمینان حاصل نماید. هدف اصلی این بانک نیز تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها در ناحیه یورو می‌باشد.^۲

در حال حاضر، بانکهای مرکزی آلمان و سوئیس از مستقل‌ترین بانکهای مرکزی جهان هستند. بانک مرکزی آلمان در مواردی که ثبات پولی این کشور به مخاطره می‌افتد، نظر دولت را به هیچ وجه دخالت نمی‌دهد. اما بانک مرکزی سوئیس اگر چه در موارد حاد نقطه‌نظرهای دولت را جویا می‌شود ولی الزام آنها را اعمال نمی‌کند. در حالی که بانک مرکزی انگلستان به عنوان مشاور مجری سیاستهای

۱- مهتاز بهرامی، معرفی و ارزیابی معیارهای استقلال بانک مرکزی در راستای اجرای سیاست پولی مستقل برای مهار تورم و تثبیت قیمت‌ها، نشریه روند بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۲ و ۳۳، سال ۱۳۸۰

2 - Donche Bundies bank act, and statute of the European system of central banks, June 1998.

- ۱۵- فشار برای عزل و نصب سیاسی مدیران در سیستم بانکی را از بین می‌برد.
 - ۱۶- زمینه استقرار دولت از بانک مرکزی را - به جز در شرایط فورس مازور - از بین می‌برد.
 - ۱۷- باعث تقویت دید بلندمدت و حذف دید کوتاه‌مدت رهبران سیاسی نسبت به سیاستهای پولی و حتی مالی می‌شود.
 - ۱۸- باعث استحکام موقعیت بانک مرکزی در نظام تصمیم‌گیری کلان کشور می‌شود.
 - ۱۹- حداقل سازی بی‌انضباطی مالی دولت.
 - ۲۰- زمینه برقراری شدیدترین محدودیت‌های قانونی برای تأمین مالی هزینه‌های عمومی از طریق اعطای اعتبار بانک مرکزی به دولت.
 - ۲۱- رئیس کل بانک مرکزی از سوی رئیس‌جمهور انتخاب و منصوب شود و وزیر اقتصاد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مجری برنامه‌های او باشد.
- پیامدهای اقتصادی**
- ۲۲- باعث تخصیص بهینه منابع می‌شود.
 - ۲۳- به این نهاد اختیار می‌دهد که اهرمها و ابزارهای پولی، یعنی نرخ بهره، نرخ تنزیل مجدد، انتشار اوراق قرضه و تغییر مقدار ذخیره قانونی را به گونه‌ای متعارف مورد استفاده قرار دهد.
 - ۲۴- استقلال بانک مرکزی در کنترل و کاهش نرخ تورم مؤثر است.
 - ۲۵- کنترل رشد نقدینگی
 - ۲۶- حفظ ارزش پول ملی
 - ۲۷- باعث اتخاذ سیاستهایی می‌شود که منجر به حفظ تعادل پرداختهای خارجی کشور شود.
 - ۲۸- مدیریت بر تعهدات و ذخایر ارزی کشور را تسهیل می‌کند.
 - ۲۹- مهار رشد فراینده هزینه‌های جاری دولت
 - ۳۰- احساس مسئولیت این نهاد را در قبال انتشار گزارش‌های آماری بیشتر می‌کند.

۷-۵- مزایای استقلال بانک مرکزی^۱

استقلال بانک مرکزی موجب:

- ۱- شفاف شدن سیاست‌های پولی کشور می‌شود.
 - ۲- استحکام سیاست‌های پولی کشور می‌شود.
 - ۳- تفکیک سیاست‌های پولی از سیاستهای مالی می‌شود.
 - ۴- شفاف شدن وظایف پولی از وظایف غیرپولی می‌شود.
 - ۵- محدود شدن دامنه عملیات شبه مالی می‌شود.
 - ۶- ترنزل در تصمیم‌گیری‌ها و تداوم روش آزمون و خطا را تقلیل می‌دهد.
 - ۷- سطح درگیری و خشی‌سازی سایر سیاستگذارهای بازگانی، صنعتی، مالی با سیاستهای پولی و اعتباری کشور را از میان می‌برد.
 - ۸- مسئولیت‌پذیری این نهاد در قبال تصمیمات و تدابیر پولی را افزایش می‌دهد.
 - ۹- از دامنه ملاحظات وزارت اقتصاد در سیاستگذاری‌های پولی و بانکی می‌کاهد.
 - ۱۰- توان و شناخت ناظران و تحلیلگران و منتقدان سیاستهای پولی را در خصوص تحلیل، ارزیابی و ارزشیابی جهت‌گیری‌ها و تدابیر پولی، افزایش می‌دهد.
 - ۱۱- افزایش اعتماد بخش خصوصی به سیاست‌های پولی و اعتباری کشور
- تعامل بانک مرکزی با دولت**
- ۱۲- روابط و مناسبات میان دولت و بانک مرکزی را شفاف می‌کند.
 - ۱۳- درجه وابستگی دولت به این نهاد را کاهش می‌دهد.
 - ۱۴- قدرت سایر دستگاهها برای اعمال فشار بر مدیران ارشد سیستم بانکی را کاهش می‌دهد.

پیش می‌رود و این موضوع در درجه اول دارای این نقص است که می‌تواند به وسیله سایر سیاستها خنثی شده و عملاً بدون اثر بماند.

نکته دیگر آنکه اعتبار بانک مرکزی صرفاً با اجرای مطلوب سیاستهای پولی حاصل نمی‌شود، بلکه اعتبار این بانک زمانی بوجود می‌آید که سیاستهای کلان اقتصادی دولت نیز به توفیق رسد. برای مثال، وقتی دولت کسری بودجه هنگفتی دارد ولی بانک مرکزی سیاست پولی انقباضی در پیش گرفته باشد، برنامه اقتصادی کشور به کلی اعتبارش را از دست می‌دهد، در چنین حالتی یا باید سیاست پولی از تعقیب اهداف و سیاستهای خود دست بردارد و یا آنکه سیاست مالی از سیاست پولی تبعیت کند.

ایده بانک مرکزی مستقل از دولت را زمانی می‌توانستیم پذیریم که دولت مسئولیت مهمی در امور اقتصادی نداشته باشد و وظیفه اصلی آن صرفاً برقراری نظم و امنیت در کشور باشد، ولی امروزه دولت مسئول نهایی کلیه نابسامانیهای اقتصادی در کشورها است و مردم حل مسائل اقتصادی و اجتماعی جامعه را از قبیل رشد اقتصادی، ثبات قیمتها، تأمین کار مکفی و... از دولت انتظار دارند. در چنین حالتی که دولتها چنین مسئولیتهای سنگینی را پذیرفته‌اند، نمی‌توانند و نباید نسبت به سازمان پولی کشور بی تفاوت باشند. اگر دولت مسئول نهایی نیل به هدفهای اقتصادی و اجتماعی شناخته شده است، نمی‌توان و منطقی نیست که آن را از اجزای نیل به این هدفها محروم کرد.

۷-۷- وضعیت استقلال بانک مرکزی ایران

در مورد وضعیت استقلال بانک مرکزی در کشور خودمان باید گفت که به دلیل تأمین درآمد بودجه از طریق فروش نفت (پتrodollar)، اصولاً بانک مرکزی مستقل از دولت نمی‌باشد، زیرا بانک مرکزی این ارز را تخصیص می‌دهد، بنابراین، این نهاد به بخشی از کار اجرایی دولت تبدیل شده و به همین دلیل هم دولت نفوذ زیادی بر روی بانک مرکزی داشته است و به دنبال آن، سیاستگذار نیز دارای استقلال نبوده است.

- استقلال بانک مرکزی و ارتقای موقعیت

۳۱- باعث ارتقای سطح اعتبار بانک مرکزی و نظام بانکداری کشور در محافل پولی و مؤسسات

بین‌المللی می‌شود.

۳۲- اعتماد و اطمینان بین‌المللی به سیاستهای پولی و نظام بانکی کشور را افزایش می‌دهد.

۳۳- دامنه تاثیر گذاری شورای پول و اعتبار بر سیاستگذاریهای پولی را معین می‌سازد.

۳۴- باعث تقویت نظارت این نهاد بر بانکها می‌شود.

۳۵- جایگاه این نهاد را نزد افکار عمومی شفاف تر می‌کند.

۳۶- می‌تواند به چندگانگی مقررات و قوانین بانک در کشور پایان دهد.

۷-۶- مخالفان نظر به استقلال بانک مرکزی

دیدگاه گروهی از اقتصاددانان از نظر توریک مبتنی بر این اصول است که نظام اقتصادی نیز مانند

هر نظام دیگری کلتی است که از جمع مجموعه‌های دیگری حاصل می‌شود. در این بین بانک مرکزی نیز یکی از همین مجموعه‌ها می‌باشد. بنابراین چنانچه در یک سیستم هر زیرمجموعه آهنگی مستقل از آنچه که سیستم لازم می‌داند، به‌نوازد، آنگاه عدم وجود هماهنگی و هارمونی میان زیرمجموعه‌ها، اهداف سیستم را از میان می‌برد و نه تنها هیچ‌یک از مجموعه‌ها نمی‌توانند به اهداف خود برسند بلکه بانکها نیز به هدف خود یعنی تثبیت قیمتها نایل نخواهند شد. بنابراین هیچ الزامی وجود نخواهد داشت که کل سیستم از عملکرد مستقل بانک مرکزی منتفع شده و حتی هدفهای بانک که به‌طور مستقل طرح شده نیز بدست آید.

انتقاد دیگری که از استقلال بانک مرکزی می‌شود، می‌تواند این باشد که، دولت هماهنگ با سایر سیاستهای اقتصادی نباشد. در این صورت استقلال بانک مرکزی موجب اتلاف منابع ملی می‌شود، به عبارت دیگر اگر بانک مرکزی مستقل باشد، سیاست پولی مجرد مانده و بعد از سایر سیاستهای دولت

تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی به حکم رئیس جمهور منصوب می‌شود.

بانک مرکزی در ایران به دلیل اینکه ارز را در اختیار دارد و ارز را تخصیص می‌دهد، از طرف دولت عمل می‌کند و بنابراین هزینه کردن ارز هم باید بنا به دستور دولت باشد، در نتیجه بانک مرکزی همواره مجری سیاست‌های دولت و دستورات روزمره او بوده است. بانکهای مرکزی در اکثر کشورها چنین مسئولیتی ندارند، چون ارز در بازار خرید و فروش می‌شود. بنابراین بانک مرکزی ما عملاً مجری دستورات دولت شده است، در واقع تفکیک سیاست‌های پولی از سیاست‌های ارزی خیلی امکان‌پذیر نبوده است. سیاست‌های ارزی بدین گونه از سوی دولت ابلاغ می‌شود که چون ارز متعلق به دولت است و در اختیار بانک مرکزی قرار می‌گیرد، پس بانک مرکزی مجری سیاست‌های ارزی دولت می‌باشد. البته در سایر سیستم‌ها نیز ذخایر ارزی در اختیار بانک مرکزی است و بانک مرکزی به دلیل اعمال سیاست‌های پولی وارد بازار ارز می‌شود نه به خاطر تخصیص ارز. به همین دلیل است که بانک مرکزی در «عملیات بازار باز» می‌تواند ارز خرید و فروش کند و در بازار مداخله داشته باشد. البته با یک نرخ شدن ارز به تدریج از این ابزار استفاده می‌شود.

موضوع استقلال بانک مرکزی ایران، همزمان با سیاست‌های جدید پولی و ارزی کشور در سال ۱۳۶۹ مطرح شد. ترکیب شورای پول و اعتبار در سال‌های اخیر، وظایف و نقش آن و همچنین تجربه سایر کشورها نمایانگر آن است که بانک مرکزی ایران در اتخاذ و اجرای سیاست‌های پولی از استقلال لازم برخوردار نبوده و تعیین خط‌مشی‌ها و سیاست‌های پولی کشور، عملاً تحت نفوذ دولت قرار گرفته است. بررسی استقلال بانک مرکزی علاوه بر بررسی انتصاب رئیس کل بانک مرکزی بدون در نظر گرفتن ترکیب شورای پول و اعتبار امکان‌پذیر نمی‌باشد.

این شورا، از جمله ارکان مهم بانک مرکزی است که در زمینه مسایل پولی و بانکی کشور اظهار نظر می‌کند. ماده ۱۸ قانون پولی و بانکی کشور، مصوب ۱۳۵۱ و ظایف و ترکیب این شورا را مشخص

به موجب بند یک ماده ۳۸ قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۳۹، رئیس کل بانک مرکزی به پیشنهاد وزیر دارایی و تصویب هیأت وزیران، به موجب فرمانی ملوکانه برای مدت سه سال منصوب و انتخاب مجدد او بلامانع است و طبق بند دوم این ماده رئیس کل بانک مرکزی، ریاست شورای پول و اعتبار را نیز برعهده دارد. در قانون بعدی یعنی در قانون سال ۱۳۵۱ روش انتصاب ثابت باقی ماند، با این تفاوت که دوره تصدی به ۵ سال افزایش یافت. پس از پیروزی انقلاب علی‌رغم آنکه کلیه احکام‌های یونانی مبدل به احکام ریاست جمهوری گردید، اما به لحاظ وجود پاره‌ای از درگیرهای سیاسی در اوایل انقلاب شیوه تعیین رئیس کل بانک مرکزی تغییر یافت. بدین ترتیب طبق بند ۵ ماده ۱۹، رئیس کل بانک مرکزی با پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تأیید مجمع عمومی بانکها و تصویب هیأت دولت برای ۵ سال تعیین می‌شود و وزیر امور اقتصادی و دارایی موظف است در مدت ۵ روز حکم وی را صادر و ابلاغ نماید. در حالی که در اکثر کشورهای جهان این حکم از سوی رئیس جمهوری به رئیس کل بانک مرکزی اعطاء می‌گردد. دوره تصدی ریاست کل بانک مرکزی در آمریکا ۱۴ سال و در آلمان ۸ سال می‌باشد.

لذا همان استقلال نسبی را که سیاستگذار پولی داشت، از بین برد و بانک مرکزی را به زیرمجموعه وزارت اقتصاد تبدیل کرد. بانک مرکزی مسئول سیاست گذاری پولی مملکت است و برای انجام این مسئولیت باید اختیاراتی هم داشته باشد، یعنی مسئولیت‌خواهی باید در برابر اعطای اختیار باشد. اکنون که عملاً اختیار از بانک مرکزی گرفته شده است، به طور طبیعی، این بانک احساس مسئولیت کافی نمی‌کند و یا آنکه امکانات اجرایی کافی ندارد و این وضع به صلاح و به نفع مملکت نیست.

در برنامه چهارم توسعه طبق تبصره ۱ ماده ۱۰ بند «ها» رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به پیشنهاد رئیس جمهوری و بعد از تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی با حکم رئیس جمهوری منصوب می‌شود و طبق تبصره ۲، قائم مقام بانک مرکزی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و پس از

اسلامی (برطبق قوانین بودجه) به خود اختصاص می‌دهند. وضعیت وخیم اعتباری کشور و اثرات پولی ناگوار آن در چند ساله اخیر به شدت مسیر اقتصادی کشور را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. ترکیب شورای پول و اعتبار، این مکان را به سیاست‌گذاران بخش مالی می‌دهد که به راحتی بر نتایج و سیاست‌گذارهای بخش پولی احاطه کامل داشته باشند و این چنین خواهد بود که اهداف بخشی که توسط هر یک از اعضاء شورا می‌تواند دنبال شود، اهداف کلان اقتصادی و به ویژه اهداف پولی را تحت الشعاع خود قرار داده و اعتبار بانک مرکزی را که حسب قانون مسئولیت اجرای سیاست پولی را به ظاهر برعهده دارد، مخدوش می‌نماید.

ترکیب شورای پول و اعتبار در قانون برنامه دوم توسعه، به گونه‌ای تغییر کرد که ترازو را به ضرر استقلال بانک مرکزی سنگین‌تر کرد، بدین ترتیب که در ترکیب جدید که به موجب تبصره ۸ این قانون مطرح شد، رئیس کل بانک مرکزی پس از وزیر اقتصاد و دارایی و رئیس سازمان برنامه و بودجه قرار دارد و ضمناً یک نفر خبره بانکی، نه به انتخاب رئیس کل بانک مرکزی، بلکه به انتخاب رئیس‌جمهور به این شورا معرفی می‌شود.

آیین‌نامه اجرایی این تبصره نیز چگونگی دعوت برای تشکیل شورای پول و اعتبار و تعیین دستور جلسه و محل تشکیل آن و همچنین، نصاب و نحوه انتخاب رئیس در جلسات شورای مذکور را، بنا به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران قرار داده است.

طبق تبصره ۸ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور اعضاء شورا به ترتیب

زیر می‌باشند:

- ۱- وزیر امور اقتصادی و دارایی
- ۲- رئیس سازمان برنامه و بودجه
- ۳- رئیس کل بانک مرکزی

کرده است. بررسی ترکیب شورای مذکور (به موجب بند (ب) ماده ۱۸) نمایانگر آن است که به غیر از رئیس کل بانک مرکزی اکثریت اعضاء این شورا را معاونان وزارتخانه‌ها یا منتخبان از سوی وزراء تشکیل می‌دهند که اکثراً در پی استفاده از منابع سیستم بانکی جهت تأمین مالی برنامه‌هایی کوتاه‌مدت یا میان‌مدت بوده و توجه به اهدافی چون حفظ ارزش پول و توازن در تراز پرداختهای خارجی و مبارزه با تورم در برنامه‌های آنها مشاهده نمی‌شود.

لازم به ذکر است که به موجب قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ تعداد اعضاء شورا یازده نفر بود و بارای شش نفر تصمیحات اخذ شده به تصویب می‌رسید. لیکن پس از تفکیک وزارت صنایع و معادن به وزارتخانه صنایع، صنایع سنگین و معادن و فلزات و همچنین ایجاد وزارت جهاد سازندگی و وزارت تعاون بر تعداد اعضاء شورا افزوده شد و به پانزده نفر رسید. این تغییرات موجب شد که نقش دولت در شورای پول و اعتبار بیشتر شود. در این ترکیب، رئیس کل بانک مرکزی رئیس شورا محسوب شده و یکی از خبرگان بانکی به تشخیص و انتخاب ریاست کل بانک مرکزی در شورا حضور دارد. بقیه اعضاء شورا هم از وزارتخانه‌ها، مجلس شورای اسلامی، دادستان کل کشور و سازمان برنامه و بودجه هستند. به عبارت دیگر از میان پانزده نفر عضو موردنظر، بانک مرکزی فقط از دو حق رأی (رئیس کل بانک مرکزی و یک نفر خبره بانکی) برخوردار است. در ضمن هیچ یک از معاونین یا قائم مقام رئیس کل بانک مرکزی در این ترکیب حضور ندارند و این در حالی است که در اکثر کشورهای دنیا - چه پیشرفته و چه در حال توسعه - نه تنها تعداد اعضاء شورای سیاست‌گذاری در این حد بالا نمی‌باشد، بلکه علاوه بر رئیس کل بانک مرکزی حتماً از معاونان یا قائم مقام یا دبیر کل وی نیز در ترکیب اعضاء مذکور حضور دارند.

به همین علت است که وضعیت سیاستهای پولی و اعتباری به شکل نامطلوبی تخصیص یافته و بخشهای دولتی همه ساله بخش اعظم منابع اعتباری را براساس مصوبات این شورا و یا مجلس شورای

۳- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و یا معاون اقتصادی وی

۴ و ۵- دو نفر از وزراء به انتخاب هیأت وزیران

۶- وزیر بازرگانی

۷ و ۸- دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و تأیید

رئیس جمهور

۹- دادستان کل کشور یا معاون او

۱۰- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

۱۱- رئیس اتاق تعاون مرکزی

۱۲ و ۱۳ و ۱۴- یک نماینده از هر یک از کمیسیونهای برنامه و بودجه، امور اقتصادی و دارایی و

تعاون مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر

تبصوه: ۱- ضوابط اجرای این قانون شامل نحوه تشکیل و چگونگی اتخاذ تصمیمات با پیشنهاد رئیس

کل بانک مرکزی و تصویب شورای پول و اعتبار به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد.

تبصوه ۲: ریاست شورا برعهده وزیر امور اقتصادی و دارایی و در غیاب او با رئیس کل بانک

مرکزی خواهد بود.

البته خوشبختانه در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ترتیب و ترکیب شورا بهتر شد. اعضای شورای پول و اعتبار طبق ماده ۱۰ بند «و» برنامه به شرح زیر اصلاح گردید.

۱- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۲- وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی

۳- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا معاون وی

۴- دو تن از وزراء به انتخاب هیأت وزیران

۴ و ۵- دو نفر از وزراء به انتخاب هیأت وزیران

۶- دادستان کل کشور یا معاونان او

۷- یکی از خبرگان بانکی به انتخاب رئیس جمهور

۸- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

۹- رئیس اتاق تعاون

تبصوه: دو نفر از نمایندگان مجلس به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر در جلسات

شورا شرکت خواهند نمود.

آیین‌نامه اجرایی این تبصره شامل چگونگی دعوت برای تشکیل جلسات شورای پول و اعتبار و

تعیین دستور جلسه و محل تشکیل آن و همچنین نصب و نحوه انتخاب رئیس در جلسات شورای

مذکوره، بنا به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

پس از تصویب قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور، ترکیب اعضای

شورای پول و اعتبار در ماده ۸۳ این قانون به طور محدود تغییر یافت، بطوری که در این ماده طبق

تبصره ۲، ریاست شورای پول و اعتبار برعهده وزیر اقتصاد و دارایی واگذار شده است. لیکن این

تغییرات نیز نتیجه مطلوبی را برای استقلال بانک مرکزی دربر نداشته است. اما یک تغییر مثبت در قانون

برنامه سوم، صورت گرفت که، انتخاب دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس

کل و تأیید رئیس جمهور است.

به موجب ماده ۸۳ قانون برنامه سوم، ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار به شرح زیر اصلاح شده

است:

۱- وزیر امور اقتصادی و دارایی

۲- رئیس کل بانک مرکزی

میان جلب توجه بیشتری می‌نماید آن است که در سال ۱۳۶۲ بانک مرکزی کارمزد متعلقه به استقراض دولت را نیز حذف کرد و علت آن را نیز این نکته عنوان نمود که چون دولت تاکنون قادر به بازپرداخت هیچ‌یک از بدهی‌های خود نبوده لذا محاسبه کارمزد و سود در واقع به حساب درآمد و سود بانک مرکزی گذاشته می‌شود و طبق قانون، ۷۵ درصد آن به عنوان مالیات به حساب خزانه دولت باید واریز گردد و چون عملاً چنین درآمدی برای بانک محقق نمی‌گردد، لذا برای جلوگیری از نشان دادن ارقام و درآمد زیاد و کاذب اساساً از اخذ هر گونه کارمزد خودداری نمود.

قدرت مقابله بانک مرکزی در برابر درخواست دولتها برای تأمین کسر بودجه و شرایط آن به ویژه در کشورهایی در حال توسعه از جمله بزرگ‌ترین مسائل بانک مرکزی این کشورهاست.^۱

در سالهای بعد از انقلاب، خالص بدهی دولت به بانک مرکزی، مهمترین عامل در افزایش حجم پایه پولی محسوب می‌شود که به نوبه خود افزایش نقدینگی و تورم را به دنبال دارد. به ازای هر ۱ درصد افزایش در میزان بدهی بخش دولتی و بانکی به بانک مرکزی، تورم به میزان ۰/۶۳ درصد با حفظ سایر شرایط رشد می‌کند.^۲ این بدان معنی است که سیاست ضدتورمی در بانک مرکزی مادامی که مبالغ کثیری از منابع بانکی تحت اختیار دولت است، امکان‌پذیر نمی‌باشد. ارتباط معنادار و قوی میان این دو به روشنی حکایت از آن دارد که بانک مرکزی برای کنترل تورم می‌بایست شرایط مستقل‌تری را به عنوان شرط اولیه برای مهار تورم در اختیار داشته باشد. البته قسمتی از تورم موجود در کشور ما به موضوع ساختاری بودن آن و اتخاذ سیاستهای مقطعی و در مواردی نادرست، باز می‌گردد. برای حل این مسئله، نیاز به ایجاد و وجود بازار داراییهای مالی گسترده و حجمی می‌باشد که طی آن دولت بتواند قروض خود را از آن تأمین مالی نماید.

۱- بند «ب» ماده ۴ قانون برنامه چهارم در خصوص سیاست‌های پولی: به منظور برقراری انضباط مالی و بودجه‌ای در طی سال‌های برنامه،

تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سیستم بانکی ممنوع می‌باشد.

۲- کورش مملات، بررسی جایگاه و ساختار مطلوب بانک مرکزی ایران، مؤسسه پولی و بانکی، سال ۱۳۶۹، ص ۸۱

۵- وزیر بازرگانی

۶- رئیس اتاق تعاون

۷- دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس کل و تأیید رئیس جمهور

۸- دادستان کل کشور یا معاون وی

۹- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

۱۰- نمایندگان کمسیون‌های «امور اقتصادی» و «برنامه و بودجه و محاسبات» مجلس شورای

اسلامی هر کدام یک نفر به عنوان ناظر با انتخاب مجلس

تبصره: ریاست شورا بر عهده رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

یکی دیگر از مسائلی که در استقلال بانک مرکزی مورد توجه قرار می‌گیرد، تأمین کسری بودجه و استقراض دولت از این بانک می‌باشد. بررسی سوابق موجود در این رابطه بیانگر آن است که دولت در اکثر مواقع کسری بودجه خود را از طریق انتشار اوراق قرضه و نیز مستقیماً از منابع بانک مرکزی تأمین می‌کرده است. اما بعد از انقلاب اسلامی به علت وجود موانع شرعی برای استفاده از عملیات بازار باز، بیشترین اتکای دولت، استقراض از سیستم بانکی و به ویژه از بانک مرکزی معطوف گردید.

بنابراین طبیعی است که تحت تأثیر کسری‌های شدید بودجه در سالهای بعد از انقلاب (به ویژه در سالهای بروز جنگ تحمیلی و دهه ۶۰) حجم نقدینگی به دلیل انتشار پول و افزایش پایه پولی به شدت افزایش یافت، در همین رابطه باید توجه داشت که تأمین کسری بودجه دولت تنها از طریق قانون برای سیستم بانکی میسر می‌شود و در تمامی سالهای وقوع جنگ، مجلس طبق قوانین سالانه بودجه، بانک مرکزی را مکلف به تأمین بدون چون و چرای آن کرده و جای گفتگو و مذاکره‌ای را بین دولت و بانک باز نگذاشته است. به این ترتیب مشخص است که دولت به طور خودکار و بدون کمترین مشکلی کسری بودجه خود را از منابع بانک مرکزی و نشر اسکناس تأمین کرده است. آنچه در این

می‌توان به تخمین دیگری که به روش OLS با استفاده از داده‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۹ بدست آمده اشاره کرد.^۱

$$M_t = 90.4/667 + 5/593BD + 10.931/56D_{67}$$

$$(1/30) \quad (5/14)$$

$$R^2 = 0.828 \quad D.W = 1.591$$

D_{67} متغیر مجازی (سالهای ۱۳۶۷ یعنی سال اتمام جنگ تا ۱۳۶۹ برابر ۱ و بقیه سالها برابر صفر)

همانطور که مشاهده می‌شود، اثر مستقیم کسری بودجه بر نقدینگی، از طریق برآورد معادله‌های فوق نیز تأیید می‌شود. همچنین این معادله‌ها بیان می‌دارند که رشد نقدینگی براساس سیاست‌گذاری مقامات پولی و متناسب با نیاز اقتصاد کشور افزایش نیافته، بلکه این رشد بیشتر متأثر از سیاست‌های مالی (کسری بودجه) بوده است. افزایش مداوم نقدینگی در کشور موجب رشد روزافزون تقاضا برای کالاها و خدمات و در نتیجه تشدید تورم شده است.

$$P = 26/333 + 0.082BD + 184/16D_{67}$$

$$(7/80) \quad (5/54) \quad (7/10)$$

$$R^2 = 1/868 \quad D.W = 1/808$$

$$P = \text{شاخص قیمت خرده‌فروشی} \quad (1369=100)$$

مدل ارائه شده در آن، شاخص استقلال (وابستگی) بانک مرکزی از (به) دولت با تورم ارتباط

تنگاتنگی داشته است.

۱- معاونت امور اقتصادی، سیاست‌های پولی مناسب جهت تثبیت فنالتهای اقتصادی - مرحله اول، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۰ صص ۵۳-۵۵.

با توجه به آمار موجود، طی سالهای قبل و بعد از انقلاب کسری بودجه همواره وجود داشته است. در سالهای قبل از انقلاب به دلیل درآمد بالای حاصل از صادرات نفت، پایین بودن جمعیت و کمک همه جانبه دول غربی، مشکل کسری بودجه به اندازه بعد از انقلاب نبوده است. ولی بعد از انقلاب، با گسترش تعهدهای هزینه‌های دولت و به ویژه وقوع جنگ تحمیلی، هزینه‌های دولت روند فزاینده‌ای داشته است. در مقابل درآمدهای دولت معادل آن افزایش نیافته و این مسئله باعث بروز کسری بودجه و افزایش فزاینده آن به خصوص در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ بوده است. نکته اساسی در خصوص کسری بودجه وجود دارد، نحوه تأمین مالی آن است. طی سنوات گذشته (بعد از انقلاب) حجم بالایی از کسری بودجه از طریق وام‌گیری داخلی (استقراض از بانک مرکزی) تأمین مالی شده است. نتیجه طبیعی این امر افزایش پایه پولی و تبع آن افزایش حجم پول و نقدینگی در کشور بوده است.

برای اینکه تأثیر متقابل کسری بودجه دولت بر حجم پول بهتر درک شود به معادله زیر که با استفاده از داده‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۰ به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برآورده شده است اشاره می‌شود.^۱

$$M_t = 181/272 + 0.1258BD + 17921/869D_{68}$$

$$(0.13) \quad (5/66) \quad (7/33)$$

$$D.W = 0.063$$

$$R^2 = 0.868$$

$BD =$ کسری بودجه

$M_t =$ حجم نقدینگی (پول + شبه پول)

$D_{68} =$ متغیر مجازی (مربوط به سیاست آزادسازی و یکسان‌سازی نرخ ارز)

۱- معاونت امور اقتصادی، سیاست‌های پولی مناسب جهت تثبیت فنالتهای اقتصادی - مرحله دوم، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۳ صص ۱۶۷.

طرف دیگر استفاده از شیوه‌های جدید بانکداری در این راستا نقش به‌سزایی دارد کاهش هزینه‌های عملیات بانکی و همچنین افزایش سرعت عملیات مذکور داشته است. برای مثال در کشور آمریکا مقایسه زمان انجام یک عملیات بانکی به شیوه‌های سنتی و الکترونیکی نشان می‌دهد که زمان لازم برای انجام هر تراش از ۴/۵ ساعت نفر به ۱/۲۶ ساعت نفر کاهش می‌یابد این کاهش در صورت استفاده از سیستم‌های متمرکز و دستگاهی خودپرداز اندازه‌گیری شده است. در صورت استفاده از سیستم‌های بانکداری اینترنتی این زمان به ۰/۰۵ ساعت نفر نیز قابل تقلیل است. از طرف دیگر به تناسب نیز هزینه‌های عملیات بانکی در نتیجه استفاده از این شیوه به شدت تقلیل خواهد یافت که خود به معنای افزایش میزان کارایی سیستم بانکی خواهد بود. بر همین اساس باید اشاره کرد که متوسط هزینه اجرای هر عملیات بانکی از طریق شیوه سنتی معادل ۱/۲ دلار خواهد بود و تغییر ساختار انجام عملیات بانکی در قالب شیوه‌های الکترونیکی به صورت استفاده از سیستم‌های متمرکز و دستگاه‌های خودپرداز و شیوه بانکداری اینترنتی، کاهش این هزینه‌ها به ترتیب به ۰/۳ دلار و ۰/۱ دلار به ازاء هر عملیات بانکی خواهد گردید.

جدول ۱-۶- مقایسه اهمیت مدت زمان اجراء دستور هزینه

اجرای عملیات بانکی در آمریکا در سال ۲۰۰۲

شرح	بانکداری سنتی	بانکداری الکترونیکی از طریق ATM	بانکداری اینترنتی
مدت زمان برای انجام یک عملیات بانکی (ساعت)	۴/۵	۱/۲۶	۰/۰۵
هزینه لازم برای انجام یک عملیات بانکی (دلار)	۱/۲	۰/۳	۰/۰۱

با توجه به اهمیت فوق‌العاده سیستم‌های انتقال الکترونیکی و جوهر (EFT) در این بخش به طور مفصل در مورد مفهوم، اهمیت و جایگاه مزایا، زیرساخت‌ها و انواع آن بحث خواهد شد.

۱- هر تراش به یک ثبت بانکی اطلاق می‌شود.

فصل ششم

بانکداری الکترونیکی

۶-۱- مقدمه

یکی از وظایف عمده بانک‌ها و مؤسسات مالی انتقال وجوه می‌باشد. انتقال وجوه توسط بانک‌ها از لحاظ فناوری و شیوه عمل، به دو شکل انجام می‌پذیرد یکی به شیوه سنتی و مبتنی بر کاغذ و دیگری به شیوه الکترونیکی. هر چند شکل رایج انتقال وجوه در ایران، شیوه مبتنی بر کاغذ می‌باشد ولی با دسترسی بیشتر به اینترنت در ایران و همچنین گسترش بانکداری الکترونیکی انتظار می‌رود در آینده نزدیک سیستم‌های جدید انتقال وجوه و پرداخت، جایگزین شیوه‌های سنتی شوند. سیستم‌های انتقال الکترونیکی و جوهر (EFT) می‌تواند نقش بسیار اساسی در اقتصاد و تجارت داشته باشد و روش‌ها، مفاهیم و بنیان‌های جدیدی را به وجود خواهد آورد و همچنین شیوه ارتباطی و تعاملات بین خریدار و فروشنده، بانک‌ها و مشتریان را دگرگون خواهد نمود. در حال حاضر رشد سریع و شتابان شیوه‌های الکترونیکی تجارت اهمیت و ضرورت تغییر ساختار نظام بانکی به عنوان یکی از زیرساخت‌های اصلی نظام تجارت مبنای را صد چندان نموده است. براساس آمارهای ارائه شده مؤسسه فورستر^۲ حجم تجارت الکترونیکی در سال ۲۰۰۰ میلادی معادل ۶۵۷ میلیارد دلار بوده است که این حجم در پایان سال ۲۰۰۲ میلادی به ۲۲۰۶ میلیارد دلار افزایش یافته است و پیش‌بینی می‌گردد که در پایان سال ۲۰۰۴ بالغ بر ۶۷۸۹ میلیارد دلار گردد. از

1- Electronic Funds Transfer

2- Forrester

سازوکارهای جدید اتاق پایایی اتوماتیک به وجود آمد. هر چند که زمان زیادی از به وجود آمدن انتقال الکترونیکی وجوه می‌گذرد ولی گسترش فراگیر آن مربوط به دهه ۹۰، و پس از معرفی اینترنت و بکارگیری گسترده آن، می‌باشد.

هر چند که مفهوم انتقال وجوه روشن است، ولی بر سر مفهوم انتقال الکترونیکی وجوه توافق وجود ندارد، زیرا از یک طرف گروهی تعاریف بسیار محدودی از آن نموده‌اند و فقط نوع خاصی انتقال الکترونیکی وجوه را EFT می‌دانند در مقابل گروه دیگر EFT را در معنای بسیار وسیع بکار برده‌اند که حتی کل بانکداری الکترونیکی را در خود جای می‌دهد. در همه مفاهیم، انتقال الکترونیکی وجوه یک وظیفه مهم وجود دارد و آن امکان دسترسی سریع و پیوسته به وجوه می‌باشد. طبق یکی از تعاریف، EFT عبارت است از روشی برای انتقال وجوه به طور خودکار به وسیله رایانه و با استفاده از اتاق پایایی خودکار.^۲ طبق این تعریف اولاً EFT فرآیندی است که وجوه به صورت الکترونیکی منتقل می‌شود. ثانیاً یک موجودیت قانونی به نام اتاق پایایی خودکار (ACH) وجود دارد که عملیات انتقال (تسویه) را انجام می‌دهد. انتقال الکترونیکی وجوه، ابزاری برای رسیدن به هدف نهایی یعنی انجام پرداخت است. در پرداخت الکترونیکی یا انتقال الکترونیکی وجوه، اساساً عمل پرداخت بدون جایجایی فیزیکی پول و بدون تبادل اطلاعات کاغذی زیاد صورت می‌گیرد.

کمیسیون قانون تجارت بین‌المللی سازمان ملل متحد (UNCITRAL) انتقال الکترونیکی وجوه را چنین بیان می‌کند:

«انتقال وجوه، فرآیندی است که در آن یک یا بیش از یک اقدام در فرآیند کار که سابقاً بر اساس روش مبتنی بر کاغذ انجام می‌شد، اکنون با روش‌های الکترونیکی صورت می‌گیرد».^۳

در تعریف دیگر که توسط «مجموعه مقررات یکنواخت بازرگانی ایالات متحده آمریکا»^۴ ارائه شده است:

«انتقال الکترونیکی وجوه عبارت است از یک شبکه انتقال سیمی، اتاق پایایی خودکار یا سایر نظام‌های ارتباطی پایایی یا سایر اتحادیه‌های بانکی که از آن طریق یک دستور

1- Liberman, Sidney, Electronic Market, Vol. 7, No.2, 1997, P.35.

2- Automated Clearing House

۳- باجاج و دجانی، «انتقال الکترونیکی وجوه» ترجمه مجتهدی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۸.

4 - Ibid

۶-۲- مفهوم انتقال الکترونیکی وجوه (EFT)

برای پرداخت وجه شیوه‌های مختلفی وجود دارد که معمولاً آن‌ها را از نظر رویه می‌توان به سه نوع شیوه پرداخت تقسیم نمود. یکی پرداخت از طریق تهاثر یا کالا با کالا است که در این دوران چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. دوم پرداخت نقدی که به وسیله انتقال سکه و اسکناس صورت می‌گیرد. سوم پرداخت وجه یا انتقال وجه از طریق سازوکار بانکی و مؤسسات مالی، شیوه پرداخت نوع اول مربوط به زمان‌های بسیار دور است و در اقتصاد و تجارت امروز جایگاه قابل توجهی ندارد و اصلاً به حساب نمی‌آید. ششم، پرداخت نوع دوم بیشتر مربوط به اقتصادهای، کمتر توسعه یافته است و در اقتصادهای پیشرفته فقط برای پرداخت‌های خرد و کم حجم مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین بیشترین حجم پرداخت و مهم‌ترین شیوه پرداختی در اقتصاد امروز انتقال وجوه از طریق بانک و مؤسسات مالی می‌باشد. انتقال وجه از طریق بانک‌ها و مؤسسات مالی به دو شکل سنتی (مبتنی بر کاغذ) و الکترونیکی انجام می‌شود. در شکل سنتی انتقال وجوه که در ایران نیز مرسوم است تقریباً کلیه عملیات انتقال وجوه بر روی فرم‌هایی ثبت می‌شود و برای انتقال اطلاعات از کاغذ به عنوان پایه سیستم استفاده می‌شود. ولی پیشرفت فناوری به خصوص فناوری اطلاعات و ارتباطات، نظام بانکداری و انتقال وجه را دگرگون نموده است. در نتیجه سیستم‌های قدیمی (مبتنی بر کاغذ) به سیستم‌های نوین (الکترونیکی) تبدیل شده‌اند.

قبل از اینکه مفهوم انتقال الکترونیکی وجوه بیشتر توضیح داده شود، ابتدا لازم است تعریفی از سیستم انتقال وجوه ارائه گردد:

سیستم انتقال وجوه به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها اطلاق می‌شود که به وسیله بانک‌ها و مؤسسات دیگر از قبیل اتاق پایایی جهت انتقال وجوه بین بانک‌ها صورت می‌پذیرد. حال اگر این فعالیت‌ها بر مبنای کاغذ استوار باشد به آن شیوه «پرداخت و انتقال» گفته می‌شود و اگر این فعالیت‌ها از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات و به صورت الکترونیکی انجام پذیرد به آن «انتقال الکترونیکی وجوه» می‌گویند.

شروع بکارگیری و توسعه سیستم‌های انتقال الکترونیکی در دنیا به دهه‌های ۶۰-۱۹۵۰ میلادی در آمریکا و اروپا برمی‌گردد. در این دوران بود که کارتهای بانکی عرضه شد و

1- Andreas, Cred, Risk Management for Electronic Banking and Electronic Money Activities

"Tallinn Technical University", (1998).

یک جنبه آن مربوط به کسانی است که از این سیستم استفاده می‌کنند، آحاد جامعه، افراد و سازمان‌ها می‌توانند از انتقال الکترونیکی وجوه استفاده نمایند. مشتریان بانک‌ها، مؤسسات بزرگ دولتی و خصوصی، سازمان‌های غیرانتفاعی و شرکت‌های کوچک می‌توانند از مزایای انتقال الکترونیکی وجوه بهره‌مند شوند.

جنبه دیگر اهمیت انتقال الکترونیکی وجوه گسترش تجارت الکترونیکی می‌باشد. تجارت الکترونیکی امروزه حجم قابل توجهی از مبادلات تجاری را به خود اختصاص داده است. و نرخ رشد سریع آن حاکی از این است که تجارت در سراسر جهان متحول خواهد شد و از تجارت سنتی به تجارت الکترونیکی مبدل خواهد شد. در تجارت الکترونیکی، انتقال الکترونیکی وجوه نقش کلیدی دارد، به عبارت دیگر بدون انتقال الکترونیکی وجوه، تجارت الکترونیکی به طور کامل عینیت و تحقق نمی‌یابد. انتقال الکترونیکی وجوه مفهومی است که به صورت کامل و جامع دربرگیرنده تمامی مسائل پیرامون نقل و انتقالات پولی در تجارت الکترونیکی است و شامل ابزار لازم جهت نقل و انتقال پول (سخت‌افزار و نرم‌افزار)، فرآیند عمل، نقل و انتقال، مسائل امنیتی، و مسائل قانونی و... می‌باشد.

یکی دیگر از جنبه‌های انتقال الکترونیکی وجوه، صرف نظر از ویژگی‌های معاملاتی آن، این است که این فناوری به عنوان یک شیوه پرداخت، اثرات مستقیمی نیز بر روی سیاست‌ها و نظام پولی کشور می‌گذارد و در حقوق مصرف‌کننده نیز مؤثر می‌باشد. انتقال الکترونیکی وجوه به عنوان یک شیوه پرداخت، و انتقال وجه امکان دارد، عرضه اعتبار و پول را (بالقوه) به طور حساب نشده‌ای افزایش دهد و در صورتی که این موضوع کنترل نشود خطرات بزرگی برای سیاست پولی و اعتباری کشور دربر خواهد داشت. به همین علت در تمام دنیا، نظام‌های انتقال الکترونیکی وجوه نگرانی‌هایی را برای مقامات بانک‌های مرکزی ایجاد کرده است.

۶-۴- مزایا و ویژگی‌های بکارگیری انتقال الکترونیکی وجوه

در قسمت‌های قبلی به مفهوم و جایگاه انتقال الکترونیکی وجوه اشاره شد، دقت در مسائل عنوان شده و بررسی روند رشد رو به تزاید استفاده از نظام انتقال الکترونیکی وجوه، مزیت‌های آن را آشکار می‌کند. با توجه به ابعاد، گستردگی و تنوع سازوکارهای انتقال الکترونیکی وجوه، مزایای آن نیز گسترده می‌باشد. به منظور رعایت اختصار مهمترین

پرداخت بانکی، به بانک مخاطب مخابره و ارسال می‌شود.^۱

طبق تعریف دیگری انتقال الکترونیکی وجوه عبارت است از هر نوع انتقال وجه به غیر از شیوه‌های سنتی مثل چک، وجه نقد و سایر ابزارهای کاغذی مشابه، که از طریق یک پایانه الکترونیکی، تلفن، رایانه، نوارهای مغناطیسی، به منظور سفارش، مطلع کردن و یا مجوز دادن به مؤسسه مالی، برای بدهکار یا بستانکار کردن یک حساب صورت می‌گیرد. طبق این تعریف اصطلاح EFT شامل: انتقال (FEDWIER)، انتقال وجوه از طریق اطاق پایایی خودکار (ACH)، انتقال از طریق ماشین‌های خودپرداز (ATM) و پایانه‌های نقطه فروش (POS)^۲ می‌شود.^۳

در این قسمت سعی شد، با ارائه تعاریف مختلف ابعاد EFT مورد استفاده قرار می‌گیرد، با توجه به تعاریف فوق، تعریفی که در این کتاب به عنوان EFT مورد استفاده قرار می‌گیرد، مفهوم وسیع EFT می‌باشد و شامل هر گونه انتقال وجوه که به صورت الکترونیکی انجام می‌گردد، می‌شود.

طبق تعریف اخیر انتقال الکترونیکی وجوه شامل انتقال وجوه بین حساب‌ها، بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی، با استفاده یا بدون استفاده از اتاق پایایی خودکار، از طریق بکارگیری ترمینال الکترونیکی، تلفن، رایانه، ماشین‌های نقطه فروش، ماشین‌های خودپرداز و یا هر وسیله الکترونیکی وجوه از بعضی جهات گسترده‌تر از بانکداری الکترونیکی خواهد بود و می‌تواند بانکداری الکترونیکی را در خود جای دهد.

۶-۳- اهمیت و جایگاه انتقال الکترونیکی

انتقال الکترونیکی وجوه در مقایسه با سایر سازوکارهای پرداخت مبتنی بر کاغذ، راحت‌تر، کارآتر، مطمئن‌تر، سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر است. بکارگیری انتقال الکترونیکی وجوه با توجه به اینکه جنبه‌های مختلفی دارد، از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد و تجارت برخوردار است.

۱- فدوایر جزء خدماتی است که توسط بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) ارائه می‌شود و برای پرداخت‌های داخلی و تسویه حساب بین بانکی جهت انتقال وجوه طراحی شده است.

2- Automatic Teller Machine

3- Point- Of- Sale

4- Federal Register/ Vol. 64, No. 42, March, 4, 1999.

مؤسسه مالی) وجود دارد. سیستم‌های انتقال الکترونیکی وجوه در بانک‌ها باعث کاهش هزینه‌ها از طریق صرفه‌جویی در کاغذ، چاپ، آگهی و تبلیغات، کارکنان و زمان لازم جهت ارائه صورت‌حساب‌ها و سایر هزینه‌های جنبی می‌گردد.

صرفه‌جویی در هزینه‌های فرستنده وجه و گیرنده وجه از طریق کاهش هزینه‌های صدور چک، رفت و آمد، هزینه‌های پست و زمان و فرصت‌های از دست رفته، و هزینه‌های جانبی صورت می‌پذیرد.

علاوه بر این بکارگیری سیستم‌های انتقال الکترونیکی وجوه باعث کاهش هزینه‌های اجتماعی نظیر ترافیک و آلودگی هوا به خصوص در شهرهای بزرگ می‌گردد.

ه - کاهش اشتباهات انسانی

یکی از مسائل و مشکلات عمده سیستم‌های پرداخت سنتی، اشتباهات متعدد عوامل انسانی در فرآیند و پردازش پرداخت‌ها به علت یک‌پارچه نبودن سیستم و وارد کردن اطلاعات به دفعات مختلف در فرآیند پردازش می‌باشد. سیستم انتقال الکترونیکی وجوه با در نظر گرفتن این مشکلات با حذف دوباره کاری‌ها و طراحی مناسب روش‌های کنترلی این اشتباهات انسانی را تا حدود زیادی کاهش داده است.

و- بهره‌وری و کارایی

سیستم انتقال الکترونیکی وجوه، تا حدود زیادی کارایی و بهره‌وری را در عملیات بانکی افزایش می‌دهد و امکانات بهتری برای برنامه‌ریزی و انجام فعالیت‌های کنترلی در نظام بانکداری به وجود می‌آورد. منظور از کارایی و بهره‌وری در نظام بانکداری عبارت است از بالا بردن سرعت انجام کار، کاهش مصرف منابع نظیر نیروی انسانی، افزایش دقت و کاهش اشتباهات و غیره می‌باشد.

ز- بهبود مدیریت وجوه و نقدینگی

استفاده از سیستم انتقال الکترونیکی وجوه، هم در سطح سازمان‌ها و مؤسسات و هم در سطح فردی و شخصی باعث بهبود مدیریت وجوه و نقدینگی می‌گردد. زیرا از یک طرف این سیستم‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که این امکان را برای اشخاص و سازمان‌ها به وجود

ویژگی‌های نظام‌های انتقال الکترونیکی وجوه مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۱

الف - امنیت

بررسی‌ها نشان می‌دهد پرداخت‌هایی که از طریق سیستم‌های انتقال الکترونیکی صورت می‌پذیرند، از امنیت بالاتری نسبت به پرداخت‌ها به شیوه سنتی برخوردارند. زیرا سیستم‌های انتقال الکترونیکی وجوه به گونه‌ای طراحی می‌شوند که احتمال دستبرد، سرقت، مفقود شدن، عدم انتقال و...، به حداقل ممکن می‌رسد، به خاطر این ویژگی، اغلب افراد معمولاً راضی هستند که از این سیستم‌ها به جای سیستم‌های سنتی پرداخت استفاده نمایند.

ب - سرعت

ویژگی برجسته سیستم‌های انتقال الکترونیکی وجوه، سرعت بالای آن می‌باشد. با قاطعیت می‌توان گفت که سیستم‌های پرداخت الکترونیکی از سیستم‌های پرداخت سنتی خیلی سریع‌تر است. زیرا در سیستم‌های پرداخت و انتقال الکترونیکی وجوه، انتقال وجوه در اکثر مواقع بلافاصله صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر وجوه به صورت پیوسته از حساب فرستنده به حساب دریافت‌کننده منتقل می‌شود.

ج - آسان بودن و سادگی

سازوکار انتقال الکترونیکی وجوه، برای کاربران خیلی ساده‌تر و آسان‌تر از سیستم‌های سنتی می‌باشد. چون در این نظام اولاً بایک امضاءدیجیتالی، پرداخت به صورت مسقیم صورت می‌گیرد و ثانیاً نیازی به حضور فیزیکی کاربر (مشتري) در بانک یا مؤسسه مالی نیست.

د- هزینه کم

هزینه نظام انتقال الکترونیکی وجوه در مقایسه با نظام سنتی انتقال وجه به مراتب پایین‌تر است. صرفه‌جویی در هزینه انتقال وجوه، برای فرستنده وجه، گیرنده وجه و بانک

۱- برای اطلاع بیشتر به منابع ذیل مراجعه نمایید.
Crede, Andreas, Juni, 1998, <http://www.Mondex.Com>, Putland & Tsapakidis, Vol. 15, No.2, 1997. Clarke. Rozer. Dec. 1995.

می‌آورد تا هر زمانی که بخواهد به گردش موجودی و وضعیت حساب خود اطلاع کسب نمایند. از طرف دیگر پیوسته بودن انتقال بدهکار و بستانکار، این امکان را فراهم می‌سازد که زمان تأخیر در انتقال وجوه را به حداقل رساند. در نتیجه اشخاص و سازمان‌ها به نحو مطلوب‌تری می‌توانند به مدیریت نقدینگی خود بپردازند.

ح - بهبود روابط با مشتریان

بکارگیری سیستم‌های انتقال الکترونیکی وجوه باعث می‌شود که روابط بین شرکت‌ها، مؤسسات و بانک‌ها با مشتریان خود بهبود یابد. چون افزایش کارایی، سرعت عمل و کاهش اشتباهات و هزینه پایین‌تر سبب می‌شود که مشتریان ترغیب شوند که بیشتر با سازمان‌ها و مؤسسات ارتباط برقرار نمایند که از سیستم‌های انتقال الکترونیکی وجوه استفاده می‌کنند.

۶-۵ - نحوه عملکرد انتقال وجوه

با توجه به تنوع و گستردگی سیستم‌های انتقال الکترونیکی وجوه، نحوه عملکرد آن نیز متفاوت خواهد بود. ممکن است انتقال الکترونیکی وجوه از طریق کارت اعتباری، کارت هزینه، کارت بدهی، حساب جاری الکترونیکی، حساب جاری معمولی، از طریق تلفن، رایانه، ترمینال رایانه‌ای، اینترنت به وسیله افراد و سازمان‌ها و یا کارمندان بانک صورت پذیرد. ترکیب بین اجزاء یاد شده فرآیندهای بسیار مختلفی را به وجود می‌آورد که تشریح آن‌ها از حوصله این کتاب خارج است. بنابراین در این قسمت به بررسی اصول کلی آن بسنده می‌شود. یکی از مسائل کلیدی در انتقال وجوه، روش‌های انتقال وجوه است. معمولاً انتقال وجوه به دو صورت می‌باشد یکی انتقال اعتبار و دیگر انتقال بدهکار.^۱

- انتقال اعتبار: عبارت است از روشی که در آن وجوه از طریق انتقال‌دهنده برای انتقال گیرنده ارسال می‌شود. اگر هر دو دارای حساب بانکی باشند، انتقال‌دهنده به بانک خود دستور می‌دهد تا حساب او را بدهکار و حساب گیرنده را در بانک و یا بانک‌های دیگر بستانکار نماید. اگر انتقال دهنده دارای حساب بانکی نباشد پول را نقداً به بانک پرداخت

می‌کند و از بانک می‌خواهد که حساب انتقال گیرنده را بستانکار نماید. و اگر انتقال گیرنده دارای حساب بانکی نباشد، بانک انتقال دهنده متعهد می‌شود تا پول را به صورت نقد در اختیار گیرنده قرار دهد.

- انتقال بدهکار: انتقال بدهکار که گاهی به آن جمع‌آوری مطالبات نیز می‌گویند، عبارت است از اخذ اعتبار به وسیله گیرنده از انتقال دهنده. طبق این سازوکار گیرنده به بانک خود دستور می‌دهد تا مبلغ خاصی را از انتقال دهنده وصول نماید.

در یک سیستم انتقال وجوه سه عنصر اصلی وجود دارد که در ذیل توضیحاتی پیرامون آن‌ها ارائه می‌شود:

الف - مجوز پرداخت^۱

فرستنده (فرستنده وجه) باید مجوز پرداخت را صادر نماید و به بانک اطلاع دهد تا انتقال وجوه صورت پذیرد. فرستنده (فرستنده وجه) می‌تواند این دستور پرداخت یا مجوز پرداخت را از طریق تلکس، کامپیوتر، دیسک کامپیوتری، کارت‌های بانکی و یا دیگر وسایل که به وسیله بانک‌ها و مؤسسات شرکت‌کننده در یک سیستم انتقال وجوه مورد قبول است، صادر نماید.

ب - تهاتر پرداخت^۲

بانک فرستنده (فرستنده وجه) و بانک گیرنده (گیرنده وجه) به یک روش توافق شده برای انجام مبادله پرداخت نیاز دارند، که به آن تسویه پرداخت می‌گویند.

ج - تسویه پرداخت^۳

بانک فرستنده و بانک گیرنده باید یک روش پذیرفته شده مجاز برای تسویه بین خود داشته باشند. تسویه پرداخت به شیوه‌های مختلف امکان‌پذیر است. ممکن است هر کدام از بانک‌ها، دارای یک حساب در بانک طرف مقابل باشد، و یا از بانک دیگری (که معمولاً بانک

1 - Payment Authorisation

2 - Payment Clearing

3 - Payment Settlement

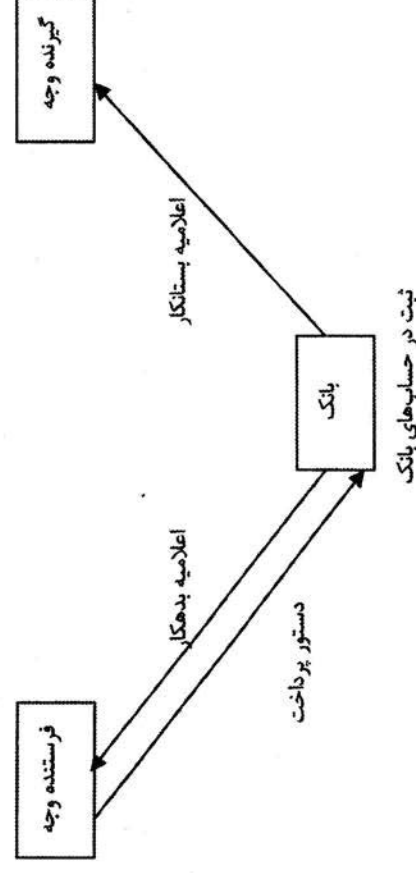
۱- سعید شیخانی، بانکداری الکترونیک و راهبردهای آن در جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده پولی و بانکی ۱۳۷۸، ص ۷.

مرکزی است) استفاده نمایند. به عنصر فوق در سیستم‌های انتقالی مبتنی بر کاغذ مشخص و معین است و به سادگی قابل تشخیص و فهم است ولی در سیستم‌های انتقال الکترونیکی وجوه، تشخیص آن‌ها بسیار مهم است. مجوز پرداخت و تهاتر پرداخت اساساً به پیام‌های مبادله مربوط می‌شوند. در سیستم‌های پرداخت الکترونیکی وجوه، اینترنت برای انجام چنین نقش‌هایی کاملاً مناسب است که باید با سازوکارهای پرداخت موجودی که در یک سطح وسیع‌تر با ثبات مالی و سیاست‌های پولی درگیر است، مرتبط گردد.

حال با درک مفاهیم عناصر اصلی سازوکارهای پرداخت، و انواع روش‌های انتقال اعتبار، به راحتی می‌توان فرآیندهای مختلف انتقال الکترونیکی وجوه را ترسیم و درک نمود. پیچیدگی این فرآیند به عوامل متعددی وابسته است. یکی از این عوامل تعداد بانک‌های درگیر می‌باشد، که برای آن‌ها حداقل سه وضعیت یعنی وجود یک بانک، دو بانک و سه بانک قابل پیش‌بینی می‌باشد.

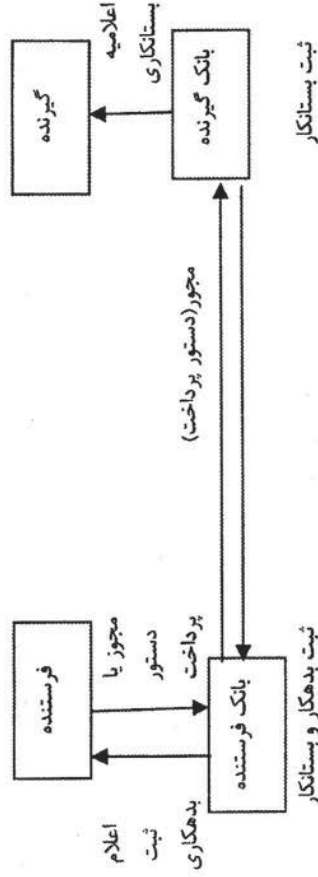
۱-۶- فرآیند انتقال وجه با وجود یک بانک

در این وضعیت سه طرف وجود دارد: ۱- بانک ۲- فرستنده وجه ۳- گیرنده وجه. فرستنده و گیرنده وجه هر دو در بانک حساب دارند، برای انتقال وجه کافی است فرستنده با یکی از ابزارهای مورد قبول مجوز پرداخت را صادر کند. در این حالت بانک سریعاً این کار را انجام می‌دهد.



۲-۵-۶- فرآیند انتقال وجه با وجود دو بانک

در این وضعیت دو بانک، یک بانک فرستنده و یک بانک گیرنده وجود دارند. به عبارت دیگر فرستنده در یک بانک حساب دارد و گیرنده در بانک دیگر در این حالت برای انتقال وجه لازم است هر دو بانک دارای حساب در بانک یکدیگر باشند. به عبارت دیگر یکی از بانک‌ها به عنوان کارگزار اتاق پایایی دیگری عمل می‌نماید.



۳-۵-۶- انتقال وجه با درگیری همزمان سه بانک

اگر وضعیتی پیش‌آید که دو بانک رابطه مستقیمی با یکدیگر نداشته باشند یا به عبارت دیگر بانک فرستنده در بانک طرف مقابل حساب نداشته باشند، و در یک اتاق پایایی مشترک نیز عضو نباشند، انتقال وجه بین این دو باید از طریق یک یا چند بانک واسطه که با هر دو بانک رابطه دارند صورت گیرد. در این حالت وضعیت این دو بانک مانند وضعیت دو مشتری است که در یک بانک حساب دارند. (فرآیند انتقال وجوه با وجود یک بانک).

مدل پیچیده‌تر خواهد شد ولی چون ابتدا مدل ساده فرض شد در آن، ساده خواهد بود. با توجه به اینکه در سیستم انتقال الکترونیکی وجوه دستور پرداخت (مجوز پرداخت) به روش الکترونیکی صادر می‌شود ابتدا باید بررسی شود که آیا صادرکننده دستور، همان شخص مجاز و دارنده واقعی حساب می‌باشد یا خیر؟ پس از آن در کلیه مراحل بعدی انتقال وجوه، مسائل امنیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت امنیت در سیستم‌های الکترونیکی انتقال وجوه در بخش پایانی این فصل به طور مجزا و مفصل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

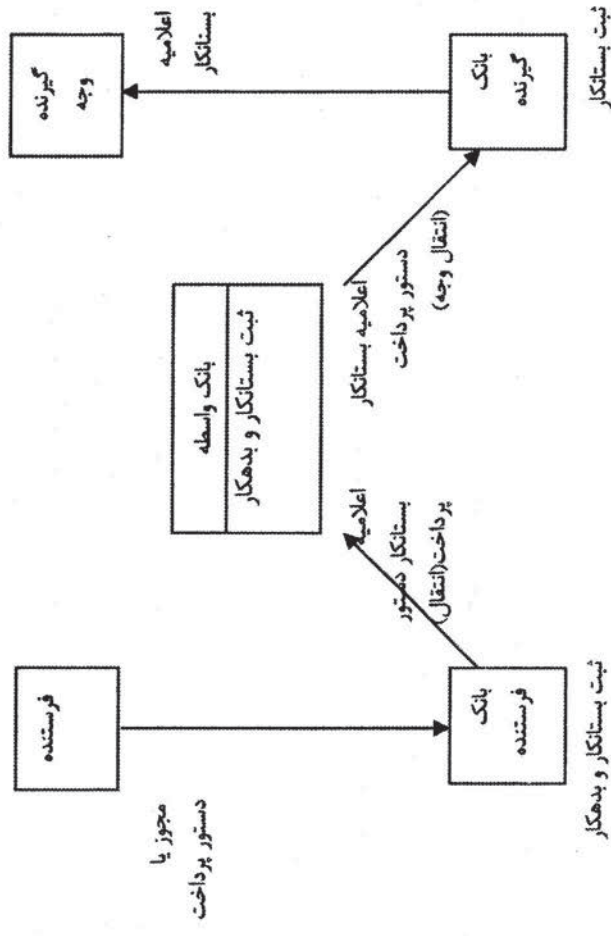
یکی دیگر از عواملی که در مدل فوق مؤثر است و بر پیچیدگی و تنوع آن می‌افزاید ابزار پرداخت می‌باشد. در بانکداری الکترونیکی و انتقال الکترونیکی وجوه ابزار مختلف نظیر کارت اعتباری، کارت بدهکار، کارت هزین، کارت هوشمند، حساب جاری الکترونیکی، ماشین‌های خودپرداز، ماشین‌های نقطه فروش، ماشین‌های نقطه خرید (POP)^۱، پول الکترونیکی، چک الکترونیکی، سیستم الکترونیکی پرداخت صورت حساب، بانکداری خانگی، و... وجود دارد و یا در حال تکوین می‌باشد. هر کدام فرآیند مخصوص به خود را دارد و به نوبه خود پیچیدگی‌هایی بر مدل‌های فوق خواهد افزود. جنبه دیگری که در مدل انتقال وجوه مؤثر می‌باشد، برای پرداخت‌های بین‌المللی فرآیند مشکل‌تر خواهد شد. امروزه برای پرداخت‌های بین‌المللی معمولاً از شبکه سوئیفت^۲ استفاده می‌شود شبکه سوئیفت انتقال الکترونیکی وجوه را در سطح بین‌المللی با سرعت، دقت و امنیت بسیار بالا انجام می‌دهد.

جنبه دیگر مدل انتقال الکترونیکی وجوه، حجم وجوه قابل انتقال می‌باشد. وجوه قابل انتقال معمولاً به سه دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- انتقال وجوه با حجم کم^۳
- ۲- انتقال وجوه با حجم متوسط^۴
- ۳- انتقال وجوه با حجم بالا^۵

دستورات پرداخت و انتقال وجوه با حجم کم معمولاً به صورت دسته‌ای بین بانک‌ها یا

- 1 - Point-Of-Purchase
- 2 - SWIFT
- 3 - Low Value Funds Transfer
- 4 - Medium Value Funds Transfer
- 5 - High Value Funds Transfer



البته در این گلو به جای بانک سوم (واسطه)، پایایی و یا یک بانک غیر تجاری مثل بانک مرکزی می‌تواند وجود داشته باشد. در سیستم‌های انتقال الکترونیکی وجوه، معمولاً اتاق پایایی اتوماتیک عملیات تسویه بین بانک‌ها را انجام می‌دهد.

نکته دیگر که در مورد مدل فوق می‌توان در نظر داشت این است که ارتباطات بانک‌ها می‌تواند به صورت مثلثی نیز باشد یعنی بانک فرستنده وجوه مستقیماً به بانک گیرنده نزد واسطه را بستانکار می‌نماید. و از طرف دیگر به بانک واسطه نیز دستور می‌دهد که حساب او بدهکار و حساب بانک گیرنده را بستانکار نماید.^۱

آنچه مورد اشاره قرار گرفت مدل ساده انتقال وجوه (انتقال اعتبار) بود، که بسیاری از فاکتورها، عوامل و مراحل کار حذف شده است. یکی دیگر از عوامل مؤثر در مدل انتقال وجوه مسئله امنیت می‌باشد. چه در سیستم‌های دستی و چه در سیستم‌های الکترونیکی، امنیت از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. اگر مسئله امنیت به مدل‌های ساده فوق اضافه شود،

۱ - سعید شیخانی، بانکداری الکترونیک و راهبردهای آن در جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده پولی و بانکی ۱۳۷۸، ص ۱۷.

۶-۶-۱- بانکداری الکترونیکی مصرف‌کننده (در سطح مشتری)

منظور از بانکداری الکترونیکی مصرف‌کننده، آن بخش از بانکداری الکترونیکی می‌باشد که توسط اشخاص و مشتریان حقیقی بانک مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر آن بخشی از بانکداری است که مشتریان و مصرف‌کنندگان نهایی با آن سر و کار دارند. این بخش از بانکداری الکترونیکی از قسمت‌های مختلفی تشکیل می‌شود که ذیلاً در مورد آن‌ها توضیحاتی ارائه می‌شود:

• ماشین خودپرداز

به طور خلاصه ماشین‌های خودپرداز، پردازنده‌ها یا پانلهای الکترونیکی هستند که توسط بانک‌ها برای تسهیل کار مشتریان بانک، در مکان‌های خاصی نصب می‌شوند و به طور بیست و چهار ساعته در دسترس مشتریان می‌باشند.

مشتریان از طریق این ماشین‌ها می‌توانند کارهای زیر را انجام دهند:

- ۱- برداشت وجه از حساب
- ۲- درخواست صورت حساب بانکی
- ۳- به حساب گذاشتن چک یا وجه نقد
- ۴- علاوه بر موارد فوق از طریق دستگاه خودپرداز می‌توان بلیط هواپیما، اوراق قرضه، و سهام خریداری نمود و نسبت به پرداخت صورت حساب‌های آب و برق و ... اقدام نمود.

یک ماشین خودپرداز می‌تواند به عنوان یک شعبه از یک بانک عمل کند و بسیاری از وظایف اصلی بانکداری را انجام دهد. بخش عظیمی از مبادلات با حداقل مداخلات نیروی انسانی انجام خواهد گرفت. علاوه بر آن، این ماشین به گونه‌ای طراحی شده است که به طور ۲۴ ساعته و بدون توقف کار می‌کند. با بکارگیری ماشین‌های خودپرداز در هزینه‌های کارکنان و بعضی از هزینه‌های سرشارشعبه بانک صرفه‌جویی می‌شود. با توجه به هزینه‌های بالای این ماشین‌ها، به منظور افزایش کارایی و بهره‌برداری مؤثر از هزینه‌های این دستگاه‌ها، بهتر است بانک‌ها به جای رقابت برای در اختیار گرفتن بازار خود پرداز، با هم بر سر یک سیستم مشارکتی استفاده از این دستگاه‌ها به توافق برسند. زیرا چنانچه بانک‌های کشور نتوانند با هم به توافق برسند، می‌توان با وصل کردن خودپردازهای بانک‌های مختلف به یک شبکه سوئیچ که به بانک میزبان مرتبط می‌گردد، کارآیی و اثربخشی آن دستگاه‌ها را سه

اجزاء نظام انتقال وجوه صورت می‌گیرد. چون حجم ریالی این معاملات پایین است سیستم‌های مربوطه به گونه‌ای طراحی می‌شوند که اتاق پایایی خودکار به طور روزانه و به صورت دسته‌ای اطلاعات مربوط به معاملات و مبادلات را دریافت و پردازش نماید که در حقیقت یک سیستم ناپیوسته^۱ انتقال الکترونیکی وجوه می‌باشد.

در مورد انتقال وجوه با حجم متوسط هم تا حدودی سیستم به صورت ناپیوسته است ولی زمان آن کمتر از یک روز و معمولاً یک یا چند ساعت است.

در خصوص انتقال وجوه با حجم بالا سازوکار عمل شبیه به دو نوع دیگر است با این تفاوت که مبنای انتقال اطلاعات جهت پردازش به وسیله اتاق پایایی به صورت پیوسته^۲ می‌باشد. انتقال وجه با حجم بالا به علت مسائل امنیتی انتقال، احتمال اشتباه و اثرات مربوطه لازم است به صورت پیوسته برای هر معامله، اطلاعات جهت پردازش و کنترل و تسویه به اتاق پایایی خودکار ارسال گردند.

۶-۶-۲- انواع سیستم‌های انتقال الکترونیکی وجوه

با توجه به گسترش روزافزون سیستم‌های جدید انتقال الکترونیکی وجوه، طبقه‌بندی و دسته‌بندی آن‌ها کار بس دشوار است. در اینجا مفاهیم مربوط به انتقال الکترونیکی وجوه، بر اساس دامنه و فضای اصلی انتقال الکترونیکی وجوه و فناوری اطلاعات و ارتباطات در بانکداری به سه دسته اصلی تقسیم و بررسی می‌شود:

- بانکداری الکترونیکی مصرف‌کننده^۳ (بانکداری الکترونیکی در سطح مشتری)
- بانکداری الکترونیکی بین بانکی^۴
- کارتهای پلاستیکی^۵ (بانکی)

1 - Off - Line

2 - On - Line

3- Consumer Electronic Banking

4- Inter Bank Electronic Banking

5 - Plastic Card

محدودیت‌های برون‌مرزی بانک‌ها، فقدان زیرساخت‌های مناسب (مانند خدمات شبکه‌ای ملی، نارسایی‌های آموزش مشتریان، درگیر بودن مؤسسات مالی، مشتریان و تعداد زیادی فروشنده به طور همزمان و ... می‌باشد.

طرز کار با این دستگاه‌ها و شیوه انتقال الکترونیکی وجوه در صورتی که از کارت بدهکار استفاده شود بدین ترتیب است.

- مشتری کارت را درون دستگاه مربوطه فروشگاه قرار می‌دهد.
- کارت از طریق تجهیزات نقطه فروش، اعتبار و هویت مشتری را بررسی و تعیین می‌کند که آیا وجه نقد کافی در حساب وجود دارد و بعد از آن در صورت تأیید، معامله انجام می‌شود و یک پیغام بدهکاری برای مشتری فرستاده می‌شود.
- سپس فروشنده فاکتور فروش را در اختیار مشتری قرار می‌دهد که آن را امضاء کند. (این تأییدیه کتبی به منزله قطعی شدن انجام معامله است).

• بانکداری تلفنی^۱

بانکداری تلفنی، عبارت است از انجام یک معامله تجاری خرده بین بانک و مشتریان از طریق تلفن. در بانکداری تلفنی معمولاً سه روش اصلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- واکنش صوتی^۲

برای این منظور مشتری شماره رایانه مرکزی بانک را می‌گیرد، پس از برقراری ارتباط، رایانه بانک به طور گویا از مشتری می‌خواهد که شماره حساب و شماره عبور را وارد کند پس از تأیید این مراحل، مشتری می‌تواند با فشار دادن کلیدهای شماره‌گیری تلفن، اطلاعات مختلف مانند مانده و گردش حساب خود را دریافت نموده و یا دستور پرداخت صادر نماید.

- تشخیص صدا^۳

بعضی از سیستم‌ها، صدای تماس گیرنده را تشخیص می‌دهند و پس از تأیید صدای مشتری، معاقباً پاسخ متناسب را به دستورات او می‌دهد. در این سیستم مشتری با رایانه بانک تماس برقرار می‌کند، رایانه پس از تأیید صدای مشتری، به او اجازه می‌دهد دستورات

1 - Telephone Or Screenphone Banking

2- Voice Response

3- Voice Recognition

میزان قابل توجهی افزایش داد.

طرز استفاده مشتریان از دستگاه‌های خودپرداز بسیار ساده است، هر مشتری با یک کارت خودپرداز و یک کد اختصاصی شخصی می‌تواند از دستگاه مزبور استفاده نماید و عملیات مورد نظر را انجام دهد.

علی‌رغم اینکه در ایران بانک‌ها در دهه هفتاد شمسی دستگاه‌های خودپرداز خریداری و در شعب خود نصب کردند ولی هنوز این ماشین‌ها نتوانسته جای خود را آن‌گونه که شایسته است، باز کنند. زیرا اولاً تعداد شعبی که مجهز به این دستگاه‌ها هستند محدود می‌باشند. به همین دلایل کارتهای خودپرداز زیاد مورد استقبال قرار نگرفته‌اند. ثانیاً هر بانک دستگاه‌های خودپرداز مخصوص به خود را داراست و کارت مخصوص خودپرداز یک بانک قابل استفاده برای دستگاه‌های خودپرداز بانک‌های دیگر نمی‌باشد.^۱

• ماشین‌های نقطه فروش (EFT POS)^۲

اساساً انتقال الکترونیکی وجوه در نقطه فروش به معنی انتقال الکترونیکی وجوه در نقطه فروش می‌باشد. به عبارت دیگر انتقال الکترونیکی وجوه در نقطه فروش دستگاهی است که طبق آن یک مشتری در نقطه‌ای از زمان و مکان که در آنجا کالا یا خدماتی را می‌خرد، با استفاده از اشکال مختلف تعیین هویت ایمن و حلقه اتصال الکترونیکی مطمئن، وجه را از حساب خود در یک بانک یا مؤسسه مالی، به فروشنده منتقل می‌کند، یکی از اشکال رایج تعیین هویت ایمن موجود، کارت پلاستیکی با یک نوار مغناطیسی می‌باشد که روی آن که مشخصات ویژه شخصی^۳ تعبیه شده است.

دستگاه‌های انتقال الکترونیکی وجوه در نقطه فروش در دهه هفتاد میلادی در آمریکا مرسوم شد، در دهه‌های هشتاد و نود میلادی دستگاه‌های جدیدتری از انتقال الکترونیکی وجوه در نقطه فروش عرضه شد، و مورد استقبال مردم نیز قرار گرفت. در آمریکا، کانادا و تعدادی در کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و سوئیس این دستگاه‌ها معمول است ولی نرخ رشد آن از خودپردازها کمتر است. کند بودن رشد بهره‌برداری از این دستگاه‌ها به علت

۱- در حال حاضر بانک مرکزی با اجرای طرح قصد دارد کلیه بانک‌ها را تا پایان ۱۳۸۳ به یکدیگر متصل نماید.

2- Electronic Funds Transfer At The Point Of Sale

3- Personal Identification Number.

وام نمایند و یا سایر معاملات را از طریق اینترنت انجام دهند.

• بانکداری خانگی /دفتری^۱

اساساً بانکداری خانگی به انجام عملیات بانکی از طریق رایانه شخصی اطلاق می‌گردد. امروزه رایانه شخصی فقط یک ابزار کسب و کار در سازمان‌ها نیست، بلکه جزء اسباب و لوازم مصرفی خانوارها می‌باشد. رایانه شخصی مثل تلفن برای ارتباطات و مبادلات با بانک در خانه‌ها و دفاتر کار مورد استفاده قرار می‌گیرد به طور طبیعی توسط بانک‌ها تهیه و بین مشتریانشان توزیع می‌شود. این موضوع به عنوان یک مانع در جذب سایر مشتریان توسط بانک قلمداد می‌گردد. برای این منظور معمولاً یک شبکه یا نرم‌افزار بانکداری توسط بانک‌ها در دسترس مشتریان قرار می‌گیرد تا از این طریق دامنه وسیع‌تری از مشتریان را به طرف خود جذب نمایند. با توجه به مسائل مختلف نرم‌افزارها و شبکه‌های رایانه‌ای جهت ارتباط مشتریان با بانک‌ها، بانکی موفق‌تر خواهد بود که شبکه و نرم‌افزارهای بهتر و مناسب‌تر با دامنه وسیع‌تر ارائه نماید.

لازم به توضیح است که بانکداری دفتری مثل بانکداری خانگی است با این تفاوت که بانکداری خانگی مخصوص خانوارها می‌باشد و بانکداری دفتری، در دفتر کار افراد، صاحبان حرف، مؤسسات و سازمان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲-۶-۶- بانکداری الکترونیکی بین بانکی^۲

انتقال الکترونیکی وجوه بین بانک‌ها، در کشورهای مختلف به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شود. یک شیوه جهانی انتقال الکترونیکی وجوه، استفاده از شبکه سوئیفت می‌باشد. بانک‌های عضو در این شبکه بین بانکی به راحتی می‌توانند، به انتقال الکترونیکی وجوه بین خود بدون محدودیت مرز و در سطح بین‌المللی اقدام نمایند. سوئیفت معمولاً برای نقل و انتقالات بین‌المللی پول بین بانک‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سیستم پرداخت اطلاق پایایی اتوماتیک علاوه بر سوئیفت، کشورهای پیشرفته برای انتقال الکترونیکی وجوه بین بانک‌های خود از سیستم‌های داخلی استفاده می‌کنند. به عنوان

1- Home/ Office Banking

2- Interbank Electronic Banking

لازم را (نظیر دریافت گزارش مانده و گردش حساب، دستور پرداخت) به صورت شفاهی صادر نماید.

- تلفن‌های قابل برنامه‌ریزی^۱

تلفن‌های قابل برنامه‌ریزی به تماس گیرنده اجازه می‌دهد که به حسابش در بانک با استفاده از کلیدهای تلفن دسترسی داشته باشد. رایانه بانک پس از مراحل کنترلی، به مشتری اجازه استفاده و برنامه‌ریزی در مورد حسابش را می‌دهد.

تسهیلات بانکداری تلفنی شامل موارد زیر می‌باشد:

- بررسی مانده و گردش حساب
- پرداخت صورت حساب‌ها
- مدیریت وجوه نقد
- خدمات پیام (پیام‌های غیرساختاری، پیام‌هایی که دارای قالب مشخصی نیستند)
- انتقال وجه نقد به سایر حساب‌ها

• بانکداری اینترنتی^۲

در حال حاضر بانکداری خانگی از طریق اینترنت، به وسیله کارت‌های بدهکاری مدرن (مثل کارت هوشمند)^۳ صورت می‌پذیرد. این کارت‌ها فهرستی از خدمات مالی همچون چک الکترونیکی، پرداخت صورت حساب‌ها، و سایر خدمات بانکداری خرد که به وسیله بانک‌ها ارائه می‌شود را به نمایش گذارده است. ترکیب رایانه‌های خانگی و کارت‌های حافظه‌دار رایانه‌ای سبب شده که بتوان اطلاعات مربوط به حساب را بر روی آن‌ها منتقل نمود.

بانک‌ها می‌توانند بر روی شبکه جهانی وب (WWW) یک صفحه اختصاصی اینترنتی^۴ برای نمایش اطلاعات در مورد بانک و خدماتشان ایجاد کنند و علاوه بر آن به مشتریان اجازه بدهند که بسیاری از اعمال را انجام دهند. از طریق این صفحه اختصاصی اینترنتی، مؤسسات ممکن است به سپرده‌گذاران، اختیار بدهند که مانده حساب خود را کنترل کنند، درخواست

1 - Programmable Telephone

2 - Internet Banking

3 - Smart Card

4 - Home... Page

• کارت بدهکار یا پرداخت^۱

این کارت برای مشتریانی طراحی شده است که علاقه‌مند هستند برای پرداخت‌هایشان از کارت استفاده نمایند ولی نمی‌خواهند از اعتبار استفاده نمایند که معمولاً به دو شکل عرضه می‌شوند:

• بدهکاری تک معاملهای^۲

کارت‌هایی هستند که به یک حساب جاری وصل می‌باشند و پس از انجام هر معامله فوراً از حساب برداشت می‌شود.

• بدهکاری ماهیانه^۳

مهمترین مزیت این نوع کارت برای دارنده آن این است که به آن‌ها این اجازه را می‌دهد که پرداخت را به عقب اندازند.

• کارت‌های اعتباری^۴

این کارت‌ها دو نوع هستند: ۱- کارت‌های پرداخت متغیر^۵ ۲- کارت‌های پرداخت مجدد ثابت^۶.

• کارت‌های هزینه^۷

این نوع کارت تقریباً مشابه کارت‌های اعتباری هستند با این تفاوت که در پایان ماه باید کل مبلغ صورت حساب پرداخت شود.

- 1 - Debit Card
- 2 - Single Transaction Debit
- 3 - Monthly
- 4 - Credit Card
- 5 - Variable Payment Cards
- 6 - Fixed Repayment Cards
- 7 - Charge Cards

مثال در کشور آمریکا از سیستم پرداخت اطاق پایایی الکترونیکی بین بانکی CHIPS^۱، انگلستان از انتقال CHAPS^۲، و مالزی از انتقال RENTAS^۳ استفاده می‌نمایند.

سیستم اطاق پایایی پرداخت بین بانکی (CHIPS) یک شبکه خصوصی است که مالک آن انجمن اطاق پایایی نیویورک است. بیش از ۱۴۰ بانک عضو آن می‌باشند و می‌توانند دستورهای انتقال وجوه را از طریق این سیستم برای یکدیگر ارسال نمایند. البته در آمریکا برای انتقال وجوه بین بانکی از FEDWIRE و ACH نیز استفاده می‌شود.

CHAPS یک سیستم پرداخت کامل می‌باشد، در این سیستم علاوه بر انجام تسویه حساب قابلیت انتقال پیام نیز وجود دارد. پرداخت‌ها از طریق این سیستم به صورت مجانی و آنی می‌باشد و دریافت آن تضمین شده و غیر قابل برگشت است. ایده CHAPS مربوط به دهه ۱۹۷۰ می‌باشد زمانی که نیاز به یک سیستم انوماتیک انتقال وجه (به استرلینگ) جهت پردازش تسویه معاملات و تراکنش‌های بازار پول در سطح جهانی بسیار محسوس بود. در سال ۱۹۸۴، CHAPS، به عنوان یک سیستم بین بانکی الکترونیکی شروع به کار نمود. در انگلستان علاوه بر CHAPS، BACS^۴ خدمات پایایی انوماتیک بانکی نیز وجود دارد که وظیفه آن پردازش مجموعه پرداخت‌های الکترونیکی از قبیل دستور پرداخت دائمی، بدهکاری مستقیم، پرداخت حقوق و دیگر انتقال‌های الکترونیکی اعتبار می‌باشد.

مالزی که یک کشور تازه توسعه‌یافته است نیز به منظور گسترش بانکداری الکترونیکی بین بانکی سیستم RENTAS را به وجود آورده است. این سیستم برای انتقال الکترونیکی وجوه و اوراق قرضه به طور بلادرنگ بوجود آمده است. انتقال الکترونیکی اعتبار (بستانکار) و بدهکار بین بانکی در مالزی توسط این سیستم انجام می‌شود. علاوه بر این معامله اوراق قرضه دولتی بین مؤسسات عضو توسط این سیستم انجام می‌شود.

۳-۶-۶- کارت‌های پلاستیکی (بانکی) در بانکداری الکترونیکی

یکی از ابزارهای بانکداری الکترونیکی، کارت‌ها می‌باشد.
در اینجا تعریفی مختصری از انواع کارت‌های بانکی ارائه خواهد شد.

- 1- Clearing House Interbank Payment System
- 2- Clearing House Automated Payment
- 3- Real Time Electronic Transfer of Fund And Securities

طرف معامله میسر می‌سازد، می‌باشد. در این تعریف ساده به دو موضوع مهم اشاره شده است یکی زیرساخت فناوری و دیگری زیرساخت قانونی. منظور از زیرساخت فناوری، مجموعه سخت‌افزار و نرم‌افزاری است که امکان انتقال ارزش را فراهم می‌سازد. و زیرساخت قانونی مجموعه قوانین، مقررات و توافقنامه‌هایی هستند که از سیستم پرداخت حمایت می‌کند و در طرفین معامله ایجاد اطمینان و اعتماد می‌نمایند.^۱

معماری سیستم‌های پرداخت الکترونیکی، مجموعه مشخصه‌ها و مؤلفه‌هایی هستند که ساختار سیستم پرداخت الکترونیکی را به طور کلی نشان می‌دهد. عناصر اصلی پرداخت، فرآیند پرداخت، ابزارهای پرداخت، زیرساخت قانونی، زیرساخت فناوری، مسائل امنیتی، و طرف‌های درگیر سیستم‌های پرداخت، در معماری سیستم‌های پرداخت الکترونیکی مشخص و معین می‌شوند.

۶-۸ - ویژگی‌های سیستم‌های پرداخت الکترونیکی مناسب

در طراحی سیستم‌های پرداخت الکترونیکی، ابتدا لازم است طراح در مورد ویژگی‌های یک سیستم پرداخت الکترونیکی مناسب شناخت کافی داشته باشد. به همین علت در اینجا ابتدا مهمترین ویژگی‌های یک سیستم پرداخت الکترونیکی مناسب بررسی می‌شود. سپس عناصر و زیرساخت‌های مورد نیاز مورد بحث قرار خواهند گرفت.

الف - قابلیت اطمینان^۲ و امنیت^۳

نخستین ویژگی یک سیستم پرداخت الکترونیکی، امنیت و قابلیت اطمینان بودن آن می‌باشد. با توجه به حساسیت معاملات تجاری و پرداخت وجوه، سیستم پرداخت الکترونیکی باید با قابلیت اطمینان بالا، همواره در دسترس کاربران باشد و میزان خطا و مشکلات امنیتی در آن نزدیک به صفر باشد. برای این منظور باید از سخت‌افزارها، نرم‌افزارها و پروتکل‌های

۱- برای اطلاع بیشتر در این خصوص، به منابع زیر مراجعه نمایید:

A. <http://viperdit.Com>

B. d. Alelio & Collins, 1996, p. 3.

۲ - Reliability

۳ - Security

• کارت‌های هوشمند

نوع پیشرفته‌ای از کارت‌های بدهکاری یا اعتباری می‌باشد، که دارای (Chip) و حافظه می‌باشد، از لحاظ مکانیسم عمل، ویژگی‌های کارت‌های بدهکار و اعتباری را می‌تواند داشته باشد. این نوع کارت‌ها در حال تکوین می‌باشند ولی دو نوع مشهور آن عبارتند از: کیف پولی الکترونیکی و چک الکترونیکی.

◀ کیف پول الکترونیکی^۱

یک نوع کارت هوشمند است که می‌تواند حداکثر یک مبلغ معین را در خود نگه دارد. برای وارد کردن پول در آن نیاز به کد اختصاصی شخصی (PIN)^۲ می‌باشد ولی برای برداشت نیازی به کد نیست. کیف پول الکترونیکی را می‌توان بارها پر کرد یعنی مجدداً تا سقف مجاز شارژ نمود.

◀ چک الکترونیکی^۳

برای استفاده از این کارت در معاملات خرده‌فروشی از انتقال الکترونیکی وجوه در نقطه فروش استفاده می‌شود. از طریق انتقال الکترونیکی وجوه در نقطه خرید و متصل شدن به ترمینال بانک عملیات انتقال الکترونیکی وجوه صورت می‌پذیرد یعنی حساب مشتری در بانک بدهکار و حساب فروشنده بستاکار می‌گردد.

۶-۷ - معماری سیستم‌های پرداخت الکترونیکی

در بخش‌های قبل، پول، بانکداری، بانکداری الکترونیکی، انتقال الکترونیکی وجوه و ابزارهای مربوطه شرح داده شد. در این بخش، درباره معماری سیستم‌های پرداخت الکترونیکی بحث خواهد شد. ابتدا به عنوان مقدمه لازم است مفهوم سیستم پرداخت مورد بررسی قرار گیرد.

منظور از سیستم پرداخت، « زیر ساخت فناوری و قانونی که انتقال ارزش را بین دو

1 - Electronic Purse

2 - Personal Identification Number

3 - Electronic Cheque

مختلف پرداخت، کار کند و کاربر را محدود به یک روش خاص نکند. مثلاً با انواع کارت‌های بدهکار، اعتباری، هزینه و غیره قابل اجرا باشد.

و - تبدیل پذیری^۱

انواع ابزارها و روش‌های پرداخت مورد استفاده در سیستم پرداخت، باید قابلیت تبدیل به یکدیگر را داشته باشند علاوه بر این حتی‌الامکان، امکان تبدیل ارز را نیز فراهم نماید.

ز - کارایی^۲

منظور از کارایی میزان سرعت انجام معامله است. سرعت و کارایی یک سیستم پرداخت باید در حد مطلوب باشد. برای این منظور معمولاً از پروتکل‌های ساده‌تر برای مبالغ پایین استفاده می‌شود تا از این طریق ترافیک را کاهش داده و کارایی را بالا ببرند.

ح - سهولت استفاده از سیستم^۲

سیستم پرداخت الکترونیکی باید به گونه‌ای طراحی گردد که کاربر، حداقل اطلاعات را وارد سیستم نماید و بدون وارد کردن جزئیات معاملات، بتواند به خرید و پرداخت وجه اقدام نماید. علاوه بر این باید ابزارهای مناسب در اختیار کاربر قرار گیرد تا بتواند از مراحل انجام معامله قدم به قدم اطلاع کسب نماید و راهنمایی لازم به وی ارائه شود.

۶-۹ - عناصر اصلی سیستم پرداخت الکترونیکی

در هر سیستم پرداخت سه عنصر اصلی وجود دارد. عنصر اول مجوز پرداخت است. یعنی خریدار یا فرستنده وجه به بانک مجوز می‌دهد که پرداخت صورت گیرد. دوم تهاجر پرداخت است یعنی بین بانک فرستنده و بانک گیرنده (در صورتی که دو بانک دخیل باشند) باید

- 1 - Convertability
- 2 - Efficiency
- 3 - Ease Of Use

امنیتی مطمئن، استفاده شود. منظور از قابلیت اطمینان سیستم‌های پرداخت الکترونیکی این است که سیستم همواره در دسترس کاربران باشد و چنانچه با خطای سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری مواجه شد سریعاً خطا تشخیص داده شود و سیستم‌های موازی آن وارد عمل شوند و یا به طور خودکار خطا یا نقص برطرف شود.

ب - مقیاس پذیری^۱

دومین ویژگی سیستم پرداخت الکترونیکی مناسب به عدم وجود محدودیت در استفاده کاربران از سیستم و عدم کاهش کارایی به هنگام افزایش تعداد کاربران می‌باشد.

ج - رعایت گمنامی^۲

یکی دیگر از خصوصیات یک سیستم پرداخت الکترونیکی رعایت اصل گمنامی است. مشخصه افرادی که با این سیستم ارتباط برقرار می‌کنند و یا معامله‌ای را انجام می‌دهند، نباید آشکار و قابل پیگیری باشد. به عبارت دیگر حداقل آشکار کردن آن برای افراد عادی ممکن نباشد و یا هزینه بالایی داشته باشد. البته ممکن است برای پیگیری‌های قانونی روش‌هایی را طراحی نمود تا بتوان افراد دست‌اندرکار یک معامله غیرقانونی را شناسایی نمود.

د - قابل قبول بودن^۲

برای طرفین یک معامله، باید سیستم پرداخت و سازوکار آن قابل قبول باشد. مبنای قابل قبول بودن می‌تواند قانونی یا قراردادی باشد.

ه - انعطاف پذیری^۲

یک سیستم پرداخت الکترونیکی مناسب، سیستمی است که بتواند با ابزارها و روش‌های

- 1 - Scalability
- 2 - Anonymity
- 3 - Acceptability
- 4 - Flexibility

مشخص می‌کند، سازوکار دوم، سازوکار قراردادی توافقی و مقرراتی است بدین ترتیب که بین طرفین یک سیستم پرداخت الکترونیکی، توافقات لازم به عمل می‌آید. بدیهی است که نوع دوم از انعطاف بیشتری برخوردار است، بنابراین خیلی سریع می‌تواند خود را با فناوری جدید وفق دهد.

۶-۱۲- زیرساخت‌های امنیتی سیستم‌های پرداخت الکترونیکی

یک سیستم پرداخت الکترونیکی مناسب باید از پروتکل‌های امنیتی شناخته شده استفاده نماید، زیرا مسائل امنیتی یکی از مؤلفه‌های اساسی سیستم‌های پرداخت الکترونیکی می‌باشد. در این خصوص سیستم پرداخت الکترونیکی باید ویژگی‌های زیر را به لحاظ امنیتی داشته باشد^۱.

- محرمانه بودن^۲: اطلاعات منتقل شده نباید در دسترس افراد غیرمجاز قرار گیرد.
- تصدیق اصالت^۳: هر کدام از طرفین معامله باید بتوانند هویت شخص ارتباط برقرار نموده را شناسایی نمایند.
- یکپارچگی^۴: طرفین باید مطمئن باشند که اطلاعات به طور کامل منتقل شده است.
- انکارناپذیری^۵: باید این امکان فراهم شود که بتوان اثبات کرد که معامله در زمان معینی صورت پذیرفته است.
- اعتماد^۶: طرفین باید نسبت به سیستمی که استفاده می‌کنند اعتماد داشته باشند.
- گمنامی^۷: هویت طرفین معامله برای اشخاص غیرمجاز مخفی باقی بماند.

غیرقابل ردیابی^۱: اینکه چه کسی هزینه کرده، چقدر، چگونه و کجا برای اشخاص غیرقابل ردیابی نباشد.

1- Putland & Tsapkidis, 1997, April .

2- Confidentiality

3- Authentication

4- Integrity

5- Non Repudiation

6- Trust

7- Anonymity

8- Confidentiality

توافق‌نامه‌ای موجود باشد تا عملیات تسویه‌حساب بین دو بانک می‌باشد. این عنصر مهمترین جزء سیستم‌های پرداخت الکترونیکی می‌باشد. برای این منظور معمولاً از اتاق پایایی خودکار استفاده می‌شود. چنین اتاق‌های پایایی به طور خصوصی یا دولتی توسط اکثر کشورها ایجاد شده است. به عنوان مثال در آمریکا سیستم FEDWIRE و CHIPS و ACH وجود دارد که کلیه عملیات پایایی بانکی را به صورت الکترونیکی انجام می‌دهند.

۶-۱۰- زیرساخت‌های فناوری سیستم پرداخت الکترونیکی

یکی از پیش‌نیازهای ایجاد سیستم پرداخت الکترونیکی، زیرساخت‌های فناوری می‌باشد. این زیرساخت‌ها در حقیقت همان زیرساخت‌های لازم برای تجارت الکترونیکی و بانکداری الکترونیکی می‌باشند که مهمترین آن‌ها شامل: امکانات مخابراتی پیشرفته، امکان دسترسی به سیستم‌های ماهواره، شبکه برق مطمئن، امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رایانه‌ای، فراهم‌کنندگان خدمات اینترنت (ISP) و امکان دسترسی همگان به اینترنت می‌باشد.

علاوه بر موارد فوق سیستم‌های حمل و نقل کارا (زمینی، ریلی، هوایی، دریایی)، پست پیشرفته، مؤسسات بیمه توسعه‌یافته نیز در گسترش سیستم‌های پرداخت الکترونیکی مؤثر می‌باشند.

۶-۱۱- زیرساخت‌های قانونی لازم برای سیستم‌های پرداخت

الکترونیکی

یک سیستم پرداخت تنها زمانی می‌تواند به طور موفقیت‌آمیزی مورد استفاده قرار گیرد که در محیط قانونی امن اجرا شود. زمانی یک سیستم پرداخت به خوبی عمل می‌کند که به طور واضح چهارچوب حقوقی و قانونی، اختیارات و الزامات طرف‌های درگیر در سیستم پرداخت الکترونیکی مشخص و تعریف شده باشد. باید طرفین اعتماد و اطمینان داشته باشند که حقوقشان ضایع نمی‌شود و اگر اشتباهی صورت پذیرد از لحاظ قانونی قابل رفع است. ساختار سیستم قانونی خاص و همچنین سیستمی که عناصر سیستم پرداخت الکترونیکی را اداره و کنترل می‌کند بسیار حائز اهمیت می‌باشد. معمولاً از دو سازوکار قانونی استفاده می‌شود. یک سازوکار دارای چهارچوب قانونی بسیار قوی و محکم می‌باشد بدین

• سیستم پرداخت خرد^۱

اغلب سیستم‌های پرداخت، برای پرداخت‌های با ارزش بالا طراحی شده‌اند، اخیراً نظر صاحبان نظران به سیستم جدیدی تحت عنوان سیستم‌های پرداخت خرده جلب شده است و آن پرداخت‌های بسیار جزئی با مبالغ بسیار کم می‌باشد. با توجه به گسترش اینترنت پیش‌بینی می‌شود که در سیستم‌های پرداخت الکترونیکی آینده سازوکار پرداخت به سمت کارت‌ها، پول الکترونیکی و پرداخت‌های خرده سوق پیدا کند.

۶-۱۳ - سازوکار پرداخت در سیستم پرداخت الکترونیکی

برای پرداخت معمولاً سه سازوکار وجود دارد: ۱- پرداخت نقدی سکه و اسکناس ۲- پرداخت و انتقال وجه از طریق بانک ۳- تهاتر کالا به کالا. نوع اول و سوم در سیستم‌های پرداخت الکترونیکی جایی ندارند زیرا نقل و انتقال به این شیوه، امکان‌پذیر نمی‌باشد. بنابراین وقتی از سیستم‌های پرداخت الکترونیکی صحبت می‌شود، منظور همان سازوکار پرداخت بانکی می‌باشد. به عبارت دیگر سازوکار و ابزارهای قانونی ویژه‌ای که برای التزام به پرداخت مبلغ معینی پول، طراحی شده‌اند. با پیشرفت‌هایی که در فناوری اطلاعات و ارتباطات ایجاد شده است، ابزارهای پرداخت نیز متحول شده‌اند. مهمترین ابزارهای پرداخت سیستم‌های الکترونیکی در حال حاضر در ذیل آمده‌اند^۱.

• کارتها

کارت‌ها انواع مختلفی دارند که برای مقاصد مختلفی بر اساس فناوری متفاوتی طراحی شده‌اند. کارتها شامل کارت بدهکار، کارت اعتباری، کارت هزینه و انواع کارت‌های هوشمند می‌باشد.

• پول الکترونیکی

اخیراً در کشورهایی نظیر آمریکا و انگلیس عرضه می‌شود. پول الکترونیکی عبارت است از ارزش پولی ذخیره شده به شکل دیجیتالی، که برای پرداخت‌های فوری معاملات در دسترس می‌باشد. پول الکترونیکی فعلاً مرحله معرفی خود را می‌گذراند.

• چک الکترونیکی

تقریباً مشابه پول الکترونیکی می‌باشد با این تفاوت که در سازوکار چک الکترونیکی سه طرف درگیر هستند (خریدار، فروشنده و بانک) در حالی که در پول الکترونیکی فقط دو طرف وجود دارد (خریدار، فروشنده).

۱- برای اطلاع بیشتر به منابع ذیل مراجعه نمایید:

A. Choraia, 1987, p. 10.
B. Crde', 1998.juni.

۱-۱- مقدمه

در اقتصاد بسته تمامی کالا و خدمات تولید شده و مصرف شده به وسیله پول داخلی ارزش گذاری و مبادله می‌شود. اما امروزه، کلیه کشورهای علاوه بر مبادلات تجاری و اقتصادی که در درون مرزهای جغرافیایی خود دارند، مبادلاتی در قالب خرید و فروش کالا و خدمات با سایر کشورهای جهان را نیز دارند. اصولاً افراد و مؤسسات در مبادلات داخلی یا خرید و فروش کالا و خدمات در داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور از پول رایج آن کشور استفاده می‌کنند و مشکلی نیز از این بابت ندارند. در حالی که در مبادلات بین‌المللی، از آنجایی که هر کشور یک پول و یا واحد پول خاص خود را دارد، پرداخت و دریافت بابت خرید و فروش کالاها و خدمات از پیچیدگی خاصی برخوردار می‌شود و دیگر این مبادلات با پول‌های رایج کشورها امکان‌پذیر نیست. در این صورت نیاز به پول کشور خارجی به وجود می‌آید و با این شرایط مسأله ارز مطرح می‌گردد.

۱-۲- بازار ارز

به طور عموم به پول خارجی، ارز می‌گویند. ولی در حقیقت وسایلی که به منظور پرداختهای پولی بین‌المللی یا انتقالات مورد استفاده قرار می‌گیرند، نظیر سکه و اسکناس خارجی، سپرده‌ها در بانکهای خارجی و دیگر مطالبات مالی قابل پرداخت به پولهای خارجی، ارز نامیده می‌شود. صادر کنندگانی که در عملیات تجاری خود پول رایج خارجی (ارز) به دست می‌آورند، نمی‌توانند آن را در داخل کشور مورد استفاده مستقیم قرار دهند. بنابراین باید با پول رایج داخلی معاوضه‌اش کنند. در مقابل واردکنندگان در جستجوی ارز هستند تا با استفاده از آن، کالاها و خدمات را از خارج خریداری کنند.

عدم استفاده از پول داخلی برای واردات و پول خارجی برای صادرات، پایه و اساس بازاری را می‌ریزد که در آن پولهای خارجی خرید و فروش می‌شود. این بازار به نام بازار ارز (اسعار) نامیده

ارز

۱- مصرف کنندگان سنتی (شامل وارد کنندگان، صادر کنندگان، جهانگردان و سرمایه‌گذارانی که برای معاملات خارجی خود مجبورند پول داخلی را به پول خارجی مبادله کنند)، تجار و سفته‌بازها (شامل اشخاص حقیقی، مدیران طرحهای سرمایه‌گذاری و شرکت‌هایی که با معامله ارز در جستجوی کسب سود کوتاه مدت با استفاده از تغییرات قیمت‌های نسبی هستند).

۲- بانکهای تجاری که به خرید و فروش ارز با مصرف کنندگان سنتی، تجار و سفته‌بازها می‌پردازند.

۳- دلان و واسطه‌های ارزی

۴- بانکهای مرکزی، نیز برای تقویت پول داخلی نسبت به سایر پولها، اقدام به دخالت در بازارهای

ارز می‌کنند.

۳-۳ تعادل در بازار ارز

ارزش برابری هر پول، یا از پیش به وسیله دولت تعیین می‌شود و یا اینکه در بازارهای مبادله خارجی و یا بازار ارز، می‌تواند آزادانه نوسان داشته باشد. در حالتی که موقعیت‌های عرضه و تقاضا برای پول خارجی، تعیین‌کننده نرخ مبادله، باشند، اصطلاحاً گفته می‌شود که ارزش برابری پول در رژیم نرخ مبادله شناور (Floating exchange rate regime) تعیین‌گر دیده است. بنابراین در سیستم ارز یاد شده، نرخ مبادله به وسیله تقاطع منحنی عرضه و تقاضای پول خارجی، معلوم می‌شود شکل (۸۱) این وضعیت را نشان می‌دهد.

۳-۳-۱ تقاضا برای ارز

رابطه تبعی مقدار ارز تقاضا شده و نرخ ارز را در هر واحد زمان و با فرض اینکه دیگر عوامل ثابت هستند، جدول و یا منحنی تقاضای ارز می‌نامند. منحنی تقاضای ارز، مقادیر مختلف ارز تقاضا شده را در نرخهای متفاوت ارز نشان می‌دهد. از جمله خواص این منحنی تقاضا، آن است که مقدار تقاضای

می‌شود. برای مثال، اگر خریدار ایرانی قصد خرید کالاهای آلمانی را داشته باشد، باید پول مورد قبول فروشنده آلمانی - یورو - را برای انجام این معامله فراهم آورد و یا در مقابل، مصرف‌کننده آلمانی، برای خرید از فروشنده ایرانی نیاز به پول رایج در بازارهای ایران یعنی ریال دارد. بنابراین افراد در تأمین خواسته‌های خود، یعنی خرید ارزهای خارجی مورد نیاز، مجبور به بازار مربوطه یعنی بازار ارز می‌باشند.

بنابراین بازار ارز بازاری است که در آن عرضه‌کنندگان، دلان و تقاضاکنندگان به خرید و فروش ارز می‌پردازند. بازار ارز را نباید در حکم مکان یا محلی تلقی کنیم، بلکه بازار ارز یک مکانیزمی است که خریداران و فروشندگان ارزها اعم از اشخاص، بانکها و بانکها را از طریق تلکس، فاکس و تلفن و اینترنت به هم نزدیک می‌سازد. این بازار نیز مانند سایر بازارها از دو طرف عرضه و تقاضا تشکیل شده است. آنچه که در این بازار تعیین می‌شود نرخ مبادله پولها نسبت به همدیگر است، و به این نرخ مبادله، نرخ ارز گفته می‌شود. نرخ ارز عددی است که قیمت واحد پول کشوری را بر حسب واحدهای پول کشورهای دیگر در زمان مشخص، نشان می‌دهد. لذا به کمک نرخ ارز پول کشورهای به یکدیگر قابل تبدیل و بالطبع قابل معامله می‌شوند.

با تعیین ارتباط بین پول کشورهای مختلف، مقایسه قیمت کالاها و خدمات در سطح بین‌المللی ممکن می‌گردد. نرخهای ارز نه تنها نشانگر نسبت‌های متقابل پول کشورهای مختلف می‌تواند باشد، بلکه قیمت کالاها و خدمات داخلی یک کشور فرضی را در مقایسه با دیگر کشورها مشخص می‌کند. بنابراین نرخ ارز نقش مهمی در تعیین حجم و جهت جریان تجارت بین‌المللی بازی می‌کند.

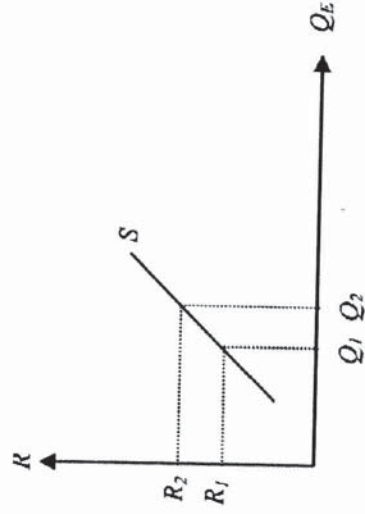
مشارکت کنندگان در بازار ارز عبارتند از:^۲

۱- علی‌رضا رحیمی پروچردی، اقتصاد بین‌الملل (مالیه بین‌الملل) انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۶

۲- سالواتوره، دومینیک، مالیه بین‌الملل، ترجمه حمیدرضا ارباب، نسیمی، ۱۳۶۹، ص ۱۹

۳-۲- عرضه ارز

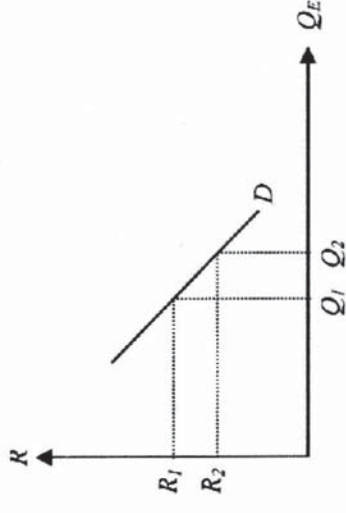
جدول یا منحنی عرضه ارز نشانگر، مقدار متفاوت ارز در نرخهای متفاوت ارز، می باشد. اگر محور افقی مقدار عرضه ارز و محور عمودی نرخ ارز را نشان دهد، شیب منحنی عرضه مثبت خواهد بود، بدین معنی که با افزایش نرخ ارز مقدار عرضه ارز افزایش می یابد. البته لازم به تذکر است که شیب عرضه زمانی مثبت است که کشش وارداتی کالا و خدمات بزرگتر از یک باشد. در صورت کوچکتر بودن، شیب منحنی عرضه نزولی است.



شکل (۳-۲)

- منابع عرضه یک ارز مثلاً بین را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:
- الف - وقتی ژاپنی ها کالاها و خدمات از خارج خریداری کنند (واردات ژاپن).
- ب - تمایل ژاپنی ها به کمک های بلاعوض (هدیه) به خارجیان.
- ج - تمایل ژاپنی ها به سرمایه گذاری در خارج (خرید داراییهای مالی خارجی توسط ژاپنی ها)
- د - وقتی خارجیان داراییهای مالی خود را در ژاپن با بین بفرشند.
- ه - خارجیان ذخایر ارزی خود را که به صورت بین است، با دیگر ارزها جایگزین کنند.
- در شکل (۳۲) در نرخ ارز (قیمت بین به ریال) OR_1 مقدار کل ارز عرضه شده، OQ_1 است و

ارز و نرخ ارز یک رابطه معکوس با یکدیگر دارند.



شکل (۳-۱)

- منابع تقاضای برای یک ارز، مثلاً بین، به طور خلاصه به شرح زیر است:
- الف - تمایل خارجیان برای خرید کالا و خدمات از ژاپن (صادرات ژاپن)
- ب - تمایل خارجیان برای کمک بلاعوض (هدیه) به ژاپنی ها به صورت بین
- ج - تمایل خارجیان جهت خرید داراییهای مالی (تمایل خارجیان به سرمایه گذاری در ژاپن)
- د - تمایل خارجیان (افراد، مؤسسات، بانکها و دولتها) به افزایش ذخایر ارزی به صورت بین
- ه - تمایل ژاپنی ها به فروش داراییهای مالی خارجی خودشان و انتقال وجه آن به صورت بین به ژاپن
- در شکل (۳۱) وقتی نرخ ارز (قیمت بین به ریال) OR_1 مقدار کل ارز تقاضا شده برابر OQ_1 است و وقتی که نرخ ارز از OR_2 به OR_1 کاهش می یابد، مقدار تقاضا برای ارز از OQ_2 به OQ_1 افزایش می یابد. زیرا وقتی که بین ژاپن بر حسب ریال ایران ارزاتر می شود و با فرض اینکه قیمت کالاهای ژاپن به بین ثابت است، قیمت ریالی کالاهای ژاپن در ایران کاهش می یابد. لذا تقاضا برای کالاهای صادراتی ژاپن در ایران افزایش یافته و در نتیجه مقدار تقاضا برای ارز (بین) نیز افزایش می یابد و بر عکس.

در نظام نرخ ارز ثابت، چنانچه افزایش نرخ برابری ارز از سطح تعادل اتفاق افتد، آنگاه یا باید محدودیت‌هایی بر تقاضای ارز از سوی دولت وضع شود و یا اینکه بانک مرکزی باید با استفاده از ذخایر بین‌المللی، مازاد تقاضای ارز را جبران کند. بر عکس این حالت در شرایط کاهش نرخ ارز در این نظام اتفاق می‌افتد.

۸-۳ عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای ارز

عواملی که باعث تغییر مکان منحنی‌های عرضه و تقاضای ارز می‌گردند، سبب تغییر نرخ ارز تعادلی می‌شوند. این عوامل شامل نیروهایی هستند که باعث تغییر در مقدار خرید کالا و خدمات از خارج به وسیله ساکنین کشور و تغییر در میزان خرید کالا و خدمات داخلی به وسیله خارجیان می‌گردند. قیمت‌های نسبی، درآمد واقعی و نرخ بهره از جمله عواملی هستند که تغییر در عرضه و تقاضای ارز یعنی انتقال منحنی‌های عرضه و تقاضای ارز را باعث می‌شوند.

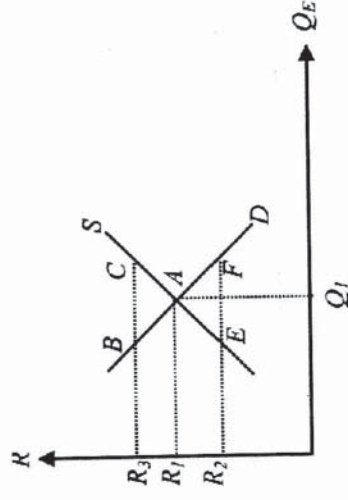
علاوه بر موارد فوق، عواملی چون عوامل فصلی، تغییرات در ظرفیت تولیدی، اعتصابات، رخدادهای سیاسی، انتظارات از سیاست‌های پولی، اولویت دادن به کالاهای داخلی یا خارجی و سایر عوامل، عرضه و تقاضای کالاهای داخلی و خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما در اینجا فقط به اثر سه عامل اصلی، قیمت نسبی، درآمد و نرخ بهره را بر عرضه و تقاضای داخلی و خارجی کالاها و خدمات می‌پردازیم. به عبارت دیگر اثر آنها را بر عرضه و تقاضای ارز و در واقع بر نرخ ارز بین دو کشور، بررسی می‌کنیم.

۱-۱-۱ تغییرات در قیمت نسبی (نرخ تورم)

هنگامی که نرخ تورم در کشوری افزایش می‌یابد، محصولات آن کشور در بازارهای داخلی و خارجی رقابت خود را از دست می‌دهند و واردات آن کشور از خارج افزایش یافته و صادرات کمتری به خارج از کشور خواهد داشت. این وضعیت باعث افزایش تقاضا و کاهش عرضه برای پول خارجی می‌گردد. هنگامی که نرخ تورم در کشور نسبت به نرخ تورم در خارج افزایش بیشتری داشته

وقتی که نرخ ارز از OR_1 به OR_2 افزایش می‌یابد، مقدار عرضه برای ارز از OQ_1 به OQ_2 افزایش می‌یابد. زیرا وقتی که بین بر حسب ریال گرانتر می‌شود و با فرض اینکه قیمت کالاهای ایرانی به ریال ثابت است، قیمت کالاهای ایرانی برای ژاپنی‌ها ارزان‌تر شده و مقدار کل تقاضا برای کالاهای ایرانی افزایش می‌یابد و بنابراین عرضه ارز (بین) بخاطر خرید کالاهای ایرانی زیاد می‌شود و بر عکس.

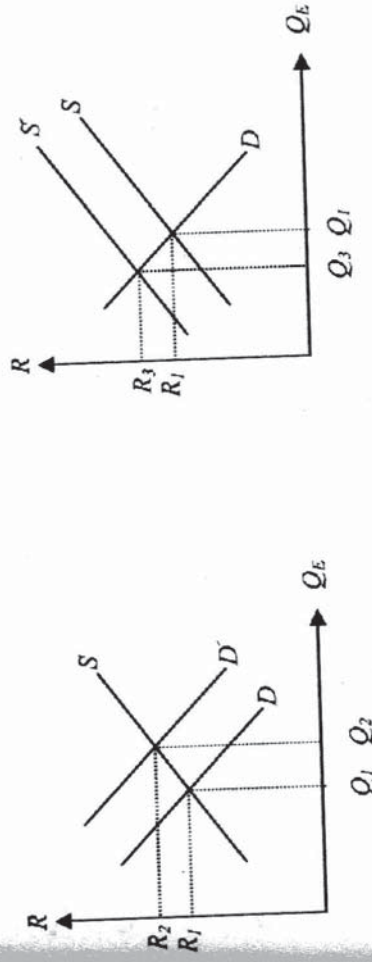
در شکل (۸-۳) منحنی عرضه و تقاضای ارز با رسم شده است و در محل برخورد این دو منحنی، نرخ ارز و مقدار ارز مبادله شده در بازار مشخص می‌گردد.



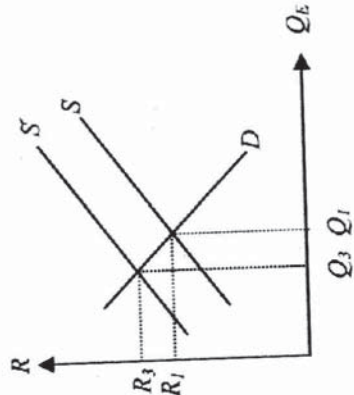
شکل (۸-۳)

در شکل (۸-۳) نرخ ارز تعادلی R_1 و مقدار تعادلی ارز Q_1 می‌باشد و در این نرخ مازاد عرضه و مازاد تقاضا در بازار وجود ندارد و بازار ارز در تعادل است. در هر نرخ غیر از این نرخ، بازار ارز در حال عدم تعادل است. در هر نرخ ارز پایین‌تر از R_1 ، مقدار تقاضا برای ارز بیشتر از عرضه ارز می‌باشد و بازار با مازاد تقاضا مواجه است. مثلاً در نرخ ارز R_2 ، مازاد تقاضا برابر EF می‌باشد. این مازاد تقاضا باعث افزایش نرخ ارز تا سطح R_1 خواهد شد و بر عکس در هر نرخ بالاتر از R_1 مازاد عرضه وجود دارد. مثلاً در R_3 ، در بازار ارز به اندازه BC مقدار مازاد عرضه وجود دارد و این مازاد عرضه باعث کاهش نرخ ارز تا سطح R_1 خواهد شد. بنابراین نقطه A شکل (۸-۳) نقطه تعادل پایدار است.

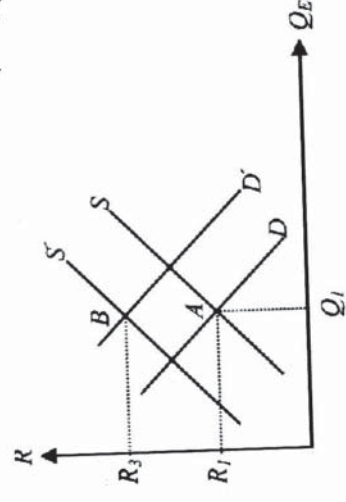
باشد، ارزش پول داخلی کاهش می‌یابد.^۱
 فرض کنید که قیمت کالاها و خدمات آلمانی نسبت به قیمت کالاها و خدمات ژاپنی، افزایش یابد. افزایش قیمت کالاها و خدمات آلمانی باعث می‌شود که کالاها و خدمات ژاپنی برای آلمانیها ارزان‌تر شود و در نتیجه ساکنان آلمان آلاهای بیشتری از ژاپنی‌ها خریداری کنند، لذا باید آلمانیها بین بیشتری بخرند تا بتوانند آلاهای ژاپنی را خریداری کنند. این باعث افزایش تقاضا برای این می‌گردد. بنابراین منحنی تقاضای این به سمت راست منتقل می‌شود. (شکل ۸۴).



شکل (۸-۴)



شکل (۸-۵)



شکل (۸-۶)

همچنین ساکنان ژاپن، به علت گران شدن کالاها آلمانی، کمتر کالاها آلمانی را تقاضا

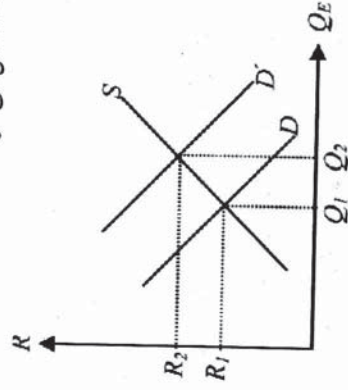
ارز
 می‌کنند و از این رو ژاپنی‌ها، بین کمتری عرضه می‌کنند. بنابراین منحنی عرضه بین به سمت چپ (از S_1 به S_2) انتقال می‌یابد (شکل ۸۵). نتیجه افزایش در تقاضای این و کاهش در عرضه این در شکل (۸۶) نشان داده شده است و نقطه تعادل جدید B به دست می‌آید. البته نقطه تعادل جدید بستگی به میزان انتقال منحنی عرضه و تقاضا دارد. این تحلیل نشانگر آن است که ارتباط سیستماتیک بین نرخهای نسبی تورم بین کشورها و نرخ ارز وجود دارد.

مسلماً در صورت افزایش قیمت کالاها و ژاپنی نسبت به کالاها آلمانی عکس حالت قبلی اتفاق می‌افتد. بدین ترتیب با افزایش قیمت کالاها و ژاپنی، تقاضای آلمانیها از کالاها و ژاپنی کاهش می‌یابد. در نتیجه تقاضا برای این جهت خرید کالای ژاپنی کاهش می‌یابد و منحنی تقاضا آن به عقب برمی‌گردد. همچنین در این صورت ژاپنی‌ها تمایل بیشتری به خرید کالاها آلمانی نشان می‌دهند. لذا عرضه این جهت تبدیل به یورو بیشتر می‌شود. بدین ترتیب عرضه این به سمت راست انتقال می‌یابد و در نتیجه نرخ این کاهش می‌یابد.

۲-۴-۱-۲ تغییرات درآمد واقعی

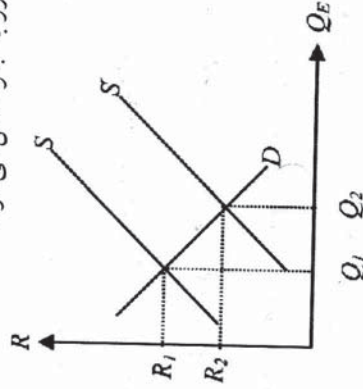
اگر درآمد واقعی و یا نرخ رشد درآمد ناخالص ملی واقعی کشوری نسبت به کشورهای دیگر از افزایش بیشتری برخوردار باشد، مردم آن کشور قادر خواهند بود که پول بیشتری را برای واردات کالاها و خدمات بپردازند. بنابراین حجم واردات کالاها و خدمات افزایش می‌یابد که ضرورتاً منجر به افزایش تقاضا برای پولهای خارجی می‌شود و این باعث افزایش قیمت پول خارجی می‌گردد. در این وضعیت یعنی وقتی که درآمد واقعی کشور نسبت به درآمدهای خارجی افزایش یابد، ارزش پول داخلی کاهش می‌یابد. افزایش درآمد آلمانیها، موجب افزایش تقاضای کالاها و ژاپنی‌ها از طرف آلمانیها می‌شود و در نتیجه آلمانیها تقاضای بیشتری برای این خواهند داشت و این باعث انتقال منحنی تقاضا به سمت راست می‌شود و سبب افزایش نرخ ارز می‌گردد (شکل ۸۷).

فرض اینکه نرخ بهره در آلمان بالاتر و یا افزایش یابد در این صورت، تقاضای یورو بیشتر می شود و منحنی تقاضای یورو به سمت راست منتقل می شود.



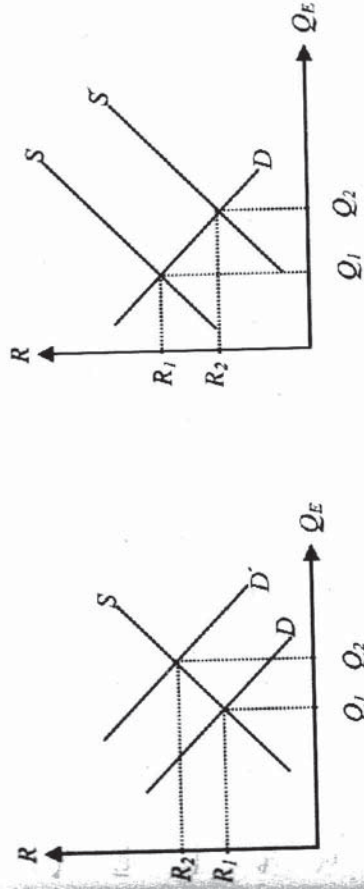
شکل (۸-۹)

از سویی اگر نرخ بهره در ایران نسبت به نرخ بهره آلمان بیشتر باشد، جریان ورودی سرمایه به ایران افزایش می یابد که این امر منجر به افزایش عرضه یورو در بازار می شود. زیرا آلمانیها جهت بهره مند شدن از نرخ بهره بالا در ایران، یورو بیشتری را در بازار با ریال معاوضه می کنند و در نتیجه عرضه یورو افزایش می یابد و منحنی عرضه یورو به جلو منتقل می شود.



شکل (۸-۱۰)

موضوع قابل بررسی دیگر درخصوص تغییرات ارز این است که کاهش ارزش پول الزاماً «بدا» نیست و یا برعکس، افزایش ارزش پول الزاماً «خوب» نیست. کاهش و یا افزایش ارزش پول بستگی با



شکل (۸-۷)

به همین ترتیب افزایش درآمد ساکنان کشور ژاپن تقاضای ژاپنی ها را برای واردات کالا از آلمان

شکل (۸-۸)

افزایش می دهد. ساکنان کشور ژاپن، بِن بیشتری عرضه می کنند تا یورو بیشتری جهت خرید کالاهای آلمانی بدست آورند. این عمل باعث انتقال منحنی عرضه به طرف راست می شود و این سبب کاهش نرخ ارز می شود (شکل ۸۸).

۳-۳-۳ تغییرات نرخ بهره

هرگاه نرخ بهره در کشوری نسبت به نرخ بهره در کشورهای دیگر بالاتر باشد، سرمایه های خارجی بوسیله آن کشور جذب می شوند و بدینسان تقاضا برای پول داخلی افزایش یافته که متعاقباً عرضه پول خارجی افزایش خواهد یافت. بنابراین هرگاه نرخ بهره داخلی بیشتر از نرخ بهره سایر کشورها باشد، ارزش پول داخلی نیز افزایش پیدا خواهد کرد.^۱

فرض کنید که نرخ بهره در آمریکا نسبت به نرخ بهره سایر کشورها افزایش بیشتری داشته باشد. بنابراین، افراد، شرکتهای و سایر بنگاههای اقتصادی، سرمایه های خود را جهت استفاده از این نرخ بهره بالا به آمریکا منتقل می کنند. همچنین شهروندان آمریکائی با تبدیل ارزهای خارجی خود به دلار، به دنبال آن هستند که از نرخ بهره داخلی سود ببرند. حال اگر آلمان و ایران را در نظر داشته باشیم، به

۳-۳-۱ تئوری قدرت خرید یکسان (PPP) Theory of purchasing power parity

یک روش ساده تخمین نرخ ارز تعادلی در وضعیت عدم تعادل تراز پرداختها، روش قدرت خرید یکسان است. نیاز به چنین تخمین از آنجا ضرورت می‌یابد که یک کشور معمولاً اطلاعات دقیقی درباره شکل منحنی‌های عرضه و تقاضای ارز خود ندارد. این نظریه توسط کاسل (Cassel)، اقتصاددان سوئدی مطرح گردیده است. این تئوری را می‌توان به دو صورت برابری قدرت خرید مطلق و برابری قدرت خرید نسبی بررسی و توضیح داد.

۳-۳-۱-۱ برابری قدرت خرید مطلق

طبق این نظریه، نرخ تعادلی ارز برابر است با نسبت سطح قیمت‌های در دو کشور. به طور خلاصه:

$$R_{ab} = P_a / P_b$$

به طوری که R_{ab} نشان دهنده نرخ برابری ارز بین دو کشور A و B پول کشور B بوده و P_a و P_b به ترتیب سطح عمومی قیمت‌ها در کشور A و کشور B است. بنابراین اگر کشور A آمریکا و کشور B انگلیس باشد، نرخ برابری ارز (بین دلار و پوند) یا قیمت دلاری پوند برابر است با نسبت قیمت‌ها در کشور آمریکا به قیمت‌ها در کشور انگلیس، به طور مثال اگر سطح عمومی قیمت‌ها در کشور آمریکا دو برابر سطح عمومی قیمت‌ها در انگلیس باشد، نظریه برابری قدرت خرید مطلق، نرخ تعادلی ارز را در سطح $R=2$ تعیین می‌کند. نتیجه آنکه تمام کالاها و تجاری یکسان و همگن، وقتی بر حسب یک پول بیان می‌شود، باید دارای قیمت یکسانی باشد. این مسأله به نام قانون قیمت واحد (Law of one price)

۱- اگر دو کشور کالای همگن تولید کنند، این کالا باید بدون در نظر گرفته شدن کشور تولیدکننده‌اش در سراسر دنیا به قیمتی واحد عرضه شود. فرض کنیم هر تن فولاد آمریکا ۱۰۰ دلار و هر تن فولاد ژاپن ۱۰ هزارین باشد. قانون قیمت واحد بیانگر این است که یک تن فولاد آمریکا را به ده هزار تن ژاپن و یک تن فولاد ژاپن را به صد دلار آمریکا به فروش رسانید. در نتیجه هر دلار بایستی برابر ۱۰۰ تن باشد. اگر هر دلار برابر ۲۰۰ تن باشد، هر تن فولاد ژاپن به ۵۰ دلار آمریکا به فروش می‌رسد، که این قیمت، ۵۰ دلار از قیمت فولاد آمریکا کمتر است و این باعث افزایش تقاضا برای فولاد ژاپن می‌شود. در نتیجه قیمت تن به خاطر خریدن فولاد از ژاپن افزایش می‌یابد و این افزایش تا زمانی ادامه می‌یابد که ۱۰۰ تن برابر ۱ دلار بشود. بدین ترتیب قیمت فولاد در دو کشور یکسان می‌گردد.

عواملی دارد که باعث نوسان و تغییر نرخ مبادله می‌شود. طبیعی است که اگر ارزش پول بدلیل افزایش درآمدهای واقعی در کشور کاهش یابد، این را می‌توان یک تغییر مطلوب به حساب آورد. اما اگر کاهش ارزش پول به دلیل افزایش نرخ تورم صورت گیرد، می‌توان ادعا کرد که در ارزش پول تغییر نامطلوبی صورت گرفته است.

در یک بررسی کلی این نتیجه بدست می‌آید که نرخ ارز در رژیم نرخهای ارز شناور آزاد به وسیله مقایسه نرخ رشد درآمد واقعی در کشور با خارج (Y^*) ، مقایسه نرخ رشد تورم در کشور با خارج (P^*) و تفاوت نرخ بهره کشور با دنیای خارج (I^*) به دست می‌آید، یا به عبارت دیگر:

$$R = f(Y^*, P^*, I^*)$$

در برخی از مطالعات و بررسیهای تجربی علاوه بر متغیرهای فوق، نرخ رشد عرضه پول در کشور در مقایسه با خارج (L^*) ، تراز بازرگانی (X^*) و تفاوت نرخ تورم انتظاری در داخل و خارج (P_e^*) نیز به تابع فوق اضافه می‌گردد و بنابراین معادله زیر مورد استفاده و تخمین قرار می‌گیرد:

$$R = f(L^*, Y^*, P^*, I^*, X^*, P_e^*)$$

آنچه که به آن اشاره شد تغییرات ارزش پول در رژیم نرخ ارز شناور است. در این رژیم افزایش در نرخ ارز به کاهش ارزش پول داخلی (Depreciation) و کاهش در نرخ ارز به افزایش ارزش پول داخلی (Appreciation) معروف است. اما در نظام نرخهای مبادله ثابت نگهداشته شده که افزایش و یا کاهش ارزش پول از طرف مقامات پولی کشور صورت می‌گیرد، از اصطلاح فوق استفاده نمی‌شود. در این سیستم، افزایش ارزش پول به Revaluation و کاهش ارزش پول به Devaluation مشهور است.^۱

قیمتها در کشور B از سال پایه تا سال بعد از آن تغییر نکند و سطح عمومی قیمتها در کشور A، ۵۰ درصد افزایش یابد، طبق این نظریه، نرخ برابری ارز بین کشور A و B، ۵۰ درصد افزایش می‌یابد (ارزش پول کشور A، ۵۰ درصد، کاهش می‌یابد).

۸-۵-۳ کاستیهای نظریه قدرت خرید یکسان

این نتیجه که تغییرات نرخ ارز تنها تابع تغییر سطح قیمتها می‌باشد، بر این فرض استوار است که تمام کالاها در دو کشور کامل مشابه و همانند می‌باشند. روشن است که این فرض یک فرض غیرواقعی است.

یکی دیگر از مشکلات این نظریه که توسط بالاسا (Balsa) بیان شده، این است که نسبت قیمت کالاهای غیرتجاری به قیمت کالاهای خدمات تجاری در کشورهای توسعه یافته بیش از کشورهای در حال توسعه است. علت احتمالی این مسأله این است که روش‌های تولید بسیاری از کالاها و خدمات غیرتجاری (مثل آرایشگری) در کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته کاملاً شبه یکدیگر هستند. لذا کارگری که در این شغل در کشورهای توسعه یافته مشغول به کار است، در مقایسه با بخش تولید کالاها و فعالیتهای تجاری دستمزد بالاتری دریافت می‌کند. همین امر باعث می‌شود که قیمت کالاها و خدمات غیرتجاری در کشورهای توسعه یافته از کشورهای در حال توسعه بیشتر باشد.

از آنجا که شاخص عمومی قیمتها شامل قیمت کالاهای خدمات تجاری و غیرتجاری می‌شود، و قیمت کالاها و خدمات غیرتجاری حتی با آزادی تجارت بین الملل در کشورها مساوی نخواهد شد، لذا نظریه برابر قدرت خرید در کشورهای توسعه یافته کمتر از واقعیت و در کشورهای در حال توسعه بیشتر از واقعیت تخمین زده می‌شود.

ایراد دیگر نظریه این است که بسیاری از کالاها و خدمات که در شاخص قیمتها منظور شده‌اند، قابل صدور بین دو کشور نمی‌باشند. مانند خانه، زمین و خدماتی مانند غذا در هتل‌ها، هزینه آرایشگاه و...

معروف است.

نظریه برابری قدرت خرید مطلق دارای دو ایراد می‌باشد. اول اینکه با توجه به نرخ ارزی که تجارت کالاها و خدمات را به تعادل می‌رساند، ممکن است یک کشور خروج سرمایه و کسری تراز پرداخت‌ها داشته باشد و کشور دریافت‌کننده سرمایه با مازاد تراز پرداختها روبه رو باشد. دوم اینکه این نظریه با توجه به کالاهای غیرقابل تجارت، نمی‌تواند نرخ ارزی را تعیین کند که تجارت کالاها و خدمات را به تعادل برساند.

کالاهای غیرقابل تجارت، کالاهایی نظیر سیمان و آجر هستند که به علت هزینه بسیار زیاد، حمل و نقل آنها غیراقتصادی است و فقط در مناطق مرزی دو کشور می‌توانند معامله شوند. بسیاری از خدمات شامل خدمات مکانیک‌ها، آرایشگران، پزشکان و ... در مجموعه تجارت بین الملل قرار نمی‌گیرند. تجارت بین المللی باعث برابری قیمت کالاها و خدمات تجاری میان کشورها می‌شود، ولی تعادل قیمت را میان کالاها و خدمات غیرتجاری ایجاد نخواهد کرد. از آنجا که سطح عمومی قیمتها در هر کشور شامل قیمت کالاهای تجاری و غیرتجاری است و قیمت کالاهای غیرتجاری توسط تجارت بین الملل در کشورهای مختلف به تعادل نمی‌رسد، نظریه برابری قدرت خرید مطلق منجر به نرخ ارزی که تجارت را به تعادل برساند، نخواهد شد.

۸-۵-۲ نظریه برابری قدرت خرید نسبی

نظریه برابری قدرت خرید نسبی را می‌توان بدین صورت تعریف کرد که، تغییر در نرخ ارز در یک دوره زمانی باید با تغییر نسبی سطح قیمتهای دو کشور در همان دوره متناسب باشد. چنانچه از اندیس ۰ برای سال پایه و سال بعد استفاده کنیم، فرمول نظریه به صورت زیر می‌باشد:

$$R_{ab1} = [(P_{a1}/P_{a0}) / (P_{b1}/P_{b0})] \cdot R_{ab0}$$

به طوریکه R_{ab0} و R_{ab1} به ترتیب نرخ ارز در سال پایه و سال بعد از آن هستند. اگر سطح عمومی

است از انتقال وجوه نقد از یک مرکز پولی به مرکز پولی دیگر برای کسب سود از نرخ بهره بالاتر. آریترایز بهره بر دو نوع است: با پوشش و بدون پوشش

۱-۱-۸-۱-۸ آریترایز بهره بدون پوشش^۱

از آنجا که انتقال سرمایه به خارج جهت استفاده از نرخهای بهره بالاتر در مراکز پولی خارج مستلزم تبدیل پول داخلی به ارز جهت سرمایه گذاری بوده و به دنبال آن تبدیل مجدد سرمایه (به اضافه بهره) از ارز به پول داخلی در زمان سررسید سرمایه گذاری ضروری است، لذا سرمایه انتقالی در طول دوره سرمایه گذاری با خطر کاهش ارزش پول خارجی روبه روست. یعنی در خلال مدت سرمایه گذاری، ممکن است نرخ جاری (Spot exchange rate) پول خارجی کاهش یابد که در این صورت سرمایه گذار مقدار کمتری از پول خود را نسبت به زمان اولیه مبادله پول داخلی با پول خارجی بدست می آورد و این ممکن است منجر به کاهش سود و حتی ضرر سرمایه گذار گردد.

اگر خطر کاهش نرخ ارز را پوشش دهیم، در این صورت آریترایز با پوشش بهره داریم. در غیر این صورت با آریترایز بهره بدون پوشش روبه رو هستیم. بدون در نظر گرفتن نوسانات نرخ ارز در آریترایز بهره، اگر نرخ بهره در کشور مقصد بزرگتر از نرخ بهره کشور سرمایه گذار باشد، سود حتمی است.

۲-۱-۸-۱-۸ آریترایز بهره با پوشش^۲

سرمایه گذارانی که اقدام به سرمایه گذاری در کشورهای خارجی می کنند، اغلب از خطر نوسان نرخ ارز اجتناب می کنند، لذا آریترایز بهره معمولاً با پوشش است. به این صورت که سرمایه گذار، پول داخلی را با نرخ نقدی به پول خارجی یا ارز تبدیل می کند تا سپرده گذاری (یا خرید اسناد خزانه داری) کند و به طور همزمان سرمایه گذار معادل ارز سرمایه گذاری شده و بهره آن را با توجه به سررسید

1 - Uncovered interest arbitrage

2 - Covered interest arbitrage

که بین دو کشور داد و ستد نمی شوند. بنابراین با وجود اینکه امکان دارد قیمت این اقلام افزایش یابد و سطح قیمتها در یک کشور نسبت به کشور دیگر بالا رود، آنها نمی توانند بر نرخ ارز اثری بگذارند. آزمونهای تجربی نشان می دهد این نظریه غالباً تخمین نسبتاً خوبی از نظام پولی بین المللی می دهد.

۸-۱-۸ آریترایز

آریترایز عبارت است از خرید و فروش همزمان ارزها در بازارهای متفاوت، یعنی خرید ارز در یک مرکز پولی با قیمت کمتر و فروش فوری آن در یک مرکز پولی دیگر با قیمت بیشتر، مثلاً خرید در بازار نیویورک و فروش همزمان آن در بازار لندن. هدف آریترایز کسب سود از تفاوت قیمت یک ارز در دو بازار است.

به طور مثال اگر قیمت دلاری پوند در نیویورک ۱/۹۹ دلار و در لندن ۲/۰۱ دلار باشد، یک فرد پوند را در بازار نیویورک با قیمت ۱/۹۹ دلار خریده و فوراً در بازار ارزنلندن به قیمت ۲/۰۱ دلار می فروشد، و در ازای هر پوند ۰/۰۲ دلار سود بدست می آورد. وقتی عمل آریترایز برای سه ارز و در سه مرکز پولی انجام شود، آریترایز مثلثی یا آریترایز سه نقطه ای خواهیم داشت.^۱

در حال حاضر، پیشرفت و توسعه وسایل ارتباطی به طور مؤثری بازارهای ارزی دنیا را به هم مرتبط ساخته است. بدین ترتیب این خرید و فروش همزمان، در مدت کوتاهی، منجر به برقراری تساوی نرخ ارز در بازارهای متفاوت می شود.

۸-۱-۸ آریترایز بهره (آریترایز سلف)

منظور از آریترایز بهره انتفاع از بهره می باشد، از این رو تفاوت بین نرخهای بهره بین دو بازار پولی موجب انجام معامله ارزی تحت عنوان آریترایز بهره می گردد. به عبارت دیگر آریترایز بهره عبارت

۱- این نوع آریترایز با توجه به تعداد بازارها و نرخها نامگذاری می شود. اگر M بازار یا نرخ وجود داشته باشد، آریترایز را M جانبه یا M نقطه ای می نامند.

کاهش می‌یابد (زیرا عرضه سرمایه در توکیو افزایش یافته است). دوم اینکه خریدین در بازار نقدی، نرخ نقدی ارز را افزایش می‌دهد و فروشین در بازار سلف، نرخ سلف ارز را کاهش می‌دهد. بنابراین «تزیل سلف» (یعنی اختلاف مثبت بین نرخ نقدی و نرخ سلف) افزایش می‌یابد.

این دو عمل یعنی کاهش مابه‌النفقات نرخ بهره و افزایش تزیل وعده‌دار (سلف) رویین آن‌قدر ادامه می‌یابد تا اینکه امکان کسب سود اضافی از میان رفته و آریترژ با بهره به پایان می‌رسد.

۸-۷-۲- معاملات سلف و یا فروش تامینی (هجینگ)

از آنجائیکه نرخهای مبادله در طول زمان معمولاً نوسان دارد، کسی که مجبور به دریافت و یا پرداخت پول خارجی در آینده باشد، با ریسک ارزی برخورد می‌کند و ممکن است مجبور شود بیشتر از آنچه که در ابتدا تصور می‌کرده است، پرداخت نماید و برعکس کمتر از آنچه که پیش‌بینی می‌کرده است، دریافت نماید. برای مقابله و خنثی کردن ریسک‌های ارزی می‌توان از معامله «فرش تامینی» و یا «سلف» بهره جست، که براساس آن موافقت می‌شود، که در زمان حال مقدار مشخصی از کالا با نرخ مبادله وعده‌دار خریداری و یا فروخته شود. معمولاً کسانی که مخالف ریسک هستند با انعقاد قرارداد سلف و مشارکت در بازار وعده‌دار خود را در برابر ریسک‌های ارزی بیمه می‌کنند. بنابراین معاملات وعده‌دار می‌تواند هم برای واردکننده (پرداخت کننده ارز) و هم برای صادرکننده (دریافت کننده ارز) منفعت داشته باشد.

اگر قیمت پول خارجی افزایش یابد، واردکننده‌ای که امروز قراردادی را برای خرید کالا منعقد می‌کند و پس از ۳ ماه بعد از تحویل گرفتن کالا، پول آن را برحسب پول خارجی می‌پردازد، با زیان قابل توجهی روبه‌رو می‌گردد. همچنین اگر ارزش پول داخلی در مقابل پول خارجی بعد از ۳ ماه افزایش یابد، درآمد صادراتی صادرکننده، برحسب پول داخلی کاهش می‌یابد. البته عکس این جریان ممکن است بوجود آید که در این صورت واردکننده و صادرکننده از سود هنگفتی برخوردار

سرمایه‌گذاری و نرخ بهره، با یک معامله سلف، پیش‌فروش می‌کنند. لذا آریترژ بهره با پوشش عبارت است از: «خرید نقدی ارز جهت سرمایه‌گذاری و فروش سلف آن (معاملات جبرانی) به طور همزمان به منظور پوشش خطر تغییرات نرخ ارزی». فرض کنید که نرخ بهره سپرده‌های دلاری را با $i^{\$}$ و سپرده‌های ین را با $i^{\text{¥}}$ نشان دهیم و نرخ وعده‌دار (سلف) را با R_F نشان دهیم، در این صورت، آریترژ بهره بدون پوشش، برای سرمایه‌گذار آمریکایی عبارت است از:

$$A = i^{\text{¥}} - i^{\$}$$

اگر $i^{\text{¥}} > i^{\$}$ باشد، سرمایه‌گذار آمریکایی با تبدیل دلار به ین برحسب نرخ جاری اقدام به سپرده‌گذاری به صورت ین (یا خرید اسناد ژاپنی) می‌نماید و از تفاوت نرخ بهره سود می‌برد. در این وضعیت نوسانات در نرخ ارز منظور نگریده است. ولی اگر نوسانات نرخ مبادله نیز به حساب آیند، آریترژ بهره با پوشش داده می‌شود و به گونه زیر تعیین می‌گردد:

$$۱- \text{اگر } 100 R_S * i^{\text{¥}} > R_F - R_S / R_S > i^{\text{¥}} - i^{\$} \text{ باشد، سرمایه‌گذار آمریکایی از این سپرده‌گذاری سود می‌برد.}$$

$$۲- \text{اگر } 100 R_S * i^{\$} = R_F - R_S / R_S \text{ باشد، سرمایه‌گذار آمریکایی از این سپرده‌گذاری ضرر و}$$

سودی بدست نمی‌آورد.

$$۳- \text{اگر } 100 R_S * i^{\$} < R_F - R_S / R_S < i^{\text{¥}} - i^{\$} \text{ باشد، سرمایه‌گذار آمریکایی از این سرمایه‌گذاری زیان خواهد}$$

کرد.

با انجام آریترژ بهره با پوشش و ادامه آن، احتمال کاهش منافع تا جایی که سود به صفر برسد، وجود دارد. این مسأله به دو علت رخ می‌دهد. اول اینکه با انتقال سرمایه از نیویورک به توکیو نرخ بهره در نیویورک افزایش می‌یابد (زیرا عرضه سرمایه در نیویورک کاهش یافته است) و در توکیو

۱- سالواتوره، دومینیک، مالیه بین‌الملل، ترجمه حمیدرضا ارباب، سال ۱۳۳۹، ص ۲۸

۲- همان‌جا، ص ۳۹

ارز با زبان‌هایی همراه است. یک تاجر مجبور است مبلغی قرض کند و یا موجودی خود را به مدت سه ماه مسدود کرده و پولی برداشت نکند.

در روش تأمین یا سلف نیازی به استقراض و سپرده‌گذاری در بانک وجود ندارد. معاملات سلف قراردادی است که براساس آن خرید یا فروش مقداری ارز در آینده با نرخ مورد توافق امروز (نرخ سلف) تضمین می‌شود. به طور مثال ما می‌توانیم امروز براساس یک قرارداد، صد هزار پوند را با نرخ ۲/۰۲ دلار در سه ماه بخریم. بعد از سه ماه، خریدار بدون توجه به نرخ روز، صد پوند را با نرخ مورد توافق (۲/۰۲ دلار) دریافت می‌کند. به این ترتیب وارد کننده می‌تواند پوند مورد نیاز خود را (برای تحویل کالا در سه ماه بعد) امروز به نرخ سلف سه ماه خریداری کند.

به همین ترتیب صادرکننده نیز باید پوند دریافتی از فروش کالا در سه ماه بعد را امروز به نرخ سلف سه ماهه بفروشد از آنجا که تا سه ماه بعد هیچ پولی رد و بدل نمی‌شود، نیازی نیست که واردکننده پولی قرض کند و یا سرمایه خود را به بانک بسپارد.

۳-۱-۳ معاملات سوداگری و یا سفته‌بازی

سفته‌بازی عکس خرید و فروش تأمین ارز است، یعنی اگر در معاملات تأمین ارز معامله‌گر در جستجوی پیدا کردن راهی برای اجتناب از خطر نوسانات نرخ ارز و پوشش دادن به این خطرها باشد، سفته‌باز از چنین خطراتی استقبال کرده و حتی به جستجوی ریسک ناشی از نوسانات نرخ ارز می‌پردازد، به این امید که سودی به دست آورد. چنانچه سفته‌باز تغییرات آتی نرخهای نقدی ارز را به خوبی پیش‌بینی کند سود خواهد برد، در غیر این صورت متحمل زیان خواهد شد. همانند همینگ، سفته‌بازی نیز در بازارهای نقدی و سلف وجود دارد ولی معمولاً در بازار سلف ارز انجام می‌شود.

چنانچه شخص سفته‌باز پیش‌بینی کند که نرخ نقدی ارز افزایش می‌یابد، در این صورت اقدام به خرید ارز می‌کند و آن را در زمان مناسب خواهد فروخت. از سوی دیگر چنانچه سفته‌باز پیش‌بینی

می‌شوند.

واردکننده‌ای که قصد دارد در ۳ ماهه آینده، کالایی را خریداری نماید، پیش‌بینی کند که ارزش پول خارجی در آینده افزایش می‌یابد، می‌تواند با خرید ارز خارجی مورد نیازش با «نرخ جاری» و نگهداری آن در بانک کشور فروشنده کالا، از یک طرف خود را در مقابل ریسک‌های ارزی مصون دارد و از طرف دیگر از نرخ بهرهای که به پولش تعلق می‌گیرد، بهره‌مند گردد. همچنین صادرکننده‌ای که انتظار دارد مبلغی را در آینده بر حسب پول خارجی بابت فروش کالاهایش دریافت نماید، پیش‌بینی کند که ارزش پول خارجی در مقابل پول داخلی (ملی) کاهش خواهد یافت، می‌تواند با استقراض آن مبلغ از بانک کشور خریدار کالا و معاوضه آن به پول ملی با «نرخ جاری» و سپس با پرداخت دوباره دین خود به بانک بعد از دریافت عواید صادراتی بر حسب پول خارجی، خود را در برابر خطرات ریسک معاملات خارجی بیمه کند.

بطور مثال واردکننده آمریکائی ۱۰۰ هزار پوند را با نرخ نقدی $R_S = 1\%$ قرض می‌کند و این مبلغ را به حساب سپرده بانکی به مدت سه ماه واریز می‌کند، با انجام این کار واردکننده خطر افزایش نرخ نقدی ارز در سه ماه آینده را نسبت به نرخ نقدی امروز از بین می‌برد. هزینه چنین اقدامی جهت پوشش ریسک نرخ ارز، برابر اختلاف بین نرخ بهره پرداختی به وام ۱۰۰ هزار پوندی و نرخ بهره دریافتی از ۱۰۰ هزار پوند سپرده بانکی، می‌باشد. به همین ترتیب یک صادرکننده نیز می‌تواند امروز مبلغ ۱۰۰ هزار قرض کند و آن را با نرخ نقدی $R_S = 2\%$ مبادله کند و آن را به بانک بسپارد. تا اگر پس از سه ماه (زمان دریافت پول از واردکننده) ارزش پوند کاهش یابد به راحتی از طریق فروش دلارهای خود، ۱۰۰ هزار پوند قرض گرفته خود را پرداخت کند و بدین ترتیب خود را در مقابل کاهش قیمت پول خارجی مصون بدارد. هزینه اجتناب از ریسک نرخ ارز در این حالت برابر با اختلاف نرخ بهره وام و نرخ بهره سپرده بانکی است. پوشش ریسک نوسان نرخ ارز با استفاده از روش فوق در یک بازار نقدی

معاملات معاوضه یا سوآپ Swap

زمانی که بانک مقداری ارز وعده‌دار خریداری کرده است و نتواند با فروش همان مقدار ارز وعده‌دار آن را پوشش دهد، در این صورت می‌تواند معادل ارز وعده‌داری که خریداری کرده است، نقداً ارز به فروش برساند. به این ترتیب بانک به ازاء ارز سه ماهه‌ای که خریداری کرده است، ارز نقدی به فروش رسانیده است. برای مثال فرض کنید که یک شرکت صادراتی ایرانی مقداری کالا به ژاپن صادر کرده و قرار است مبلغ ۵۰۰ هزار ین بهای کالای صادراتی خود را سه ماه دیگر دریافت دارد. اگر این شرکت صادراتی از نرخ ین به ریال در سه ماه دیگر بیمناک باشد، دست به فروش وعده‌دار یا سلف ین به بانک می‌زند. تا اینجا شرکت صادراتی خود را از آسیب‌های احتمالی ناشی از نوسانات ین بر کنار نگاه داشته است.

اما بانک خریدار این مقدار ین، برای حفظ و بیمه خود از نوسانات ین به چه اقداماتی می‌تواند دست بزند؟ این بانک در درجه اول می‌تواند همزمان با خرید ۵۰۰ هزار ین وعده‌دار، به فروش همین مقدار ین به شکل وعده‌دار دست بزند. اما اگر نتواند چنین معامله‌ای را انجام دهد، می‌تواند به فروش نقدی ۵۰۰ هزار ین دست بزند.

در این حالت:

- ۱- بانک ۵۰۰ هزار ین وعده‌دار خریداری کرده است.
- ۲- بانک ۵۰۰ هزار ین نقدی به فروش می‌رساند.

بنابراین در ظرف سه ماه عملیات ارزی بانک پایایی می‌شود. تنها هزینه بانک، بهره مبلغ ۵۰۰ هزار ین در مدت سه ماه است که آن هم ممکن است از طریق تفاوت نرخ نقد و وعده‌دار ین جبران شود و یا بهره ریال دریافتی در مقابل ین آن را جبران نماید.

همین جریان ممکن است در مورد خرید ارز وعده‌دار پیش آید. برای مثال اگر یک واردکننده

کند که نرخ نقدی ارز کاهش می‌یابد، در این صورت اقدام به استقراض پول خارجی (ارز) خواهد کرد و سپس بدون تأخیر، ارز را با نرخ نقدی به پول داخلی تبدیل کرده و مبلغ آن را برای کسب سود به بانک می‌سپارد. بعد از گذشت زمان چنانچه نرخ نقدی ارز از انتظار سفته‌باز کمتر باشد، او خرید ارز (جهت بازپرداخت بدهی ارزی خود) در نرخ نقدی سود بدست می‌آورد. (البته برای آنکه سفته‌باز سود به دست آورد، نرخ نقدی جدید باید به اندازه کافی کمتر از نرخ نقدی قبلی باشد، بطوریکه نرخ بهره دریافتی از پول داخلی در قالب سپرده بانک بیش از نرخ بهره پرداختی به وام ارزی باشد.) چنانچه نرخ نقدی ارز بعد از گذشت زمان برخلاف پیش‌بینی سفته‌باز بیشتر شده باشد، او زیان خواهد کرد.

در هر دو مثال فوق، سفته‌باز در بازار نقدی ارز فعالیت می‌کند و مجبور است سرمایه خود را در حساب بانک حبس کند و یا جهت سفته‌بازی اقدام به استقراض نماید. جهت گریز از مشکلات سفته‌بازی، معمولاً این معاملات در بازار سلف ارز انجام می‌شود. به طور مثال چنانچه سفته‌باز پیش‌بینی کند که نرخ نقدی ارز در سه ماه بعد بیش از نرخ سلف سه ماهه آن خواهد بود، در این صورت اقدام به خرید ارز سلف برای خرید کالا در سه ماه بعد می‌نماید. چنانچه پیش‌بینی سفته‌باز درست باشد، او سه ماه بعد، ارز مورد نظر را دریافت کرده و فوراً با نرخ نقدی بیشتر می‌فروشد و از این معامله قطعاً سود بدست می‌آورد و برعکس.

فرض کنید نرخ سلف سه ماه پوند برابر $\$ 2/0.2$ باشد و سفته‌باز اطمینان داشته باشد که نرخ نقدی پوند در سه ماه بعد برابر $\$ 1/98$ خواهد شد. در این صورت او پوند را با نرخ سلف برای تحویل در سه ماه می‌فروشد. بعد از سه ماه در صورت درست بودن پیش‌بینی، او اقدام به خرید پوند در بازار نقدی با نرخ $\$ 1/98$ کرده و فوراً ارز دریافتی را طبق قرارداد سلف در نرخ مورد توافق $\$ 2/0.2$ مبادله می‌کند، در این صورت از هر پوند ۴ سنت سود بدست می‌آورد.

۷-۱- تحولات سیستم پولی بین‌المللی

۷-۱-۸- سیستم پولی پایه طلا^۱

نظام پولی بین‌المللی تاکنون فراز و نشیبهای زیاد را پشت سر گذاشته است. تحت سیستم استاندارد طلا که در فاصله سالهای ۱۹۱۴-۱۸۸۰ میلادی که این سیستم در بسیاری از کشورها اقتداری تام داشت، مقامات پولی هر کشور، قیمت طلا را بر حسب پول ملی ثابت نگاهداشته و سپس آماده می‌شوند که به خرید و فروش هر مقدار از طلا در آن قیمت بپردازند. قبل از جنگ جهانی دوم، در طی دوران سیستم واحد پولی طلا، ارزش خارجی همه پولها به وسیله ثابت نگه داشتن قیمتهای آن پولها، برحسب طلا تعیین می‌شدند.

بین کشورهایی که از نظام پایه طلا تبعیت می‌کردند، باید نقل و انتقال طلا به‌طور آزاد صورت می‌گرفت. عرضه پول در داخل کشور باید متناسب با ذخایر طلائی کشور می‌بود. افزایش (کاهش) ذخایر به‌سبب ورود (خروج) طلا باید باعث افزایش (کاهش) عرضه پول به‌وسیله مقامات پولی می‌گردید. سیستم واحد پولی طلا، هر کشور را موظف می‌کرد که عرضه پول ملی خود را به ضریب داده شده‌ای از ذخایر طلائی نگه داشته شده در بانک مرکزی محدود کند. بنابراین پول انتشار یافته داخلی به‌وسیله ذخایر طلائی کشور حمایت می‌شد. در این سیستم در حالی که ورود و خروج طلا آزادانه صورت می‌گرفت بانک مرکزی هر کشور موظف بود که آن را با قیمت ثابتی خرید و فروش کند. در این سیستم، در حالی که طلا به مثابه یک پول بین‌المللی تلقی می‌گردید، پول هر کشور نیز معادل طلا بود و بدین ترتیب ارزش خارجی همه پولها به‌وسیله ثابت نگاه داشتن قیمتهای آنها برحسب طلا، تعیین می‌شد. به‌عبارت‌دیگر طلا دو نقش در این سیستم ایفا می‌کند، نخست، وسیله‌ای برای تسویه پرداختهای بین کشورهاست و دوم آنکه، استاندارد ارزش از طریق ارتباط پول رایج هر کشور با طلا است.

برای فرار از خطر احتمالی ریسک، ۲۰ هزار پوند وعده‌دار از بانک خریداری کند و بانک نتواند معادل آن خرید و وعده‌دار داشته باشد، می‌تواند به معامله معاوضه ارزی (سوآپ) دست بزند یعنی به خرید نقدی ۲۰ هزار پوند مبادرت کند به این ترتیب:

۱- بانک ۲۰ هزار پوند بطور وعده‌دار فروخته است.

۲- بانک ۲۰ هزار پوند بطور نقد خریداری می‌کند.

در اینجا بانک می‌تواند از بهره ۲۰ هزار پوند در مدت سه ماه استفاده کند. (در عوض بهره معادل ریالی ۲۰ هزار پوند را از دست داده است).

بنابراین سوآپ، به خرید وعده‌دار توأم با فروش نقد یا فروش وعده‌دار توأم با خرید نقد یک ارز خارجی اطلاق می‌گردد و سوآپ معاوضه موقتی دو پول می‌باشد.^۱ به عبارت دیگر سوآپ عبارت است از انجام دو معامله ارزی در یک زمان با سرسیدهای متفاوت. سوآپ ارز اصولاً بین بانک‌های مرکزی کشورهای مختلف طبق قرارداد قبلی انجام می‌شود. بدین ترتیب معاملات سوآپ به بانک مرکزی این امکان را می‌دهد تا نسبت به حفظ نرخ برابر ارز اقدام نماید. سوآپ یک نوع استقراض ارز می‌باشد. برای مثال بانکهای مرکزی انگلستان و ژاپن با یکدیگر قراردادی منعقد می‌نمایند تا هر یک از بانکهای مذکور بتوانند تا سقف معینی ارز کشور مقابل را به پول ملی خریداری نمایند و در سررسید نسبت به بازپرداخت همان ارز اقدام کنند. چنانچه در بازار لندن پوند در مقابل ین تحت فشار قرار گیرد، بانک مرکزی انگلیس با تحویل پوند به بانک مرکزی ژاپن، ین دریافت نماید و در سررسید، بانک مرکزی انگلستان، ین را به بانک مرکزی ژاپن تحویل دهد و پوند دریافت نماید. بدین ترتیب عملیات سوآپ یک نوع تسهیلات دو طرفه می‌باشد.^۲

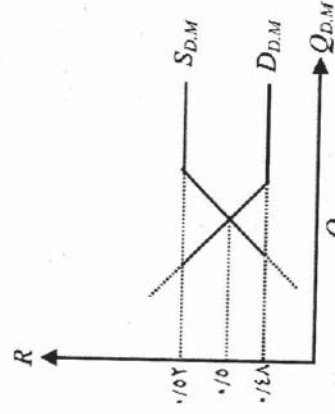
معادل 0.748 مارک بدست آورد. چون 0.702 نیز کرایه می دهد.

افزایش تقاضا برای دلار و عرضه مارک باعث می شوند که ارزش دلار افزایش یابد و این پروسه آتقدر ادامه می یابد که ارزش دلار به $1/98 D.M = 1\$$ برسد و سود دلان نیز در این سطح تمام شود. حال اگر ارزش دلار بیشتر از سطح تعیین شده، به $2/02$ مارک در بازار فرانکفورت باشد، برعکس حالت قبلی حمل و نقل طلا از فرانکفورت به آمریکا اتفاق می افتد.

فرض کنید که طلا در بازار فرانکفورت $3 D.M = 1\$$ باشد. در این صورت می توان یک دلار را به 3 مارک تبدیل کرد و با این مبلغ می توان از خزانه آلمان مقدار 0.075 اونس طلا خرید و آن را به آمریکا حمل کرده و به بانک مرکزی آمریکا به قیمت یک دلار و پنجاه سنت فروخت و سودی معادل 50 سنت به دست آورد.

$$\begin{cases} 2 D.M & 1/20 \text{ اونس } 1\$ \\ 3 & X = 1/5 \$ \\ & 0.075 \text{ اونس } \end{cases}$$

دلان با این اقدام تقاضا برای مارک را افزایش و عرضه را کاهش می دهند که این منجر به کاهش ارزش دلار بر حسب مارک می شود. پروسه تا آنجا ادامه می یابد که ارزش دلار به $1\$ = 2/02 D.M$ برسد در نتیجه منفعت تمام می شود.



شکل (۸-۱۱)

در سیستم واحد پولی طلا، قیمت هر پول بر حسب طلا، به نرخ برابری آن پول مشهور بود. هر پول می توانست نوسانات محدودی در اطراف این نرخ برابری داشته باشد و درجه نوسانات به وسیله هزینه حمل و نقل طلا از یک مکان به مکان دیگر تعیین می شد. در این سیستم کشورها آماده بودند که مقادیر نامحدودی از طلا را با قیمت ثابت از پیش تعیین شده خریداری کنند و یا به فروش برسانند. از آنجائیکه مقدار طلا در یک واحد پول ثابت شده بود، نرخهای مبادله نیز ثابت شده بودند. دو کشور A و B را در نظر بگیرید. فرض کنید که مقامات پولی این دو کشور اعلام می کنند که حاضرند مقادیر نامحدودی طلا را با نرخ X ریال و Y دلار برای هر اونس طلا با عیار ثابت خریداری کرده یا بفروشند، بنابراین بر این اساس نرخ ارز را که به «برابری مبادله ضرری» شناخته می شود، محاسبه کرد.

$$R = X/Y \text{ ریال یا } X=Y \text{ دلار}$$

حال فرض کنید که در نیویورک قیمت طلا برابر است با $1/20$ اونس طلا = $1\$$ و در فرانکفورت قیمت طلا عبارت است از $1/20$ اونس طلا = $2 D.M$ و هزینه حمل و نقل طلا عبارت است از 0.02 مارک. در این صورت نرخ مبادله میان دلار و مارک می توانست میان $1/98 D.M$ و $2/02 D.M$ نوسان داشته باشد. و یا:

$$1\$ = \begin{cases} 2/02 D.M & \text{نقطه واردات طلای آمریکا و یا نقطه صادرات طلای آلمان } 2 D.M \\ 1/98 D.M & \text{نقطه صادرات طلای آمریکا و یا نقطه واردات طلای آلمان } 1 D.M \end{cases}$$

ارزش دلار نمی توانست خارج از این محدوده مشخص شود و در غیر آن صورت آریترایز ارزش دلار را دوباره در محدوده تعیین شده ایجا می کرد. برای مثال فرض کنید که در بازار نیویورک $D.M = 1/5$ باشد، در این شرایط یک نفر می تواند $1/5$ مارک را با یک دلار در آن بازار معاوضه کند و با یک دلار $1/20$ اونس طلا بخرد و آن را به فرانکفورت حمل کند و به قیمت 2 مارک بفروشد و سودی

خواهد یافت. در چنین شرایطی کالاهای ایرانی نسبتاً ارزانتر، اما کالاهای آلمانی نسبتاً گرانتر شده، نتیجتاً واردات ایران کمتر و صادرات آن بیشتر شده و برعکس صادرات آلمان کمتر و وارداتش از ایران افزایش می‌یابد. این روند کمک می‌کند تا اینکه تعادل در تراز پرداختها دو کشور تحقق یابد. از طرف دیگر کاهش عرضه پول در ایران منجر به کساد و کاهش درآمد اسمی یا واقعی در این کشور می‌گردد. در حالی که افزایش در عرضه پول آلمان، موجب رونق و افزایش درآمد در آلمان می‌شود. این تغییر نسبی درآمدها موجب می‌شود که در آلمان واردات افزایش یابد، در حالی که به لحاظ کاهش درآمد در ایران، واردات ایران از آلمان کاهش می‌یابد، ملاحظه می‌شود اثرات درآمدی نیز به تحقق تعادل در پرداختهای بین‌المللی کمک می‌کند. البته بانک مرکزی نیز می‌تواند با کنترل نرخ تنزیل به ایجاد تعادل کمک کند.

۲-۱-۷-۸- زوال نظام پایه طلا

برای اینکه نظام پایه طلا به گونه‌ای مؤثر عمل کند، دولت هر کشور باید آماده باشد تا پول خود را با نرخ برابری رسمی با طلا معاوضه کند و ورود و صدور طلا را آزاد نگاه دارد. هنگامی که عدم تعادل در تراز پرداختها به وجود می‌آید و باعث ورود یا خروج طلا از کشور می‌شود، کشور باید از قواعد نظام پایه طلا پیروی کند. این بدین معنی است که باید اجازه داده شود حجم پول در جریان بر حسب ورود و خروج طلا افزایش یا کاهش و قیمت‌های داخلی افزایش و کاهش یابند، تا عدم تعادل از بین برود.

اولین ضربه به نظام پایه طلا و سیاست‌های که از آن حمایت می‌کردند وقوع جنگ جهانی اول بود. در این دوره اکثر کشورها تعهد خود را در مورد خرید و فروش طلا نادیده گرفته، خروج طلا را ممنوع، یا با اشکال روبرو ساختند. در این شرایط مکانیزم پایه طلا نمی‌توانست عمل کند.

بعد از جنگ جهانی اول، ارزش موجودی طلاي جهان بسیار کمتر از مقدار اسکناس در گردش

در شکل (۸-۱۱) نرخ برابری از قرار یک مارک برابر با ۵۰ سنت و برای مشخص کردن نقطه صادرات طلاي آمریکا از قرار $\$ 0.52$ و نقطه واردات طلاي آمریکا از قرار $\$ 0.48$ مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجائیکه در سیستم استاندارد طلا، آمریکا آماده است که به خرید و فروش هر میزان از طلا از قرار هر اونس برابر با ۳۵ دلار بپردازد، هیچ فرد آمریکای بیشتر از ۵۲ سنت به ازای هر مارک نمی‌پردازد. زیرا او می‌تواند هر مقدار مارک را در آن قیمت به وسیله صادرات طلا بدست آورد. بنابراین منحنی عرضه مارک آمریکا S.D.M شکسته شده و در نقطه صادرات طلاي آمریکا، به حالت افقی درآمده است. همچنین از آنجائیکه آمریکا حاضر است هر مقدار طلا را از قرار یک اونس برابر با ۳۵ دلار خرید و فروش کند، هیچ آمریکای حاضر نیست که مارک‌هایش را کمتر از ۴۸ سنت بفروشد. زیرا او می‌تواند به وسیله واردات طلا هر مقدار مارک را در آن قیمت بفروشد.

بنابراین D.D.M شکسته شده و در نقطه واردات طلاي آمریکا افقی شده است. شایان ذکر است که در سیستم استاندارد طلا قسمت خارج از نقاط طلا، S.D.M و D.D.M که به وسیله نقطه چین مشخص شده است، غیرقابل قبول می‌باشد.

۱-۱-۷-۸- تراز پرداختها در سیستم پایه طلا
فرض کنید فقط دو کشور ایران و آلمان وجود دارند و هر دو کشور نیز دارای یک سیستم پایه طلای خالص با تراز پرداختهای متوازن هستند. اینک فرض کنید که ایرانیان تقاضایشان را برای کالاهای آلمانی افزایش دهند. اگر دیگر عوامل را ثابت در نظر بگیریم، این عمل منجر به کسری حساب جاری برای ایران و نتیجتاً مازاد تراز حساب جاری برای آلمان خواهد شد. این کسری حساب جاری ایران باعث جریان طلا از ایران به آلمان خواهد شد. از آنجا که طلا می‌تواند به پول تبدیل گردد، لذا عرضه پول در آلمان افزایش می‌یابد، این در حالی است که میزان عرضه پول در ایران با خروج مقدار طلا از کشور کاهش می‌یابد. نتیجتاً سطح قیمت‌ها در ایران کاهش و در آلمان افزایش

جهانی دوم بود. این طرح با جزئی اختلاف پذیرفته شده و به مورد اجرا درآمد، که یکی از این طرح‌ها تأسیس صندوق بین‌المللی پول بود.

علت موافقت با طرح وایت دو امر بود:

۱- موقعیت خاص آمریکا - قدرت بلامنازع اقتصادی آمریکا بعد از جنگ دوم که به نماینده آن نفوذ کلام می‌داد. در مجموع می‌توان گفت که در شرایط بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم هیچ طرحی بدون موافقت آمریکا قابل اجرا نبود.

۲- وفادار ماندن طرح وایت به استاندارد طلا - در آن زمان کسانی بودند که جدا شدن سیستم ارز را از طلا غیرعملی و خطرناک تشخیص می‌دادند و می‌خواستند که ارتباط سیستم پولی با این فلز به نحوی برقرار باشد. این افراد طرح کلاسیک وایت را عملی‌تر از طرح کینز می‌دانستند.

براساس توافق وودز هر کشور عضو صندوق بین‌المللی پول باید نرخ برابری پول خود به طلا را اعلام کند. این نرخ یا به طور مستقیم با آمادگی برای خرید و فروش طلا به قیمت رسمی یا به طور غیرمستقیم با وابسته ساختن پول به ارزی که قابل تبدیل به طلاست، باید حفظ گردد. وضعیت آمریکا بعد از جنگ جهانی، باعث شد که دلار، در نظام برتون وودز به عنوان پول کلید معرفی شود و دولت‌های خارجی مسئول حفظ نرخ برابری پول خود با دلار بودند. اما دولت آمریکا هیچ مسئولیتی برای حفظ نرخ برابری دلار با سایر پولها به عهده نداشت. تنها مسئولیت آمریکا این بود که قیمت طلای دلار را در حد ۳۵ دلار یک اونس طلا نگهدارد.

دولتهای دیگر با مداخله در بازار ارز، نرخ برابری پول خود با دلار را ثابت نگاه می‌داشتند. اگر ارزش پول کشور در مقابل دلار کاهش می‌یافت، بانک مرکزی کشور پول خود را در بازار ارز خریداری می‌کرد و اگر ارزش پول کشور افزایش می‌یافت، بانک مرکزی پول خود را در بازار ارز می‌فروخت.

بود. زیرا به علت هزینه جنگ حجم آن افزایش یافته بود. برای کاهش حجم پول در جریان و برقراری رابطه بین پولها و طلا در سطح قبل از جنگ، کشورهایی که ارزش پولشان کاهش یافته بود می‌باید قیمت‌های داخلی و مزدها را به سطح قبل از جنگ کاهش می‌دادند که این مسئله از نظر سیاسی امکان‌پذیر نبود.

۲-۷-۸- نظام برتون وودز

بعد از جنگ جهانی دوم نزدیک به ۳۰ سال (۱۹۴۴-۷۳)، پولهای جهانی به‌طور ثابت نسبت به یکدیگر تعیین می‌گردیدند. این سیستم به رژیم نرخ‌های مبادله تثبیت شده معروف است. در این سالها، ارزش بسیاری از پولها به دلار ثابت نگه داشته شده بودند، در حالیکه ارزش دلار به طلا، قفل گردیده بود. در این رژیم دولت‌ها و بانک‌های مرکزی هر کشور به‌عنوان بخشی از ذخایر خود نه تنها طلا بلکه پول‌های قابل تبدیل به طلا را نگهداری می‌کردند. در این سیستم این امکان وجود دارد که تنها یک یا دو کشور ذخایر خود را به طلا و بقیه ذخایر خود را به پول قابل تبدیل به طلا نگهداری کنند.

در سال ۱۹۴۴ نمایندگان کشورهای آمریکا، انگلیس و ۴۲ کشور دیگر در برتون وودز واقع در نیوهمپشایر جمع شدند تا در مورد نظام پولی بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم تصمیم‌گیری کنند. کینز به نمایندگی از انگلستان و دکتر وایت به نمایندگی از ایالات متحده آمریکا در این کنفرانس شرکت کردند و سعی داشتند تا خطوط سیستم پولی آینده را ترسیم نمایند. کینز اعتقاد داشت که باید یک اتحادیه بین‌المللی و با امکانات نامحدود با مبنای «تصمیم اصول بانکداری به همان صورتی که در هر اقتصاد بسته‌ای مشهود است» به‌وجود آورد و این اتحادیه به مثابه یک بانک مرکزی جهانی در اختیار کلیه کشورها قرار گیرد و علاوه بر انجام مسؤولیتهای بانکی خود، برای تسویه تراز پرداختهای کشورها نیز فعال باشد.

در مقابل طرح کینز، طرح وایت آمریکایی قرار داشت که کاملاً متوجه منافع آمریکا بعد از جنگ

۱- آمریکا حاضر بود دلار را با طلا معاوضه کند و در ازای دریافت ۳۵ دلار یک اونس طلا تحویل دهد و به این ترتیب دلار به خوبی طلا ارزش داشت.

۲- از دلار می‌توانستند در تسویه معاملات بین‌المللی با سایر کشورها به راحتی استفاده کنند (زیرا دلار یک پول معتبر بین‌المللی است).

۳- به ذخایر دلاری بهره پرداخت می‌شد، در حالی که به طلا بهره تعلق نمی‌گرفت.

با استمرار کسری تراز پرداخت‌های آمریکا و افزایش آن در طی زمان، ذخایر طلای کشور آمریکا کاهش یافت. در اوایل دهه ۱۹۶۰، با افزایش ذخایر طلای آمریکا، ذخایر دلاری نزد خارجهان افزایش یافته بود. پس از آن تمایل خارجهان به نگهداری دلار کمتر شد و تبدیل ذخایر دلار به طلا در بانک مرکزی افزایش یافت.

به این ترتیب ذخایر طلای آمریکا باز هم کاهش یافت و دولت آمریکا مجبور به انتشار اوراق قرضه‌ای به نام اوراق قرضه روزا (Roosa bonds) شد. ارزش این اوراق قرضه میان‌مدت خزانه‌داری بر حسب دلار بود ولی قابلیت تبدیل آن به سایر ارز تضمین شده بود. با این وجود ذخایر طلای آمریکا باز هم کاهش یافت و ذخایر دلار نزد خارجهان تا سال ۱۹۷۰ به قدری افزایش یافت که به چهار برابر ذخایر طلای آمریکا رسید.^۱

با توجه به کسری بسیار زیاد و پایدار تراز پرداخت‌های آمریکا و کاهش سریع ذخایر طلا، روشن شد که تعیین مجدد نرخ برابری بین دلار و طلا کاملاً ضروری است. در سال ۱۹۷۰ و اوایل سال ۱۹۷۱، دولت آمریکا تلاش ناموفقی به عمل آورد تا کشورهایی نظیر آلمان غربی و ژاپن (که با مازاد تراز پرداختها رو به رو بودند) رابه افزایش ارزش پولشان ترغیب کند. انتظار طبیعی بعدی این بود که آمریکا

۱- دومینگ سالواتوره، ماله بین‌الملل، ترجمه حمیدرضا اریاب، نشر نی، ۱۳۷۹، ص ۲۸۹

بنابراین نرخ برابری باید هنگام نوسانات موقتی حفظ گردد و تنها هنگام وجود عدم تعادل اساسی در تراز پرداخت‌های خارجی می‌تواند از طریق تقلیل یا افزایش رسمی ارزش پول تغییر یابد. اگر چه عدم تعادل اساسی به وسیله صندوق تعریف نگردیده است، اما می‌توان گفت که این عدم تعادل به معنی وجود مازاد یا کسری در اثر تغییرات ساختاری یا بنیانی در اقتصاد کشور می‌باشد و بنابراین ماهیت غیر موقتی و دائمی دارد. بنابراین در این نظام، نرخ ارز ثابت اما قابل تعدیل و انعطاف می‌باشد. در نظام برتون وودز، نرخ ارز به طور کامل ثابت نمی‌باشد. هر کشور می‌توان اجازه دهد که نرخ برابر پولش با دلار به آزادی در فاصله ۱ درصد نرخ برابری تغییر کند. این امر بدین معنی است که یک پول می‌تواند حداکثر تا میزان ۲٪ در مقابل دلار تغییر ارزش دهد. این نوسان زمانی که تغییر ناشی از ساختار باشد تا ۱۰ درصد بدون تصویب صندوق بین‌المللی پول مجاز است.

۱-۲-۸۷- کسری تراز پرداخت‌ها و فروپاشی نظام برتون وودز

از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ ایالات متحده آمریکا با مازاد عظیم تراز پرداخت‌های خود در رابطه با اروپا مواجه شد و «طرح کمک مارشال» جهت یاری به کشورهای آسیب دیده اروپایی از محل این مازاد پیشنهاد شد. با انجام طرح مارشال و بهبود نسبی وضعیت کشورهای اروپایی تا سال ۱۹۵۰، تراز پرداخت‌های آمریکا به تدریج با کسری مواجه شد. تا سال ۱۹۵۷ کسری تراز پرداخت‌های آمریکا نسبتاً کوچک بود و به طور متوسط سالیانه بالغ بر یک میلیارد دلار می‌شد. این کسری به کشورهای اروپایی و ژاپن این توانایی را داد تا به انباشت ذخایر بین‌المللی خود اقدام کنند. به این دوره، دوران کمبود دلار می‌گویند. آمریکا کسری تراز پرداخت‌های خود را بیشتر با دلار تسویه کرد. کشورهای با مازاد تراز پرداختها به دلایل زیر مایل به دریافت دلار بودند:

گردید و ارزش دلار دوباره کاهش یافت. برخی از کشورهای اروپایی سعی به حمایت از موافقتنامه اسمیتسونین را با استفاده از خرید مقادیر بسیار زیادی دلار در پیش گرفتند. اما با افزایش کسری تراز پرداخت‌های امریکا و انتظار کاهش شدید ارزش دلار در بازار، پولهای عمده به‌طور مستقل و با گروهی به‌طور اداره شده در مقابل دلار آمریکا شناور شدند. در مارس ۱۹۷۲، شش کشور اروپایی بازار مشترک تصمیم گرفتند دامنه نوسان را به جای ۴/۵ درصدی که در دسامبر ۱۹۷۱، موافقت شده بود به ۲/۲۵ درصد برسانند و به‌طور مشترک با دامنه نوسان یاد شده در مقابل دلار آمریکا شناور کردند. این اقدام به «مارپیچ اروپایی و یا مارپیچ در تونل» معروف شد و تنها یکسال طول انجامید.

وقتی آتش معاملات ارزی شناور بین پول‌های اروپایی بر علیه دلار در مارس ۱۹۷۳ مشتعل شد، مقامات پولی کشورهای بزرگ صنعتی تصمیم گرفتند تا پول‌های خود را با شناور و مستقل از دلار آمریکا، پوند انگلیس، ین ژاپن، لیر ایتالیا، دلار کانادا و فرانک سوئیس اعلام کنند و یا وابسته به پول‌های دیگری نظیر مارک آلمان، فرانک فرانسه و پول‌های شش کشور اروپای شمالی و مرکزی با حداکثر دامنه مجاز نوسان ۲/۲۵ درصد مابین قوی‌ترین پول و ضعیف‌ترین پول نسبت به دلار شوند. به این ترتیب نظام نرخ ارز شناور هدایت شده متولد شد.

به‌طور خلاصه رژیم‌هایی که در حال حاضر در نظام پولی بین‌المللی حاکم هستند، به دو دسته تقسیم می‌شوند و عبارتند از:

- ۱- رژیم نرخ‌های مبادله ثابت شده
- ۲- رژیم نرخ‌های مبادله شناور

هر چه زودتر باید به کاهش ارزش دلار اقدام کند. انتظار کاهش دلار به خروج سرمایه‌های نقدی از این کشور شدت بخشد. به‌دنبال این جریان نیکسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا در ۱۵ آگوست ۱۹۷۱، قابلیت تبدیل دلار به طلا را ملغی اعلام کرد و متعاقباً ده درصد سود بازرگانی موقتی به کالاهای وارداتی به آمریکا تحمیل شد.

عدم قابلیت تبدیل دلار به طلا به شناور شدن سایر پولها انجامید. در دسامبر ۱۹۷۱ نمایندگان ۱۰ کشور صنعتی در «مؤسسه اسمیتسونین» در واشنگتن به‌دور هم گرد آمدند و به این توافقها دست پیدا کردند:

- قیمت دلاری طلا از ۳۵ دلار در هر اونس به ۳۸ دلار در هر اونس افزایش یافت.

- افزایش ارزش طلا به معنای کاهش ارزش دلار در حدود ۹ درصد بود.

- دامنه‌نوسان پولها در طرفین از یک‌درصد به ۲/۲۵ درصد در طرفین مرکزی جدید افزایش یافت.

- ده درصد سود بازرگانی موقتی که آمریکا بر کالاهای وارداتی وضع کرده بود، برداشته شد.

براساس توافق اسمیتسونین، آمریکا دیگر مجبور نبود که ذخایر دلاری کشورها را به دلار تبدیل کند و از طرفی ارزش پولهای عمده به دلار آمریکا ثابت نگهداشته شد که به استاندارد دلار مشهور است. رئیس‌جمهوری وقت آمریکا با تحلیل از سیستم جدید آن را مهم‌ترین موافقتنامه پولی در تاریخ دانست و قول داد که دیگر ارزش دلار هرگز کاهش نمی‌یابد. اما از آنجائیکه ذخایر دلار بانکهای مرکزی کشورها مدام در حال افزایش بود و از ۳۴ میلیارد در دسامبر ۱۹۷۰ به ۶۲ میلیارد در دسامبر

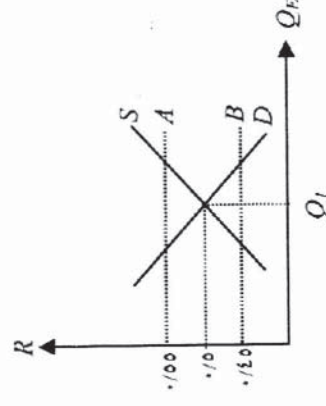
۱۹۷۱ و ۸۱ میلیارد دلار در ۱۹۷۲ افزایش یافته بود و از طرف دیگر تراز پرداخت‌ها آمریکا با کسری قابل توجهی به میزان ۱۰ میلیارد در سال ۱۹۷۲ روبرو شده بود، موافقتنامه اسمیتسونین با شکست مواجه

پنج سنت نمی دهد. بنابراین میزان تغییرات نرخ مبادله تنها در فاصله $0/۴۵$ و $0/۵۵$ در بازار مبادله خارجی آمریکا است. به منظور حفظ و ابقای این حدود بانک مرکزی هر کشور (آمریکا) به هر مقدار لازم در بازار مبادله خارجی به خرید و فروش پول خارجی (ین) می پردازد. اگر ین در بالاترین حد خود یعنی $0/۵۵$ تثبیت شود، برای حفظ این حد ضروری است که بانک مرکزی آمریکا به مقدار لازم ین را در بازار مبادله خارجی آمریکا بفروشد. در این حالت زمانی که بانک مرکزی به فروش ین می پردازد و در مقابل به خرید و جمع آوری پول داخلی (دلار) می پردازد، عرضه پول آمریکا کاهش می یابد. و در نتیجه ارزش پول داخلی تقویت می شود. حال اگر ین در پایین ترین حد خود یعنی $0/۴۵$ تثبیت گردد، بانک مرکزی آمریکا باید به مقدار کافی ین خریداری کند تا بدین وسیله این حد را حفظ نماید. در این وضعیت، وقتی که بانک مرکزی آمریکا اقدام به خرید ین در مقابل دلار می کند، عرضه پول داخلی افزایش می یابد. و در نتیجه ارزش پول داخلی تضعیف می شود. البته خرید و فروش پول خارجی در بازار باید با سیاست های اقتصادی کشور همسویی داشته باشد و اگر بدون توجه به اوضاع و احوال اقتصاد داخلی صورت پذیرد، ممکن است موجب تغییرات سوء در ذخایر ارزی و یا بروز تورم و مشکلات دیگر در اقتصاد داخلی شود. غالباً پیروی کشورها از رژیم نرخ ارز ثابت بدلیل هموار نمودن نوسانات بازار مبادله خارجی و از همه مهمتر جلوگیری از افزایش و یا کاهش بی رویه ارزش پول داخلی آنها است، زیرا چنین نوساناتی قادر خواهند بود اثرات ناگواری بر اقتصاد تحمیل نمایند. برخی از اقتصاددانان دو منفعت را برای رژیم نرخهای مبادله تثبیت شده متصور می دانند که عبارتند از:

- ۱- پولهای ملی کشورها هنگامی که بتوانند با قیمت های ثابتی با یکدیگر مبادله شوند، بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند.
- ۲- در رژیم نرخهای مبادله تثبیت شده، کشورها نمی توانند برای رسیدن به برخی از اهداف ملی،

۱-۱- رژیم نرخهای مبادله ثابت شده

رژیم نرخهای مبادله ثابت شده برعکس رژیم مبادله شناور است. در این سیستم پولی، ارزش پول نمی تواند آزادانه در بازار نوسان داشته باشد و یا به تغییرات روزانه ای که در عرضه و تقاضا پدید می آید، پاسخ دهد. در رژیم نرخهای مبادله ثابت شده، ارزش مبادله پول به وسیله مقامات پولی کشور ثابت نگاه داشته می شود و تغییرات در دریافتی ها و پرداختی های ارزی موجب نوسان نرخ مبادله نمی شود. شکل (۸-۱۲) نشان دهنده رژیم نرخهای مبادله تثبیت شده در بازار مبادله خارجی آمریکاست. در این شکل سطح (A) نشان دهنده بالاترین حد برای ین و پایین ترین حد برای دلار و سطح (B) نمایانگر بالاترین حد برای دلار و پایین ترین حد برای ین است.

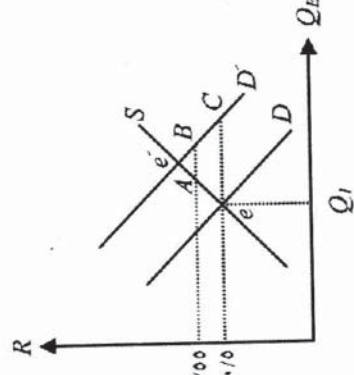


شکل (۸-۱۲)

به عبارت دیگر کشور آمریکا در حالی که نرخ مبادله را در سطح $17=0/۵۵$ ثابت نگاه داشته است، حدود بالا و پایین را بر نرخ مبادله تحمل می کند. این اقدام به نرخ مبادله اجازه می دهد که تغییرات محدود و تعیین شده ای به هنگام تغییر دریافتی ها و پرداختی های ارزی اعمال کند. حد بالای نرخ مبادله نشان می دهد که ارزش پول خارجی (ین) نمی تواند بیشتر از پنجاه و پنج سنت در بازار مبادله خارجی آمریکا تعیین شود، در حالی که حد پایین نرخ مبادله نیز اجازه کاهش نرخ مبادله را کمتر از چهل و

ندارند که بطور تصادفی، ارزش برابری و یا نرخ مبادله را تعیین کنند. منظور از نرخ مبادله واقعی این است که نرخ مبادله نمایانگر شرایط اقتصادی و موقعیت‌های عرضه و تقاضا در بازار مبادله خارجی و تمامی آن عواملی است که به‌نحوی قادر به تأثیرگذاری بر اقتصاد داخلی و معاملات بین‌المللی هستند. به‌ویژه آنکه نرخ مبادله نشانگر قیمت‌های نسبی، درآمدها، نرخ بهره و عواملی است که بر دریافتی‌ها و پرداختی‌های ارزی تأثیر می‌گذارد. طبیعتاً تغییر در موقعیت متغیرهای فوق‌الذکر و شرایط اقتصادی، ارزش پول ملی نیز با ضعف و قوت روبرو خواهد شد و بر توان مقامات پولی کشور در جهت دفاع و تثبیت آن تأثیر می‌گذارد. در یک کلام کلی نرخ مبادله عبارت است از قیمت یک پول بر حسب پول دیگر و مانند هر قیمت دیگری از موقعیت‌های عرضه و تقاضا جدا نیست. همچنین در محدوده‌های که حدود بالا و پایین نرخ مبادله به‌وسیله مقامات پولی کشور تثبیت می‌شود و ارزش پول در این محدوده تعیین می‌گردد، نرخ مبادله علاوه بر عرضه و تقاضا برای کالاها و خدمات، به‌وسیله حرکت بلندمدت سرمایه و نیز انتقالات کوتاه مدت سرمایه معلوم می‌شود. در این محدوده اگر نرخ مبادله به حد پایین برسد، دولت می‌تواند این حد را تا جایی که ذخایر بین‌المللی و اعتبارات کشور اجازه می‌دهند، حمایت کند. زمانی که چنین ذخایر و اعتباراتی به پایان برسند، مقامات پولی کشور ممکن است ناچار شوند ارزش پول ملی را کاهش دهند و آن را به‌گونه‌ای تعیین کنند که موقعیت رقابتی کشور را بهتر نشان دهد. از طرف دیگر، حد بالای نرخ مبادله تا آنجایی قابل حمایت است که سیاست‌های دولت مبتنی بر ذخیره‌سازی ارزی استوار باشد. اما افزایش این ذخایر در داخل کشور می‌تواند تورم را باشد. هنگامی که دولت جهت تثبیت نرخ مبادله اقدام به خرید ارز می‌کند، در مقابل، پول داخلی را می‌فروشد که این عمل به افزایش عرضه پول ملی منجر می‌شود، در پی افزایش عرضه پول، افزایش شدیدی در سطح عمومی قیمت‌ها اتفاق می‌افتد که این قادر است ساختار اقتصادی را مورد تهدید جدیدی قرار دهد. در این وضعیت، افزایش ارزش پول داخلی باید مد نظر مقامات پولی کشور قرار گیرد.

بطور تهاجمی نرخ مبادله را تحریف و تغییر دهند. فرض کنید که تقاضا برای پول خارجی در بازار مبادله خارجی افزایش یافته است (شکل ۸-۱۳). بدیهی است که تحت رژیم نرخهای مبادله شناور، نرخ تعادل جدید نقطه e' خواهد بود. اما نرخ مبادله در $\$ 0/5 = 1Y$ به‌وسیله مقامات پولی کشور ثابت نگاهداشته شده است که این منجر به مازاد تقاضا برای این در نرخ تعیین شده به مقدار $0C$ می‌شود، اما از آنجائی که نرخ مبادله امکان تغییر به میزان ده درصد را داراست و حد بالای این از قرار $\$ 0/55 = 1Y$ تعیین شده است، بخشی از مازاد تقاضا به‌وسیله تثبیت نرخ مبادله در سطح $0/55$ ترمیم گردیده و مقدار نهایی مازاد تقاضا در سطح از پیش تعیین شده $0/55\$ = 1Y$ به مقدار AB می‌باشد.



شکل (۸-۱۳)

بنابراین بانک مرکزی کشور یا دولت موظف می‌شود به مقدار AB این را از ذخایر بین‌المللی در مقابل دلار به‌فروشد تا این حد را تثبیت کند. در این وضعیت ذخایر ارزی آمریکا (پن) و عرضه پول داخلی نیز کاهش می‌یابند.

یکی از نکات با اهمیت در بررسی ارزش پول ملی در رژیم نرخهای مبادله تثبیت شده این است که تنها نرخ مبادله «واقعی» در بلندمدت می‌تواند دوام بیاورد. مقالات پولی کشور نمی‌توانند و اجازه

می کنند. تجار صادر کننده با ارزان نمایی، پیمان ارزی با قیمت پایین تری با دولت منعقد خواهند نمود و در نتیجه تنها بخشی از ارز حاصله را به دولت با نرخ ارز رسمی می فروشند و بقیه را در بازار ارز غیررسمی با قیمت بالا خواهند فروخت.

به طور کلی کشورهای که با شوکهای خارجی (برای مثال تغییرات برونزا در صادرات کشور) روبرو می شوند، ترجیح می دهند از رژیم نرخهای مبادله شناور استفاده کنند. در حالی که رژیم نرخهای مبادله تثبیت شده قادر است برای کشوری که با شوکهای درونی زیادی روبرو است، با خود ثبات همراه بیاورد. برای مثال، افزایش مستقل در سرمایه گذاری در کشور قادر خواهد بود به وسیله ضریب فزاینده، سطح درآمد ملی را افزایش دهد. افزایش درآمد به افزایش واردات در کشور منجر می شود و ممکن است تراز پرداختهای کشور تحت رژیم نرخ ارز ثابت با کسری روبرو گردد. در این صورت حداقل، کشور می تواند برای مدتی با استفاده از ذخایر بین المللی خود، کسری به وجود آمده را جبران کند. اما در رژیم نرخهای مبادله شناور، هر گونه کسری در تراز پرداختها در ارزش پول آن کشور متجلی می گردد و بدینسان ارزش پول داخلی به طور اتوماتیک کاهش می یابد و به افزایش صادرات و متقابلاً به افزایش درآمد ملی کشور منجر می شود.

به طور خلاصه می توان گفت که به نظر نمی رسد سیستم ارز شناور دارای مزایای کمتری از نظام های ارزی تثبیت شده داشته باشد. خصوصاً هنگامی که مسائلی نظیر سفته بازی، ناپمینی و ... را مورد توجه قرار می دهیم. از طرف دیگر، نرخهای ارز انعطاف پذیر غالباً کارا تر بوده و کشورها را قادر به تعقیب سیاستهای تثبیت داخلی می سازد. مع ذلک نظام ارز انعطاف پذیر غالباً تورم بیشتری را نسبت به رژیم های ارزی تثبیت شده به همراه دارند و برای کشورهای که مواجه با شوکهای داخلی هستند نامناسب به نظر می رسند. مهم ترین جذابیت رژیم های ارزی انعطاف پذیر، آن است که کشورها را مجاز به حفظ کنترل بر عرضه پول و اعمال سیاستهای پولی می سازند و احتمالاً نرخ بیکاری کمتری را

با توجه به این مطالب، دولت باید از نرخ مبادله ای حمایت نماید که حسابهای خارجی کشور را در بلندمدت متوازن کند. طرفداران این نظام معتقدند که این سیستم درجه بی اعتمادی کمتری را در تجارت و مالیه بین المللی وارد می کند و این سیستم باعث می شود که معاملات ارزی (سفته بازی) به جای آنکه بر هم زنده ثبات باشد، بیشتر تثبیت کننده باشد و نیز نرخ تورم در رژیم نرخهای مبادله تثبیت شده در مقایسه با نرخهای مبادله شناور از افزایش کمتری برخوردار است.

در نظام ارزی که دولت انحصار کامل بازار را در دست می گیرد نرخهای مختلف ارز وجود خواهد داشت، بعضی از این نرخها دولتی بوده یعنی از طرف دولت برای دریافتها و پرداختهای مختلف ارزی تعیین و اعمال می شود و در کنار این طیف نرخ بازار سیاه ارز هم وجود خواهد داشت. معمولاً نرخ ارز بازار سیاه از نرخهای دولتی بالاتر خواهد بود.

بالا بودن نرخ در بازار سیاه نسبت به نرخ رسمی، انگیزه اصلی برای اغلب صادر کنندگان می باشد، تا از فروش کل ارز به دولت خودداری نمایند و بخش قابل ملاحظه ای از ارز را در بازار غیر قانونی با نرخ بالا به متقاضیان ارائه نمایند. بین نرخ ارز رسمی یا دولتی و نرخ ارز سیاه فاصله زیادی وجود دارد و در این فاصله دولت قدرت مانور داشته و می تواند مقداری ارز با نرخ بالا از عرضه کنندگان کسب و با نرخ بالاتر به تقاضا کنندگان به فروش برساند. معمولاً به نرخهای متعددی که در فاصله نرخ ارز رسمی و نرخ ارز بازار سیاه تعیین می شوند، نرخهای ارز ترجیحی گفته می شود. دولت از نرخهای ترجیحی برای تشویق صادرات و کسب درآمد به منظور جبران کسر بودجه استفاده می نماید. روشن است اشخاصی که بتوانند ارز با قیمت رسمی به دست آورند و آن را با قیمت گران در بازار ارز غیر قانونی به فروش برسانند، از سود گزافی برخوردار می شوند. در واقع نه تنها دولت، بلکه سایر اشخاص به ویژه تجار تشویق و وسوسه می شود تا از بازار سیاه منتفع شوند. از این رو تجار صادر کننده سعی در ارزان نمایی کالاها و صادراتی و تجار وارد کننده سعی در گران نمایی کالاها و وارداتی را

ملاحظه می‌شود اگر پول کشوری در بازار ارز کاهش یابد، در این صورت آن کشور با مازاد تراز پرداختها مواجه می‌شود. برعکس اگر پول کشوری در بازار ارز دارای مازاد باشد، آن کشور دارای کسری تراز پرداختهای خارجی است. بنابراین به دلیل مازاد ریال، ارزش ریال در مقابل دلار کاهش یافته و این امر باعث می‌گردد که قیمت کالاهای ساخت آمریکا نسبت به قیمت کالاهای ساخت ایران، افزایش یابد. در این صورت ایرانیان بعضی از کالاهای ایرانی را جایگزین کالاهای آمریکایی می‌نمایند. همین‌طور کاهش ارزش ریال در مقابل دلار باعث می‌گردد که درآمدهای واقعی در ایران کاهش یافته و بنابراین ایرانیان مقدار کمتری از کالاهای آمریکا را خریداری می‌کنند (واردات کمتر) و برعکس کالاهای ایرانی را بیشتر خریداری می‌کنند. مشاهده می‌شود که قیمت موجب کاهش کسری تراز پرداختهای ایران می‌گردد. به دلیل مشابه، افزایش ارزش دلار نسبت به ریال باعث می‌گردد که از یک طرف قیمت کالاهای ساخت آمریکا نسبت به کالاهای ساخت ایران افزایش یابد و از طرف دیگر این افزایش ارزش دلار در برابر ریال، افزایش درآمد واقعی در آمریکا را به دنبال خواهد داشت. نتایج این تغییرات در قیمت کالاهای آمریکای و درآمد آمریکاییها، باعث می‌گردد که صادرات آمریکا به ایران کاهش و در عوض وارداتش افزایش یابد، که نتیجه این تغییرات در صادرات و واردات، کاهش در مازاد تراز پرداختهای خارجی آمریکا است. در وضعیت نرخ شناور ارز برخلاف نرخ ثابت ارز، مقدار عرضه پول یک کشور تحت تأثیر عدم تعادل در تراز پرداختهای خارجی قرار نمی‌گیرد. بنابراین در نظام شناور ارز، تغییرات در نرخ ارز، به تغییرات در قیمت‌های نسبی و درآمد منتهی می‌گردد. در حالی که در رژیم نرخ ارز ثابت، تغییرات در عرضه پول هر کشور به تغییرات قیمت‌های نسبی، درآمد، نرخ بهره منتهی می‌گردد.

تعداد نرخ ارز ثابت زمانی قابل دسترسی است که تمامی قیمت‌های داخلی در داخل کشور قابل انعطاف باشد. مع‌ذلک غالباً عنوان می‌شود که تغییر در قیمت یک کالا، قیمت پول یا همان نرخ ارز،

نسبت به نظام‌های ارزی تثبیت شده یا نظام‌های تثبیت شده قابل تعدیل به همراه خواهند داشت. اما مهم‌ترین نقص رژیم شناور فقدان نظم قیمت‌هاست.

۸-۹. نظام نرخ ارز شناور

اگر ارزش مبادله یک پول از طرف مقامات پولی کشور اجازه داشته باشد آزادانه در بازار مبادله خارجی شناور باشد و این ارزش هر روز به وسیله موقعیت‌های عرضه و تقاضا تعیین گردد، چنین رژیمی را رژیم نرخ مبادله شناور می‌گویند. در این وضعیت، نیروهای بازار (عرضه و تقاضا) به تعیین نرخ ارزی می‌پردازد که به شفافیت بازار منجر می‌شود و تغییرات نرخ ارز به وسیله سیاست‌های دولت محدود نمی‌گردد. اگر چه ممکن است مقامات پولی برای معتدل ساختن نوسانات شدید در بازار ارز مداخله کنند. آزادی نوسان نرخ ارز در واکنش به نیروهای بازار، لزوماً بدین معنی نیست که، این نرخ هر روز به طور قابل ملاحظه‌ای نوسان خواهد داشت.

تغییرات در نرخ ارز بدون دخالت دولت در بازار ارز و ذخایر بین‌المللی، هر گونه کسری و یا مازاد تراز پرداختها را بی‌درنگ بطور اتوماتیک تصحیح می‌کند.

فرض کنید فقط دو کشور ایران و آمریکا باشند و تراز پرداختهای ایران، به دلیل علاقه بیشتر ایرانیان به کالاهای ساخت آمریکا و واردات بیشتر کالاها از این کشور، نامتوازن گردد. چنین شرایطی منجر به افزایش تقاضا برای دلار آمریکا و افزایش عرضه ریال در بازار ارز خواهد شد. تغییر در علاقه بیشتر ایرانیان به کالاهای ساخت آمریکا نتایج زیر را به دنبال دارد:

۱- نقصان دلار در بازار ارز

۲- مازاد ریال ایران در بازار ارز

۳- مازاد تراز پرداخت‌های آمریکا با ایران

۴- کسری تراز پرداخت‌های ایران با آمریکا

خواهد داد. نرخ ارز شناور این امکان را برای کشورها فراهم می‌کند که سیاست داخلی خود را با هدف رسیدن به نرخ تورم و بیکاری دلخواه (مبادله بین تورم و بیکاری، منحنی فیلیس) دنبال کنند. تحت نظام نرخ ارز ثابت، نرخ تورم متفاوت، در کشورهای مختلف، ناشی از فشارهای مربوط به تراز پرداختهاست، (یعنی کسری تراز پرداختها در کشوری با وضعیت تورمی و مازاد تراز پرداختها در کشوری با تورم کمتر ملاحظه می‌شود) که مانع دستیابی این کشور با مبادله بهینه بین تورم و بیکاری است.

یکی از مزایای مهم رژیم نرخ ارز شناور این است که این نظام باعث می‌شود تا دولت نرخ ارز را در سطحی غیر از سطح تعادلی آن قرار ندهد. لذا از سودبری یک بخش اقتصادی به زیان بخش دیگر جلوگیری می‌شود و با هزینه کمتری می‌توان به اهداف اقتصادی رسید. به طور مثال کشورهای در حال توسعه نرخ ارز را در سطحی پایین‌تر از نرخ تعادل واقعی آن قرار می‌دهند تا کالا و تجهیزات سرمایه‌ای مورد نیاز توسعه به آسانی وارد شود، اما این اقدام موجب کاهش صادرات کالاها و کشاورزی و سستی این کشورها خواهد شد. به دنبال آن دولت مجبور می‌شود تا مجموعه پیچیده‌ای از نرخ‌ها و کنترل‌های تجاری را جهت حذف مازاد تقاضا برای ارز اعمال کند. با فرض ثابت بودن سایر شرایط، کارآمدترین روش این است که ارز، نرخ تعادلی خود را در بازار پیدا کند و به تولیدکنندگان صنعتی کشور نیز جداگانه سوبسید پرداخت شود. پرداخت سوبسید روش بهتری است، زیرا شفافیت بیشتری داشته و تحت کنترل نظام قانون‌گذاری است، ولی کنترل‌های تجاری و ارزی اختلالات و ناکارایی زیادی در اقتصاد ایجاد می‌کند.

بالاخره اینکه نظام ارز انعطاف‌پذیر فاقد هزینه‌هایی است که دولت برای مداخله در بازار و حفظ نرخ ارز ثابت مجبور به پرداخت آنهاست. فریدمن که طرفدار حداقل دخالت دولت در اقتصاد و حداکثر آزادی فردی هستند نرخ شناور را ترجیح می‌دهند.

بسیار کارتر و کم‌هزینه‌تر از تغییر تمامی قیمتها به منظور تعدیل تراز پرداختها است. به علاوه در دنیای امروز قیمت‌ها کاملاً انعطاف‌پذیر نیستند (خصوصاً در جهت کاهش).

موافقین نظام‌های ارزی انعطاف‌پذیر معتقدند که در این نظام عدم تعادل تراز پرداختها به طور مداوم و یکنواخت تعدیل خواهد شد و این منجر به تثبیت سفته بازی و کاهش نوسان‌های نرخ ارز خواهد شد. از طرف دیگر در رژیم نرخهای مبادله تثبیت شده، ناتوانی و نخواستن یک کشور مبنی بر تعدیل نرخ ارز - زمانیکه از تعادل خارج شده باشد - منجر به بی‌ثباتی سفته بازی می‌شود و متعاقباً کشور مزبور را مجبور خواهد کرد تا تغییر مجرد زیادی در ارزش پولش به وجود آورد. این امر به نکان شدید اقتصادی می‌انجامد و هزینه‌های تعدیل فراوانی را بر کشور تحمیل خواهد کرد و سرانجام با جریان روان تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری در تضاد قرار می‌گیرد.

طرفداران رژیم نرخ ارز شناور ادعا می‌کنند، هنگامی که نرخهای مبادله تعادل یافته در قیمت‌های داخلی سرایت کند، نظام مزبور می‌تواند درجه مزیت نسبی و عدم مزیت نسبی یک کشور را در کالاهای مختلف تعیین کند. نرخ ارز ثابت، در دنیای واقعی غالباً از تعادل خارج است و این به اختلال در روند تجارت و جلوگیری از کاراترین تخصیص منابع در سطح جهان منجر می‌شود. مثلاً اگر ارزش داخلی پول کشور به‌طور مصنوعی، بسیار پایین نگه‌داشته شود، کشور بیش از نرخ مبادله تعادل یافته به صادرات مبادرت می‌ورزد. در چنین نرخ‌ارزی، کشور کالاهایی را صادر می‌کند که در آنها بی‌فایده‌گی نسبی دارد.

یکی دیگر از مزایای نرخ شناور آن است که این نظام کارایی سیاست‌های پولی را تقویت می‌کند و در عین حال که این سیاست را برای دستیابی به اهداف داخلی آزادی می‌گذارند. به عنوان مثال، یک سیاست ضدتورمی که منجر به بهبود تراز تجاری می‌گردد، منجر به افزایش ارزش پول داخلی خواهد شد. این نتیجه به نوبه خود فشارهای تورمی داخلی را از طریق تشویق واردات و کاهش صادرات تقلیل

مقایسه نظامهای پول بین المللی

نظام نرخهای شناور (شناور مدیریت شده)	نظام نرخهای ثابت تبدیل پذیر	نظام نرخهای ثابت (استاندارد طلا)	چگونگی تبدیل موازنه پرداختها
تعیین نرخ ارز از طریق نوسانات عرضه و تقاضا در بازار ارزی و کنترل نوسانات از طریق مقامات پولی	تعیین نرخ ارز از طریق نسبت ثابت با طلا و ارزهای کلیدی (دلار) و SRD و امکان تغییر آن با همکاری IMF	نرخ ثابت ارز بر اساس ثابت هر پول با طلا	
از طریق نوسانات نرخ ارز در بازار آزاد و اثر آن بر عرضه و تقاضا	از طریق اقدامات حساب شده بانکهای مرکزی و همکاری صندوق بین المللی پول و در صورت لزوم تغییر نرخها	از طریق مکانیسم خودکار انکیز-مسودجویی و تغییرات حجم پول، سطح قیمتها	
سهولت و سرعت تبدیل موازنه پرداختها	عدم نیاز به صدور آزاد طلا از کشور	عدم نیاز به صدور آزاد طلا از کشور	مزایا
استقلال سیاستهای اقتصادی داخلی از سیاستهای مربوط به موازنه پرداختها	امکان تصحیح حساب شده نرخهای ارز همراه با تغییرات در ساختار اقتصادی کشورها	تبدیل خودکار موازنه پرداختها	
اصلاح شدن خودکار نرخ ارز همراه با تغییرات ساختاری اقتصاد کشورها	همکاری کارشناسی IMF یا کشورها برای رفع مشکلات	لزوم همکاری و تفاهم بین کشورهای طرف مبادله	
نوسانات غیر قابل پیش بینی نرخ ارز و افزایش هزینه خطر در تجارت بین الملل	وابسته بودن نظام ارزی به سرنوشت اقتصادی امریکا	وابسته بودن بیش از حد سیاستهای داخلی به سیاستهای مربوط به نرخ پرداختها	معایب
جداشدن سرنوشت اقتصادی کشورها از یکدیگر (به وجود آمدن اتحادیه های ارزی منطقه ای)	نیاز کشورها به نگاهداری ذخیره ارزی کلیدی	فقط در شرایط تقاضای سیاسی و اقتصادی	
	وابسته بودن تعدیل موازنه پرداختها به تصمیمات مقامات کشورها	توزیع ناعادلانه ذخیره طلا بین کشورها	

۱۰- تحولات نرخ ارز و تراز پرداختها در ایران

نظام چند نرخ ارز به دلیل شرایط ویژه کشور و جنگ تحمیلی و به منظور مداخله دولت در جهت تأمین اهداف کشور مورد استفاده قرار گرفت. در پیدایش نظام چند نرخ ارز، بر اساس تصمیم بانک مرکزی، ضمن التزام صادر کنندگان کالاهای غیر نفتی به پیمان سپاری ارزی، ابتدا سیستم دو نرخ ارز (نرخ رسمی و نرخ ترجیحی) ایجاد و بانکها مکلف گردیدند ارز صادراتی را با نرخ

۱- حمید، پوهانی، بانکداری و تأمین مالی بین المللی، مؤسسه عالی بانکداری ایران سال ۱۳۷۹، صص ۳۳-۴۰. مهدی رشیدی، بانکداری بین المللی (۱)، مؤسسه عالی بانکداری ایران سال ۱۳۸۲، صص ۳۳۳، ۳۳۸. گزارش اقتصادی سالهای برنامه دوم و سوم برنامه توسعه، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ترازنامه و نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی

۹-۱ - صندوق بین‌المللی پول

در اوایل قرن بیستم، توسعه صنایع جدید، ارتباطات و مخابرات سبب گردید تا حجم مبادلات میان کشورها افزایش یابد. مبادلات بین‌المللی در آن زمان تا پایان جنگ جهانی اول از طریق انتقال شمش‌های طلا میان کشور صورت می‌گرفت. در دوره مورد بحث، افزایش حجم مبادلات بین‌المللی و کافی نبودن ذخایر طلای برخی از کشورها، باعث به‌وجود آمدن مشکلات عدیده‌ای در امر مبادلات بین کشورها شد. از این رو کشورها نیازمند به ایجاد یک پول واحد بین‌المللی بودند. این پول می‌بایست مورد قبول همه کشورها باشد و در عین حال وابسته یا تحت تأثیر نفوذ سیاست‌های هیچ کشوری قرار نداشته باشد. بنابراین در آن دوران به دلایل متعدد کشورها نتوانستند بر سر چنین پولی به توافق برسند. البته در دوران رونق سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۲۴ پول بعضی از کشورها مانند دلار، لیره استرلینگ واسطه مبادلات قرار گرفت، اما در نهایت تسویه بدهی‌ها از طریق انتقال شمش‌های طلا انجام می‌گرفت. بدهی است که در این دوران بعضی از کشورها با کسری تراز پرداختها روبرو می‌شدند. آنها برای جلوگیری از خروج ذخایر طلای خود از کشورها به‌خاطر تسویه بدهیها تلاش می‌کردند تا واردات خود را کاهش و در مقابل صادرات خود را افزایش دهند. مشخص است که هدف از اتخاذ چنین سیاستی در کشور مربوطه کاهش میزان بدهی‌ها بوده است و لیکن این سیاست منجر به پیدایش رکود اقتصادی در آن کشور می‌شد.

نتیجه نهایی اتخاذ چنین سیاست‌های اقتصادی در کشورهای صنعتی، ظهور بزرگترین بحران اقتصادی در اواخر دهه ۱۹۲۰ بود. بحران بزرگ سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۲۳ موجب روی کار آمدن فاشیسم در آلمان و دسته‌بندی‌های اقتصادی و تجاری میان کشورهای جهان شد. در این دسته‌بندی‌ها، آمریکا، انگلستان و فرانسه در یک گروه و آلمان، ژاپن و ایتالیا در گروه مقابل قرار گرفتند، که در نهایت در سال ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم شروع شد. در طول جنگ جهانی دوم یعنی در طی سال‌های ۱۹۳۹-۴۵

مؤسسات پولی و مالی بین‌المللی

سیستم پرداخت‌ها و دریافت‌های بین‌المللی که هنوز عمدتاً مبنی بر انتقال شمشهای طلا میان کشورها بود، به علت عدم وجود امنیت آبهای بین‌المللی مختل شد. در این دوران آمریکا و انگلستان که هر کدام ادعای رهبری اقتصادی و سیاسی جهان را داشتند به منظور جلوگیری از تکرار و پیدایش بحرانیهای اقتصادی اقدام به تشکیل سیستم پولی جدید کردند.

در اوج جنگ جهانی دوم یعنی سال‌های اولیه دهه ۱۹۴۰، تلاش‌های زیادی برای ایجاد یک سیستم بانبات و آزاد پولی صورت گرفت، در این راستا چهار طرح عنوان شد:

۱- طرح هری دکستر وایت^۲ معاون وزیر خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا در فوریه ۱۹۴۲ ارائه گردید. عنوان طرح وایت «پیش‌نویس اولیه پیشنهاد تأسیس صندوق تثبیت ملل متحد و بانک ترمیم و توسعه ملل متحد»^۳ بود.

۲- طرح جان مینارد کینز مشاور خزانه‌داری انگلستان و اقتصاددان مشهور، در فوریه ۱۹۴۲ تحت عنوان «اتحادیه پایایی (پولی) بین‌المللی»^۴ ارائه گردید.

۳- دولت فرانسه نیز در ماه مه ۱۹۴۳ طرحی را تحت عنوان «مناسبات پولی بین‌المللی» ارائه کرد.^۵

۴- در ژوئیه ۱۹۴۳ طرحی تحت عنوان «اتحادیه مبادلات بین‌المللی» توسط دولت کانادا ارائه گردید.

از میان طرحهای مذکور، دو طرح وایت از آمریکا و کینز از انگلستان مورد توجه قرار گرفت. در این هنگام، کشور آمریکا بطور مستقیم درگیر جنگ نبود و دارای قدرت اقتصادی زیادی بود به

۱- یگانه موسوی جهرمی، سازمان‌های بین‌المللی پولی و مالی، دانشگاه پیام‌نور چاپ اول ۱۳۷۶، ص ۲

2 - Harry Dexter white

3- Preliminary Draft proposal for united Nation Stabilization Fund and a Bank for Reconstruction and Development of the United and Associated Nations.

4 - Proposals for an International currency (or clearing) Union

5 - International Monetary Relation

6 - International exchange Union

گونه‌ای که از یک سو عمده‌ترین منبع تأمین مالی خسارات جنگ به حساب می‌آمد و از سوی دیگر بعد از جنگ جهانی به صورت یک طلبکار عمده درآمد بود. از اینرو به دلیل نفوذ آمریکا، به طرح وایت بیشتر اهمیت داده شد. پیرو جلسات متعددی که در سال ۱۹۴۳ میان نمایندگان انگلستان و آمریکا با حضور کینز و وایت صورت گرفت، بنایه مشترکی صادر گردید که در آن تأسیس صندوق بین‌المللی پول^۱ (IMF) به منظور اداره نظام پولی جهان، پیشنهاد شده بود. نهایتاً تشکیل یک مؤسسه بین‌المللی پولی در کنفرانس برتن وودز در ایالت نیوهمپشایر آمریکا با شرکت ۴۴ کشور جهان در ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵، ژوئن سال ۱۹۴۴ مورد توافق کشورها قرار گرفت. به این ترتیب ۲۹ کشور جهان در ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵، اساسنامه مؤسسه‌ای بنام صندوق بین‌المللی پول، را امضاء کردند و صندوق بین‌المللی پول در این تاریخ به رسمیت شناخته شد. اولین اجلاس مدیران اجرایی آن در تاریخ ۶ مه ۱۹۴۶ تشکیل شد و عملیات مالی صندوق نیز از اول ماه مارس ۱۹۴۷ به‌طور رسمی آغاز شد. جدول (۹-۱) فهرست اسامی کشورهای عضو و سهمیه هر یک را در ابتدای تأسیس صندوق بین‌المللی نشان می‌دهد.

مقر کنونی صندوق بین‌المللی پول در آمریکا که بیشترین سهمیه را دارد، در شهر واشنگتن، واقع شده است. با وجودی که صندوق وابسته به سازمان ملل متحد است ولی در اداره امور و وظایف خود کاملاً از سازمان ملل متحد مستقل است. به علاوه صندوق از نظر حقوقی دارای شخصیت حقوقی کامل بوه و برای بستن قرارداد، فروش اموال منقول و غیرمنقول و سایر اقدامات حقوقی دارای صلاحیت است. همچنین اموال، پرونده‌ها و دارائیهای صندوق در سراسر اقدامات قضایی، تصرف، کاوش و... از مصونیت برخوردار است. درآمدها و دارائیهای صندوق مشمول هیچ گونه مالیات و با عوارض گمرکی نمی‌باشد.

جدول (۹-۱)

سهیمه	کشور	سهیمه (میلیون دلار)	کشور
۴۰۰	هند	۲۰۰	استرالیا
۲۵	ایران	۲۲۵	بلژیک
۸	عراق	۱۰	یونانی
۰/۵	لیبریا	۱۵۰	برزیل
۱۰	لوئیزیانا	۳۰۰	کانادا
۹۰	مکزیک	۵۰	شیلی
۳۷۵	هلند	۵۵۰	چین
۵۰	ژلاندنو	۵۰	کلمبیا
۲	نیکاراگوئه	۵۰	کاستاریکا
۵۰	نروژ	۵۰	کوبا
۰/۵	پاناما	۱۲۵	چکسلواکی
۲	پاراگوئه	*	دانمارک
۲۵	پرو	۵	جمهوری دومینکن
۱۵	فیلیپین	۵	اکوادور
۱۲۵	لهستان	۴۵	مصر
۱۰۰	آفریقای جنوبی	۲/۵	السالوادور
۸۲۰۰	اتحاد جماهیر شوروی	۶	اتیوپی
۱۳۰۰	بریتانیا کبیر	۴۵۰	فرانسه
۲۷۵۰	ایالات متحده آمریکا	۴۰	یونان
۱۵	اروگوئه	۵	گواتمالا
۱۵	ونزوئلا	۵	هاییتی
۶۰	یوگسلاوی	۶۵	هندوراس
		۱	ایسلند

* قرار بر این بود که سهمیه دانمارک، پس از آنکه دولت مزبور آمادگی خود را برای امضای این موافقتنامه اعلام کند، تعیین گردد.

ماخذ: حسن گلریز، سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی دانشکده علوم بائگی ۱۳۶۹ ص ۱۵

در سال ۲۰۰۴ میلادی ۱۸۳ کشور عضو صندوق بین‌المللی پول بودند که به ۲۴ گروه تقسیم شده‌اند. تقسیم‌بندی کشورها در گروه‌های بیست و چهارگانه تابع شرایط و مقررات خاصی می‌باشد. ۴ بیشتر به مسائل تاریخی، سیاسی و فرهنگی مربوط می‌باشد.

هر یک از اعضا، در صندوق بین‌المللی پول دارای یک سهمیه معینی است که به مانند حق ترازکی است که اعضا به صندوق می‌پردازند. این سهمیه منبع اصلی تأمین مالی صندوق است. تا دهه

۱۹۷۰، بیست و پنج درصد سهمیه هر عضو به طلا و هفتاد و پنج درصد آن به پول ملی پرداخت می‌شود. از آغاز تأسیس صندوق تا سال ۱۹۷۲، دولت ایران در گروهی قرار داشت که دولت مصر رهبر آن گروه بود. در جدول شماره (۹-۲) نام اعضای گروه ایران در طی سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۴۶ آمده است.

جدول (۹-۲)

دوره ۱۹۴۵-۱۹۶۸	دوره ۱۹۶۸-۷۲
مصر	مصر
اتیوپی	اتیوپی
ایران	ایران
یونان	فیلیپین
عراق	لبنان
فیلیپین	سوریه
لبنان	پاکستان
سوریه	اردن
ترکیه	عربستان سعودی
پاکستان	افغانستان
اردن	کویت
افغانستان	سومالی
عربستان سعودی	جمهوری یمن
کویت	جمهوری چین
سومالی	عمان

در سال ۱۹۷۳ به دو دلیل گروه ایران به طور مستقل تشکیل شد. این دلایل عبارت بودند از:

- ۱- به طور کلی رژیم سابق ایران از اینکه با کشور مصر به رهبری جمال عبدالناصر هم گروه است راضی نبود، از این رو پس از افزایش سهمیه ایران به ۶۶۰ میلیون حق برداشت مخصوص و همچنین افزایش درآمد‌های ارزی ناشی از افزایش قیمت نفت به فکر تشکیل گروه مستقلی در صندوق بین‌المللی پول افتاد.
- ۲- متلاشی شدن گروه تایوان به علت عدم شرکت در انتخابات هیأت مدیره سال ۱۹۷۳ و نیز عدم

۶- کمک به تثبیت نرخ مبادلات ارزی و برقراری سیستم منظم مبادلات بین اعضا و جلوگیری از کاهش بی‌رویه نرخ ارزها.

از زمان تأسیس صندوق تاکنون سه بار اساسنامه آن اصلاح شده است. اولین بار در ۲۸ ژوئیه سال ۱۹۶۹، اصلاح به علت ایجاد دارایی ذخیره‌ای جدید به نام حق برداشت مخصوص (SDR) بود. دومین اصلاح اساسنامه در آوریل ۱۹۷۸ انجام گرفت. این اصلاحیه پس از فروپاشی سیستم نرخ‌های ارز ثابت صورت گرفت. مهمترین اهدافی که در دومین اصلاحیه اساسنامه صندوق بین‌المللی پول ذکر شد، عبارتند از:

۱- آزادی اعضا در انتخاب ترتیبات ارزی دلخواه به رسمیت شناخته شده، منتهی تحت نظارت صندوق
 ۲- ترویج و ارتقای راههای استفاده از حق برداشت مخصوصی که بتواند دارای ذخیره‌ای اصلی در سیستم پولی بین‌المللی محسوب شود.

۳- مدرنیزه کردن فعالیتهای مالی و سازمان صندوق بین‌المللی پول
 در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۲، سومین اصلاح اساسنامه صندوق قطعیت یافت و از تاریخ مذکور به اجرا گذاشته شد. در سومین اصلاحیه، آراء و کلیه حقوق مربوط به اعضایی که به تعهدات مالی خود در برابر صندوق عمل نکنند، به حال تعلیق درمی‌آید.

۹-۳- ارکان صندوق بین‌المللی پول

الف - هیأت نمایندگان

عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در صندوق بین‌المللی پول، هیأت نمایندگان می‌باشد. این هیأت از یک نماینده اصلی (رئیس بانک مرکزی یا وزیر دارایی) و یک عضو علی‌البدل که توسط نمایندگان اصلی انتخاب می‌شود، تشکیل می‌شود.

پذیرش سهمیه جدید و به تعویق افتادن ارسال آمار و اطلاعات اقتصادی مربوط به خود. در ابتدای شکل‌گیری گروه ایران، این گروه شامل کشورهای ایران، الجزایر، مراکش، غنا، تونس، افغانستان، عمان و یمن بود و به دلیل سهمیه بالای ایران، خود ایران عهده‌دار رهبری این گروه است. در سال ۱۹۷۵ یمن از گروه ایران خارج شد و تا پایان سال ۱۹۸۱ میلادی این گروه بدون تغییر باقی ماند. پس از سال ۱۹۸۱ میلادی، عمان نیز از گروه ایران خارج شد. در سال ۱۹۹۲ پاکستان به گروه ایران پیوست و تاکنون مدیریت گروه به عهده ایران است.

ایران در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ میلادی با داشتن سهمیه‌ای برابر ۱۴۹۷/۲ میلیون SDR و تعداد آرای معادل ۱۵۲۲۲ از مجموع ۵۳۶۶۲ تعداد رای کل گروه، به ترتیب دارای ۲۸/۴ درصد در کل آرای گروه و ۰/۷۰۲ درصد در کل آرای صندوق بین‌المللی پول بود.^۱

۹-۲- اهداف صندوق بین‌المللی پول

بر طبق ماده یک اساسنامه صندوق بین‌المللی پول، اهداف این مؤسسه عبارتند از:

۱- تدوین مقررات نظام پولی بین‌المللی و نظارت بر اجرای صحیح این مقررات
 ۲- گسترش همکاری‌های پولی و بین‌المللی و فراهم کردن امکانات جهت تبادل نظر و تشریک مساعی در مسائل پولی بین‌المللی.

۳- تهیه منابع مالی از طریق اعطای وامهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت به کشورهای عضو به منظور تأمین مالی عدم تعادل‌های موقتی تراز و کمک به کاهش عدم تعادل‌های مزمن و ساختاری.

۴- فراهم کردن شرایط لازم برای گسترش و رشد متوازن تجارت بین‌المللی.

۵- تشریک مساعی در ایجاد یک سیستم چند جانبه پرداختها در زمینه معاملات جاری بین اعضا و همچنین رفع محدودیت‌های ارزی که مانع رشد تجارت جهانی است.

نباشند. در حال حاضر علاوه بر ۵ کشور ذکر شده، کشورهای عربستان سعودی، چین و فدراسیون روسیه هر کدام منحصر به عنوان یک گروه یک عضوی، یک مدیر انتخاب و معرفی کرده‌اند. هیأت مدیره جمعاً ۲۴ نماینده دارد.

ج - مدیر عامل

مدیر عامل توسط هیأت مدیره برای مدت ۵ سال انتخاب می‌شود. حداقل سن وی باید ۶۵ و حداکثر ۷۰ سال باشد و به طور سنتی معمولاً مدیر عامل صندوق از اتباع کشورهای اروپایی عضو صندوق انتخاب می‌شود.

مدیر عامل بالاترین مقام کارکنان اجرایی صندوق است و ریاست هیأت مدیره را به عهده دارد ولی نمی‌تواند یکی از اعضای هیأت مدیره باشد. مدیر عامل زیر نظر هیأت مدیره یا هیأت نمایندگان به انجام امور عادی صندوق می‌پردازد و رئیس کارکنان صندوق است. مدیر عامل به طور معمول حق رأی ندارد مگر هنگامی که تساوی آراء حاصل شده باشد.

۹-۴- ایران و صندوق بین‌المللی پول^۱

کشور ایران یکی از اعضای اصلی صندوق بین‌المللی پول است و براساس قانون «اجازه مشارکت دولت ایران در مقررات کنفرانس منعقد در برتون وودز مربوط به تأسیس صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی» مصوب ششم دی ماه ۱۳۲۴ مجلس شورای ملی به عضویت صندوق بین‌المللی درآمد.

نکات حائز اهمیت این قانون به شرح زیر می‌باشند:

۱- دریافت وام از صندوق بین‌المللی پول در حیطه اختیارات بانک ملی است (لازم به ذکر است که با تأسیس بانک مرکزی در سال ۱۳۲۹ کلیه وظایف بانک ملی در رابطه با صندوق بین‌المللی پول به

اجلاس هیأت نمایندگان یا به صورت عادی توسط این هیأت از قبل تعیین می‌شود و یا به صورت فوق‌العاده و با تقاضای هیأت مدیره و یا تقاضای بازده کشور عضو که حداقل $\frac{1}{4}$ کل آراء را دارا باشند، تشکیل می‌شود. میزان رأی در صندوق بستگی به سهمیه هر عضو دارد. هر عضو دارای ۲۵۰ رأی اولیه به‌علاوه یک رأی برای هر یکصد هزار SDR بالاتر از سهمیه خود در صندوق یک رأی اضافی دارد.

اجلاس عادی هیأت نمایندگان معمولاً پاییز هر سال به مدت یک هفته تشکیل می‌شود. در این جلسات به مواردی شامل بررسی وضع کلی اقتصاد جهانی، رسیدگی و بررسی مشکلات موجود در سیستم پولی بین‌المللی، بحث و تبادل نظر در زمینه مسائل عمرانی کشورهای در حال توسعه در چهارچوب مناسبات و نظام اقتصاد کنونی، پرداخت می‌شود.

ب - هیأت مدیره

هیأت مدیره یا مدیران اجرایی طبق اساسنامه صندوق بین‌المللی پول، اداره امور و عملیات کلی را برعهده دارد. هیأت مدیره مرکب از مدیر عامل و تعدادی مدیر اجرایی است. ریاست هیأت مدیره با مدیر عامل است. هر مدیر اجرایی دارای یک قائم مقام است که در صورت غیبت به جای او در جلسات هیأت مدیره شرکت می‌کند و در صورتی که هم مدیر و هم قائم مقام غایب باشند، مدیر موقتی برای حضور در جلسات انتخاب می‌شود. در زمانی که مدیر اصلی حضور داشته باشد، قائم مقام وی می‌تواند در جلسات حضور یابد ولی حق رأی ندارد.

طبق اساسنامه صندوق، پنج کشور عضو که بالاترین سهمیه در صندوق را دارا می‌باشند، پنج مدیر انتصاب می‌کنند. در حال حاضر این پنج مدیر توسط کشور آلمان، آمریکا، انگلستان، فرانسه و ژاپن انتخاب شده‌اند. به علاوه، دو کشور نیز که در طی یک دوره دو ساله بزرگترین اعتبار دهنده به صندوق بوده‌اند هر کدام می‌توانند یک مدیر منصوب نموده به شرط آنکه جز پنج کشور فوق‌الذکر

باقیمانده سهمیه خود را به پول ملی پردازند، اما براساس هفتمین بررسی عمومی که از ماه نوامبر سال ۱۹۸۰ به اجرا درآمد، اعضا ۲۵ درصد میزان افزایش سهمیه خود را به حق برداشت مخصوص و ۷۵ درصد مابقی را به پول ملی پرداختند و بالاخره برطبق هشتمین بررسی عمومی که در ۳۰ نوامبر سال ۱۹۸۰ به اجرا گذاشته شد اعضای جدید یا کشورهای عضو که سهمیه آنها افزایش یافته است، اجازه یافتند که حق‌السهم خود را با پول ملی خود یا به‌صورت حق برداشت مخصوص یا به‌پول اعضا دیگر که توسط صندوق مشخص شده‌بود و یا ترکیبی از حق برداشت مخصوص و پولهای مزبور پرداخت کنند.

ب - منابع استقراضی

صندوق می‌تواند در صورت لزوم منابع مالی مورد نیاز خود را از راه استقراض تأمین کند. صندوق می‌تواند از مؤسسات دولتی مانند خزانه‌داری‌ها و بانکهای مرکزی و حتی مؤسسات خصوصی مانند بانکهای تجاری وام بگیرد. فقط چنانچه صندوق بخواهد پول کشوری را از منبع دیگری به جزء آن کشور قرض کند، جهت انجام این کار نیاز به موافقت کشور مزبور است. از سال ۱۹۸۲، میزان وامی که صندوق می‌تواند دریافت کند نایستی از ۵۰ درصد تا ۶۰ درصد مانده وامهای دریافتی به اضافه اعتبارات استفاده نشده آنها بیشتر شود. این نسبت از سال ۱۹۶۸ در حدود ۳۵ درصد بوده است. از جمله منابع استقراضی صندوق، قرار عمومی استقراض یا موافقتنامه عمومی استقراض است که صندوق در سال ۱۹۶۲ اولین وام خود را تحت برنامه «قرار عمومی استقراض» (GAB) دریافت نمود و از آن به بعد چندین بار آن را تجدید کرد.

۹-۶- اعتبارات و تسهیلات مالی صندوق

صندوق بین‌المللی پول تحت شرایط اجرای سیاست‌های مالی، پولی، ارزی و درآمدی خود، به اعضا برای تعدیل سیستم اقتصادی کشورشان و ترمیم کسری موازنه پرداختها وام می‌دهد. اجرای

صندوق وام دریافت کرد که تمام آن تا سال ۱۳۵۲ بازپرداخت شد.

مرحله ۲- مرحله دوم روابط ایران با صندوق از سال ۱۹۷۴ پس از افزایش شدید قیمت نفت و ایجاد مازاد قابل توجهی در حساب تراز پرداخت‌های کشورهای صادرکننده نفت می‌باشد. در این زمان با افتتاح اعتباری به نام «تسهیل نفتی» از طرف صندوق، برای کمک به کشورهایی که در اثر قیمت نفت دچار کسری شده‌اند، ایران تبدیل به کشور وام‌دهنده شد. چرا که منابع مالی اعتباری «تسهیل نفتی» را کشورهای صادرکننده نفت و کشورهای صنعتی تأمین کردند. در این مرحله، دولت ایران در سالهای ۱۹۷۴-۷۵ طی یک قرارداد و یک اعلام موافقت به‌طور جداگانه به ترتیب ۵۸۰ و ۴۱۰ میلیون حق برداشت مخصوص به صندوق وام داد.

مرحله سوم - مرحله سوم مصادف با دوره انقلاب است. در این مرحله به طور کلی ارتباط بین ایران و سازمانهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول به حداقل رسید و ایران صرفاً اطلاعات و گزارشات اقتصادی دریافت می‌کرد و در انجام امور جاری صندوق و برخی سمینارها و دوره‌های کارآموزی شرکت می‌کرد.

مرحله چهارم - در مرحله چهارم پس از دوازده سال، سه‌هيات از کارشناسان اقتصادی صندوق بین‌المللی پول در فوریه ۱۹۹۰، مه ۱۹۹۱ و مه ۱۹۹۲، به‌منظور مشاوره اقتصادی به ایران آمدند. به‌علاوه تاکنون چندین هیات دیگر نیز از صندوق جهت ارائه کمکهای فنی در زمینه‌های مختلف به ایران آمدند.

۹-۵- منابع مالی صندوق بین‌المللی پول

الف - سهمیه‌های پرداختی اعضا

مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع مالی صندوق بین‌المللی پول سهمیه‌های پرداختی اعضا است. حساب این سهمیه‌ها در حسابی به نام «حساب منابع عمومی» صندوق ثبت و نگهداری می‌شود.

تا دهه ۱۹۷۰، قرار بر این بود که اعضا ۲۵ درصد سهمیه خود را به طلا و بقیه یعنی ۷۵ درصد

فقط کشورهای عضو ممکن است ثابت کنند که برای غلبه بر دشواری‌های تراز پرداخت‌های خود نیاز به استفاده از ترانش نخست اعتباری دارند. بازپرداخت ترانش نخست بایستی در فاصله سه سال و سه ماه تا پنج سال صورت گیرد.

ب - ترانش‌های اعتباری بالاتر^۱

برای استفاده از سه ترانش آخر اعتباری، کشورهای عضو صندوق بین‌المللی پول باید برنامه‌های اساسی برای غلبه بر مشکلات تراز پرداخت‌ها داشته باشند. منابع در این حالت معمولاً در قالب «ترتیبات احتیاطی» و «تسهیلات مالی گسترده» در اختیار اعضاء قرار می‌گیرد.

دوران بازپرداخت این نوع ترانش‌های اعتباری معمولاً بین سه سال و سه ماه تا پنج سال است.

۳- تسهیلات مالی گسترده:

این نوع وام‌ها نسبت به ترانش اعتباری از مدت طولانی‌تری برخوردارند، یعنی حدود ۷/۵ تا ۱۰ سال. هر کشور می‌تواند تا ۱۴۰ درصد سهمیه خود را از این محل به صورت وام دریافت کند. البته شرایط استفاده از این وام‌ها مشکل‌تر است و شامل کشورهایی می‌شود که دچار مشکلات تراز پرداخت‌های ناشی از عوامل ساختاری و سازمانی در اقتصاد کشور باشند. چنانچه کشور عضو بتواند وضع حسابهای خارجی خود را بهبود بخشد، باید وام را زودتر از موعد مقرر بازپرداخت کند.

۴- تسهیلات مخصوص

تسهیلاتی که تاکنون معرفی شدند به طور کلی برای کمک به نیازهای تراز پرداخت‌ها انجام می‌شوند اما تسهیلات مخصوص برای رفع یک مشکل خاصی که منجر به ایجاد مسئله تراز پرداخت‌ها شده، اعطا می‌گردد.

سیاست‌های مالی به معنای کاهش هزینه‌های دولت، افزایش قیمت کالاها و خدمات دولتی، لغو کمک‌ها و سوبسیدها، کاهش استقراض دولت از سیستم بانکی و افزایش مالیات‌های غیرمستقیم است. سیاست‌های پیشنهادی پولی صندوق شامل افزایش نرخ بهره داخل به منظور مقابله با تورم و سیاست‌های ارزی نیز شامل کاهش ارزش پول، تعیین سطحی مشخص برای ذخایر ارزی و ایجاد تسهیلات برای ورود سرمایه‌های خارجی است. بالاخره سیاست‌های درآمدی صندوق شامل تثبیت دستمزدها و جلوگیری از افزایش آن است.

صندوق تحت شرایط مذکور، منابع مختلفی را در اختیار اعضای خود قرار می‌دهد که این منابع شامل:

۱- ترانش ذخیره:

اولین تسهیل در حساب منابع عمومی «ترانش ذخیره» است که به ارزهای خارجی پرداخته می‌شود. هر کشور عضو وقتی که با عدم توازن پرداختها روبرو می‌شود، می‌تواند بدون هیچ محدودیتی از آن استفاده نماید و به تأمین نیاز خود از منابع مالی خارجی بپردازد. معمولاً استفاده از این ترانش مشمول برقراری شرایط خاص، بهره و کارمزد پرداختی نیست. همچنین کشوری که از ترانش ذخیره استفاده کرده است ملزم به بازپرداخت آن نمی‌باشد. هر نوع کاهش در میزان ترانش ذخیره موجب کاهش در میزان سود دریافتی از صندوق می‌شود.

۲- ترانش اعتباری^۲

الف - ترانش نخست اعتباری^۳

برای استفاده از اولین ترانش اعتباری به نام «ترانش نخست اعتباری» شرط و شروطی وجود ندارد.

1 - Reserve Tranche

2 - Credit Tranche

3 - First Credit Tranche

1 - Upper Credit Tranche

۲- افزایش شدید قیمت واردات در اثر تغییر روش تجاری از قیمت غیربازار به قیمت بازار بخصوص در مورد مواد سوختی

۳- ترکیبی از دو مورد فوق

چنان که در اثر عوامل فوق‌الذکر، کسری تراز پرداختها حداقل به میزان پنجاه درصد سهمیه آنها شود، صندوق بین‌المللی پول می‌تواند تسهیل فوق را حداکثر معادل پنجاه درصد سهمیه عضو طی دو مرحله خرید و با شرایط مندرج در مقررات این موافقتنامه پرداخت نماید. از جمله این شرایط تعهد کشور عضو به اجرای سیاست‌های پیشنهادی و بکارگیری معیارهای صندوق و همکاری با آن، برای رفع مشکل تراز پرداخت‌های کشور مورد نظر است. بازپرداخت این تسهیلات پس از اولین مرحله خرید آغاز می‌شود و دوران بازپرداخت چهار و نیم تا ده سال است.

۹.۷- گروه بانک جهانی

از آنجا که کشورهای درگیر جنگ جهانی دوم متحمل زیان‌ها و خسارتی شده بودند، برای بازسازی و ترمیم خرابیها به همکاری‌های بین‌المللی نیاز داشتند و از این رو پس از پایان جنگ جهانی دوم، در ژوئیه سال ۱۹۴۴، نمایندگان ۴۴ کشور جهان از جمله ایران در شهر برن وودز واقع در ایالت نیوهمپشایر آمریکا در کنفرانس پولی و مالی سازمان ملل متحد شرکت کردند و صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه را پایه‌ریزی کردند.

هدف اولیه از تأسیس بانک مذکور، کمک مالی به کشورهای خسارت دیده در طی جنگ جهانی دوم بود تا آنها بتوانند بازسازی و ترمیم شوند. بانک فعالیت خود را به طور رسمی در ۲۵ ژوئن ۱۹۴۶ شروع کرد و اولین وام خود را به ارزش نیم میلیون دلار در سال ۱۹۴۷ به کشورهای اروپای غربی پرداخت. اما خسارت ناشی از جنگ در حد بسیار بالایی بود آن چنان که منابع بانک هیچ تناسبی به

صندوق در صورت بروز مشکلات و حوادث خاصی نظیر زلزله، افزایش نرخ بهره خارجی و ... کمک‌های دیگری علاوه بر سایر تسهیلات به کشورهای عضو می‌کند. به عبارت دیگر کشورهای عضو هنگام بروز مشکلات خاص، می‌توانند از تسهیلات مخصوص، بدون آنکه معنی برای استفاده از سایر منابع صندوق ایجاد شود، استفاده کنند. مهم‌ترین تسهیلات مخصوص عبارتند از:

الف - کمک‌های اضطراری مربوط به بلایای طبیعی

ب - تأمین مالی برای ذخایر مواد اولیه

ج - تسهیل مالی جبرانی و احتیاط

۵- تسهیلات تعدیل ساختاری (SAF)^۱

این نوع تسهیلات برای نخستین بار در ماه مارس ۱۹۸۶ به وجود آورده شده و هدف از آن کمک به کسری تراز پرداخت‌های کشورهای کم‌درآمد (فقیر) با شرایط آسان است. شرایط آسان این تسهیلات به میزان بهره‌وام مربوطه و مدت بازپرداخت آن برمی‌گردد. بهره متعلقه به آن نیم درصد (۰/۵٪) در سال است و بازپرداخت آن پنج و نیم سال پس از اعطای وام شروع می‌شود و مجموعاً ۱۰ سال از مان دریافت وام طول می‌کشد. حداکثر تأمین اعتبار آن ۷۰ درصد سهمیه کشورهای کم‌درآمد است.

۶- تسهیل سیستماتیک دوره انتقال^۲

این تسهیل طبق مصوبه هیئت مدیره در سال ۱۹۹۳ در اختیار اعضای قرار می‌گیرد که مشکل تراز پرداخت‌های آنها به دلایل زیر به وجود آمده است:

۱- کاهش شدید درآمد‌های صادراتی به دلیل توسل به سیستم بازار بر مبنای عرضه و تقاضا و دور شدن از سیستم تجاری براساس قیمت‌های غیربازاری.

^۱ - International Bank For Reconsfunction and Development

1 - Structural Adjustment Facilities
2- Systemic Transformation Facility

عضویت در بانک جهانی زمانی پذیرفته می‌شود که عضویت متقاضی در صندوق بین‌المللی پول پذیرفته شده باشد.

هر کشوری که به عضویت بانک درمی‌آید باید ده درصد (۱۰٪) سهم تعهد شده خود را پرداخت کند. یک درصد (۱٪) این مبلغ به طلا یا دلار آمریکا پرداخت می‌شود و بانک می‌تواند از مبلغ یک درصد مذکور بدون قید و شرط در عملیات و فعالیت‌های خود استفاده کند و بقیه ده درصد سهم تعهد شده یعنی نه درصد (۹٪) باقیمانده به پول کشور مربوط پرداخت می‌شود که این مبلغ فقط با موافقت آن کشور قابل استفاده خواهد بود.

نود درصد (۹۰٪) کل سهام تعهد شده به وسیله هر کشور عضو پرداخت نمی‌شود و به صورت تعهد هر کشور می‌ماند و بانک هر گاه به این قسمت از سرمایه‌های تعهد شده اعضاء نیاز پیدا کند می‌تواند مبالغ مزبور را از اعضاء درخواست کند.

سرمایه و منابع بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه از سرمایه و حق عضویت کشورهای و استقراض از بازارهای مالی و دولتها تشکیل شده است.

قدرت آرای هر عضو نیز بستگی به میزان سرمایه تعهد شده (سهمی) آن عضو در بانک دارد. هر عضو دارای ۲۵۰ رای اولیه می‌باشد که به طور یکسان به تمام اعضاء تعلق می‌گیرد. همچنین اعضاء دارای آرای ثانویه بوده و آن عبارت از یک رای برای هر سهم می‌باشد و هر سهم بانک معادل یک صد هزار دلار است.

۱-۹-۲-۱- اهداف بانک

۱- کمک به بازسازی و توسعه کشورهای عضو از طریق سرمایه‌گذاریهای تولیدی در آن کشورها، بازسازی اقتصاد کشورهایی که در خلال جنگ آسیب دیده و یا از بین رفته‌اند، انطباق مجدد و هدایت تسهیلات و وسایل تولیدی با نیازها و احتیاجات زمان صلح و تشویق امر گسترش تسهیلات و منابع

اهداد آن نداشت، در نتیجه با شروع طرح مارشال توسط آمریکا در سال ۱۹۴۸، بانک در جهت عمران کشورهای در حال توسعه به تلاش و کوشش پرداخت.

با گذشت زمان نیاز به گسترش دامنه فعالیت بانک احساس شد، از این رو در سالهای مختلف مؤسساتی وابسته به بانک با داشتن اهداف مشخص و هم جهت با بانک تأسیس شدند. این مؤسسات عبارتند از:

- ۱- مؤسسه بین‌المللی توسعه (IDA)^۱
 - ۲- شرکت مالی بین‌المللی (IFC)^۲
 - ۳- آژانس تضمین سرمایه‌گذاری (MIGA)^۳
 - ۴- مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلاف سرمایه‌گذاری (ICSID)^۴
- مجموعه این سازمانها و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه تحت عنوان «گروه بانک جهانی» خوانده می‌شود. هر چند که بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه بعداً به «بانک جهانی» معروف شد و معمولاً عنوان بانک جهانی را برای بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه به کار می‌برند و لیکن منظور از بانک جهانی، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و مؤسسه بین‌المللی توسعه (IDA) است.

۱-۹-۷- بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD)

بانک مانند صندوق بین‌المللی پول، از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد است و سازمانی مستقل از سازمان ملل متحد دارد و نحوه اداره آن نیز کاملاً مستقل از سازمان ملل متحد است.

این سازمان در سال ۲۰۰۳، ۱۸۳ کشور عضو داشت که در ۲۴ گروه تقسیم شده‌اند. تقاضای

1 - International Development Association

2 - International Financial Corporation

3 - The Multilateral Investment Guarantee Agency

4 - International center for Investment Disputes

۹-۷-۳- شرکت مالی بین‌المللی (IFC)

شرکت مالی بین‌المللی در سال ۱۹۵۶ تأسیس شد و در سال ۲۰۰۴، ۱۶۴ کشور عضو داشت. این شرکت یکی از مؤسسات وابسته به گروه بانک جهانی است. هدف اصلی از تأسیس این شرکت همان کمک به توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورهای در حال توسعه بوده است. منتهی شرکت این امر را از طریق کمک به بهبود و توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی انجام می‌دهد. شرکت اغلب از طریق بانکهای تخصصی در کشورهای عضو و یا شرکت سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذاری می‌پردازد. سرمایه‌گذاری معمولاً در قالب خرید سهام یا اعطای وام به شرکت‌های خصوصی صورت می‌گیرد. شرکت شخصیت حقوقی جداگانه‌ای دارد و مدیران ارشد آن مجاز هستند پروژه‌های خاص را تا ۱۰۰ میلیون دلار تأمین مالی کنند. این وام‌ها نیاز به تضمین دولت ندارد و هر شخص حقیقی و حقوقی می‌تواند به آن مراجعه کند.

ایران در سال ۱۳۳۵ به عضویت این شرکت درآمد و پس از سالها قطع رابطه با این شرکت به دلیل چالش‌های سیاسی، برای اولین بار بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۹۷ تفاهم‌نامه‌ای بین IFC و بانک خصوصی کارآفرین امضا شد که براساس آن یک شرکت لیزینگ ماشین‌آلات حمل و نقل و ساختمانی با سرمایه مشترک ایجاد خواهد شد. در این شرکت حدود ۳۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خواهد شد و بانک کارآفرین با تأسیس یک شرکت لیزینگ ماشین‌آلات حمل و نقل و ساختمانی، آنها را به صورت اجاره و فروش در اختیار شرکت‌های پیمانکاری و حمل و نقل قرار خواهد داد. ایران قبل از انقلاب اسلامی، برای هفت طرح از شرکت درخواست کمک مالی کرده است. از این رو شرکت برای هفت طرح مذکور ۴۲۵۲۶۰۰۰ دلار متعهد شد.

در ۱۹ مارس ۲۰۰۴ میلادی کل مبلغ پرداخت شده از سرمایه تعهد شده ایران در مؤسسه مالی بین‌المللی نیز ۱۴۴۴ میلیون دلار بود که ۰/۰۶ درصد از کل سرمایه پرداخت شده مؤسسه مذکور را

و ۸۰ میلیون دلار برای اجرای طرح سد مخزنی البرز در سوادکوه مازندران از بانک جهانی وام دریافت داشته است.

بانک جهانی در سال ۲۰۰۴ با پرداخت وامی به مبلغ ۳۵۹ میلیون دلار به ایران برای توسعه شبکه‌های آب و بهسازی مسکن موافقت کرد. ۲۷۹ میلیون دلار از این وام برای توسعه شبکه فاضلاب شهری و بازسازی، بهبود و توسعه ساختار مناطق شهری و خانه‌سازی در اختیار ایران قرار داده می‌شود و در توسعه و بهسازی بخش مسکن شهرهای زاهدان، کرمانشاه و بندرعباس هزینه خواهد شد.

۹-۷-۲- مؤسسه بین‌المللی توسعه (IDA)

این مؤسسه در ۲۴ سپتامبر سال ۱۹۶۰ به منظور فراهم کردن زمینه کمک بیشتر در جهت اهداف بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه تأسیس شده است. کمکهای این مؤسسه مخصوص کشورهای در حال توسعه فقیر یعنی کشورهای با درآمد سرانه کمتر از ۸۵۰ دلار است. مؤسسه از نظر قانونی و مالی مستقل از بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه است ولی از همان سازمان و تشکیلات بانک استفاده می‌کند. این مؤسسه در سال ۱۷۵،۰۰۴ کشور عضو داشت. در ۱۹ مارس ۲۰۰۴ میلادی سرمایه ایران در مؤسسه معادل ۵۷ میلیون دلار برابر ۱۵۴۵۵ حق رأی بود. این تعداد حق رأی ۰/۸۱ درصد از کل آرا را تشکیل می‌دهد.

مؤسسه از سهمیه کشورهای عضو، کمکهای اضافی بعضی از کشورها، کمکهای مالی بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، درآمد خالص مؤسسه از عملیات وام‌دهی و درآمد خالص از انتشار و فروش اوراق قرضه بدون بهره به کشورهای ثروتمند، به عنوان منابع مالی جهت وام‌دهی استفاده می‌کند.

مؤسسه وام‌هایی که اعطا می‌کند بدون بهره بوده و فقط بابت انجام کارهای اداری و عمران هزینه‌های اداری مربوطه، بین ۰/۷۵ درصد تا یک درصد کاربرد دریافت می‌کند. هر ضمن وامها بسیار طولانی مدت هستند و کل وام بین ۱۳۵ الی ۴۰ سال مستهلک می‌شود. *نگاه‌های کلی*

دولت‌های طرف قرارداد (سرمایه‌گذاران خارجی) بسته شد که براساس آن این مرکز عهده‌دار حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین آنها شد. این مرکز در سال ۲۰۰۴ میلادی ۱۳۴ کشور عضو داشت و کشور ما در این تاریخ عضو این مرکز نبود.

۹-۱- بانک توسعه اسلامی^۱ (IDB)

بانک توسعه اسلامی یکی از نهادهای تخصصی مالی سازمان کنفرانس اسلامی است که در سال ۱۹۷۵ و به منظور کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسلامی و جامعه مسلمانان در کشورهای غیراسلامی توسط ۲۲ کشور اسلامی و با سرمایه اولیه دو میلیارد دینار اسلامی تأسیس شد و مقر آن در عربستان سعودی می‌باشد. براساس گزارش سالیانه بانک توسعه اسلامی در سال ۲۰۰۲، در مارس همان سال تعداد اعضای بانک ۵۳ کشور بود. کشور ایران که از سال ۱۳۶۷ با میزان سرمایه‌ای برابر با ۲/۵ میلیون دینار اسلامی به بانک پیوسته است. به واسطه ضرورت ایفاء نقش مؤثر در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های بانک توسعه اسلامی مبادرت به افزایش سرمایه خود در بانک به مبلغ ۱۷۵ میلیون دینار اسلامی نمود. در افزایش سرمایه عمومی بانک، ۱۷۲۴۷ سهم به ارزش ۱۷۲/۴ میلیون دینار اسلامی به ایران تعلق گرفت. همچنین ایران در سومین مرحله افزایش سرمایه به میزان ۳۴۴/۵۴ میلیون دینار اسلامی، کل سرمایه خود را به ۶۹۴/۴ میلیون رساند که پس از عربستان سعودی و لیبی از لحاظ سرمایه در مقام سوم قرار گرفت.^۲

از آغاز تأسیس بانک تا پایان سال ۱۳۸۲ در مجموع ۱۴۱ طرح به ارزش ۱۳۸۰/۲ میلیون دینار اسلامی (۱۸۶۵/۳ میلیون دلار) با همکاری این بانک در ایران تصویب و اجرا شده است که شامل

تشکیل می‌دهد. این مقدار سرمایه ۱۶۹۴ حق رأی معادل ۰/۷٪ از کل آرای شرکت را به خود اختصاص داده است.

۹-۲-۴- آژانس تضمین سرمایه‌گذاری چند جانبه (MIGA)

این آژانس جدیدترین عضو گروه بانک جهانی است که در ۱۲ آوریل ۱۹۸۸ تأسیس گردید. مقر اصلی آژانس در واشنگتن است و حسابهای آن نزد بانکهای مرکزی کشورهای عضو نگهداری می‌شود و از نظر مالی یک سازمان مستقل و بین‌المللی است و در سال ۲۰۰۴، ۱۵۹ کشور عضو دارد. هدف از تأسیس آژانس، همکاری با کشورهای توسعه یافته و سرمایه‌گذاران بالقوه برای تقویت و تشویق جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سوی کشورهای در حال توسعه عضو به منظور انجام طرحهای مولد در این کشورها بوده است. برای رسیدن به این هدف و رفع موانع موجود در این راه آژانس مذکور به دو طریق عمل می‌کند:

- ۱- تضمین سرمایه‌گذاری: نظیر بیمه و بیمه مشترک، برای کاهش ریسک‌ها و مخاطرات غیربازگشتی در کشور مورد نظر
- ۲- ارائه خدمات مشاوره‌ای به کشورهای در حال توسعه به منظور جلب سرمایه‌گذاری خارجی و انجام فعالیت‌های مکمل جهت بهبود جریان سرمایه‌گذاری به این کشورها.

ایران تا سال ۱۳۸۰ عضو این آژانس نبوده است ولی در سال ۱۳۸۱ اساسنامه این سازمان را امضاء کرد. در ۱۹ مارس ۲۰۰۴ میلادی ایران دارای ۱۶۵۹ سهم در آژانس به مبلغ ۱۷/۹۵ میلیون دلار بود که از این مبلغ ۳/۵۹ میلیون دلار آن پرداخت شده و بقیه عندالمطالبه می‌باشد. در این میان آرای ایران معادل ۰/۷٪ درصد از کل آرای آژانس را به خود اختصاص داده است.

۹-۲-۵- مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ICSID)

این مرکز در ۱۴ اکتبر سال ۱۹۶۶ کار خود را آغاز کرد. قراردادی بین دولتها و اتباع دیگر

۲- ترازنامه بانک مرکزی سال ۱۳۸۲، ص ۱۱۳.

- ۱- استانداردهای بین‌المللی در تطابق با اصول شریعت اسلام.
- ۲- ارائه دستورالعمل در زمینه‌های نظارتی و تدوین مقررات مؤسسات مالی اسلامی به انضمام آراء معیار جهت شناسائی، اندازه‌گیری مدیریت و آشکارسازی انواع ریسک‌های بانکی.
- ۳- همکاری با سازمان‌های بین‌المللی جهت تدوین استانداردهای مربوط به ثبات استحکام سیستم پولی و مالی جهانی و مؤسسات مالی کشورهای عضو.
- ۴- تشویق همکاری میان کشورهای عضو برای گسترش خدمات مالی اسلامی.